صبح صادق

دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸
اول رمضان ۱۴۴۰
سال نوزدهم شماره ۸۹۵
۱۲ صفحه

حلول ماه مبارک رمضان
بر میهمانان ضیافت الهی
مبارک باد

هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

ssweekly.ir

گزارشی از فراز و فرود بنزین در روزهای اخیر

آبی بر آتش شایعه!

کنترل دولت بر مصرف سوخت اتفاق خوبی است که باید رخ دهد؛ چرا که سهم زیادی از یارانه این محصول به جیب سودجویان و نه مردمی که مستحق آنند وارد می‌شود؛ اما در شرایط اقتصادی کنونی که شاهد تورم افسارگسیخته و مشکلات معیشتی مردم هستیم، شاید افزایش قیمت سوخت آن هم به میزان ۱۵۰ درصد صلاح نباشد

صفحه۲

سردار بابایی، فرمانده سپاه کربلا مازندران

گروه‌های جهادی برای سیل‌زدگان خانه‌می‌سازند

صفحه۱۱

موضعی که پس از دو دهه تکرار شد

ماجرای روزهای آخر

چهره‌های اصلاح‌طلب با خلق مفاهیم انتزاعی، مانند «دولت موازی»، «دولت با تفنگ» و... مدام درباره آن سخن گفته‌اند و این روند احتمالاً با نزدیک شدن به انتخابات مجلس یازدهم شدت نیز خواهد گرفت! اما سؤال این است که آیا می‌شود افکار عمومی را فریب داد؟ آیا کارشناسان و مردم فرق بین ناکارآمدی در عرصه مدیریت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را با کمبود مواد قانونی و ادعای نداشتن اختیارات نمی‌دانند و نمی‌بینند؟

صفحه۳

پرونده ویژه دستور هشت‌ماده‌ای امام خامنه‌ای برای مبارزه با فساد

بازخوانی یک فرمان

در ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰، رهبر معظم انقلاب فرمان مهمی را در هشت بند در زمینه مبارزه همه‌جانبه و سازمان‌یافته با مفاسد مالی و اقتصادی، خطاب به سران قوا صادر کردند. سران قوا هم به پیوست این فرمان «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی» را تشکیل دادند و هر از گاهی برای پیگیری منویات معظم‌له در طول ۱۸ سال جلساتی به فراخور ترتیب داده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد عملکردها در این بخش به هیچ وجه رضایت‌بخش نبوده و مطالبه‌گری‌ها روز به روز رو به تزاید است که باید برای اعتمادسازی اقدامات جدی صورت بگیرد.

مفسد اقتصادی در واقع اهل هیچ یک از مرام‌های سیاسی و حزبی نیست. حزب و جناح سیاسی برای او پوشش و ابزاری برای پیشبرد اهداف و پیگیری منافع شخصی و در یک کلام دزدی است. او در واقع فضله موشی در کیسه گندم است که خود را لابه‌لای دانه‌های گندم پنهان می‌کند و باید او را یافت و دور انداخت. کدام فرد عاقلی می‌گوید نه! بالاخره این فضله هم در این کیسه است و نباید آن را از گندم‌ها جدا کرد و اصلاً مگر یک فضله چقدر وزن دارد و جا می‌گیرد!

سردار یدالله جوانی

مطالبات سپاه پاسداران در ستیز با فساد

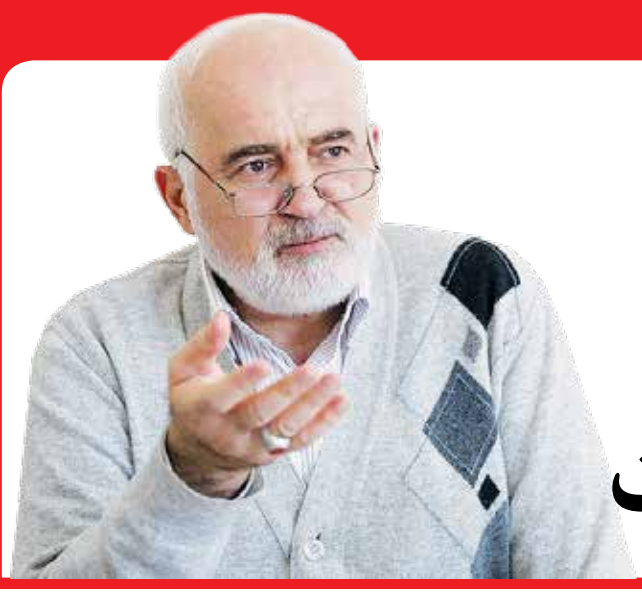

دکتر احمد توکلی

مبارزه‌علنی و شدید با فساد بازدارنده است

سرمقاله

مطالبات سپاه پاسداران در ستیز با فساد

سردار یدالله جوانی
مدیر مسئول

اگر کلیدواژه‌های خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اسلامی، از مختصات اصلی نقشه راه در بیانیه گام دوم باشد، بدون تردید مبارزه با مفاسد و مفسدان و همچنین فسادزدایی از کشور در همه حوزه‌ها، از الزامات پیاده‌سازی این بیانیه راهبردی در چله دوم انقلاب اسلامی است. در آسیب‌شناسی از دوران چهل سال اول انقلاب اسلامی با معیارهایی چون مبانی، اصول، شعارها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌توان گفت، پیاده نشدن عدالت در تراز انقلاب اسلامی و به شکل مطلوب و قابل قبول، از آسیب‌های اصلی و نقص‌های عمده این دوران در گام اول انقلاب است. به طور قطع، اگر رؤسای قوای سه‌گانه که مخاطب اصلی فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با مفاسد در ۱۸ سال گذشته بودند، این هشت فرمان را جدی می‌گرفتند، اکنون و در آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی، هیچ نشانه‌ای از فساد در کشور نبود. «عدالت» بالاترین فضیلت در حکومت دینی و نظام ولایی است و راه تحقق آن، مبارزه جدی با فقر، فساد، تبعیض و بی‌عدالتی است. افراد، گروه‌ها و جریان‌های منفعت‌گرای دنیاطلب، دشمنان اصلی عدالت هستند. تسامح در مبارزه با فساد و برخورد با مفسدان، پدیده شوم فساد را به اژدهای هفت سر تبدیل می‌کند. سوگمندانه باید گفت، این تسامح در گام اول برخلاف سیاست‌های کلان نظام و مطالبات اصلی امام، رهبری و مردم، از سوی مسئولان و کارگزاران نظام در قوای سه‌گانه صورت گرفت و اکنون فساد در کشور همانند یک اژدهای هفت سر خودنمایی می‌کند. این اژدهای هفت سر، از یک سو اعتماد عمومی نسبت به نظام را مخدوش کرده و مردم را نسبت به مسئولان بدبین می‌کند و از دیگر سو، بلای جان اقتصاد و مانع رونق تولید و شتاب گرفتن حرکت پیشرفت کشور شده است. دشمن خارجی هم که معیشت مردم را با تحریم‌های ظالمانه نشانه گرفته، به خوش‌رقصی این اژدهای هفت سر برای تحریک مردم و تبدیل نارضایتی‌های آنان به اعتراض و آشوب‌های خیابانی، دل بسته و امیدوار است.

در چنین فضا و شرایطی، ریشه‌کن کردن فساد از طریق یک مبارزه جدی و همه‌جانبه با مفسدان و نابود کردن همه بسترها، زمینه‌ها و عوامل تولید فساد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این عرصه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مبارزه با فساد و این اژدهای هفت سر را ضرورت پاسداری از انقلاب اسلامی دانسته و آن را از قوای سه‌گانه و همه سازمان‌ها و دستگاه‌های حکومتی و حاکمیتی مطالبه می‌کند. سپاه در این عرصه، از یک سو مبارزه با فساد را به صورت جدی مطالبه می‌کند و از سوی دیگر آمادگی خود را برای کمک به دستگاه‌های مسئول، برای نابود کردن این اژدهای هفت سر اعلام می‌کند. اولین مطالبه سپاه در امر مبارزه با فساد آن است که رؤسای قوای سه‌گانه فرمان هشت ماده‌ای ۱۸ سال قبل رهبر معظم انقلاب اسلامی را نصب‌العین قرار داده، خود را مخاطب این فرمان دانسته، با همه توان برای اجرای این فرامین هشت‌گانه، شب از روز نشناسند. فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با فساد که در سال ۱۳۸۰ خطاب به رؤسای قوای سه‌گانه صادر شد، فرمانی صریح، شفاف، قاطع و امری مولوی و مطالبه‌گرانه بود، اما بر زمین ماند و در اجرایش کوتاهی‌ها شد. نتیجه آن کوتاهی‌ها، زخم‌هایی است که اکنون بر پیکر داریم. سپاه درمان این زخم‌ها را از همه مسئولان بر مبنای فرمان هشت ماده‌ای مطالبه می‌کند. از دیگر مطالبات سپاه آن است که باید در امر مبارزه با فساد به علت‌ها و ریشه‌ها توجه کرد. اقتصاد نفتی و اقتصاد دولتی از یک سو و اتصال کانون‌های ثروت به کانون‌های قدرت از دیگر سو، از زمینه‌ها و عوامل اصلی تولید فساد در کشور است.

ادامه در صفحه۲

یادداشت

آرامش ذهنی- آرایش جنگی

مهدی سعیدی
کارشناس سیاسی

در پی دستور دونالد ترامپ مبنی بر تمدید نشدن معافیت نفتی هشت کشور خریدار نفت ایران، عرصه تقابل جمهوری اسلامی و استکبار جهانی در سال ۱۳۹۸ وارد مرحله نوینی شده است. استقامت جمهوری اسلامی و ملت ایران در این عرصه و ناکام گذاشتن تحریم‌ها خواهد توانست آخرین حربه تهاجمی سال‌های اخیر آمریکایی‌ها را بی‌اثر کند. در این وضعیت است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در آخرین کلام‌شان از آرایش جنگی همه‌جانبه دشمن در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی سخن گفتند و بر ضرورت تدبیر در برابر این تهاجم همه‌جانبه دشمن تأکید ورزیدند.

یکی از مهم‌ترین ملاحظات در این مواجهه فراگیر، مدیریت افکار عمومی و جلوگیری از ایجاد ناامنی روانی در اذهان جامعه است. در وضعیت کنونی، هر اقدامی که موجب آشفتگی در افکار عمومی جامعه شود، بدون شک خطای راهبردی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. هرچند دشمن تلاش دارد با بهره‌گیری از شگردهای جنگ روانی- رسانه‌ای این آرامش را بر هم بریزد و با التهاب‌زایی، جورچین جنگ تمام‌عیار اقتصادی خود را کامل کند؛ اما به نظر می‌رسد برخی بی‌تدبیری‌ها در داخل کشور که حتی بوی خیانت نیز می‌دهد، بیش از سناریوی جنگ روانی دشمن اثرگذار خواهد بود.

نمونه‌ای از این بی‌تدبیری‌ها را می‌توان در ماجرای شیوع خبر سهمیه‌بندی بنزین در روزهای پایانی هفته گذشته مشاهده کرد. در حالی که فرایند قانونی سهمیه‌بندی بنزین و دو نرخی شدن آن در سال ۱۳۹۸ طی نشده و به تصویب مراجع قانونی (مجلس شورای اسلامی) نرسیده است، اخباری از سوی برخی رسانه‌ها منتشر شد که از اجرای آن از بامداد روز جمعه (۱۳ اردیبهشت) خبر می‌داد! این رسانه‌ها منبع خبر خود را وزارت نفت اعلام کردند. انتشار این خبر کافی بود تا التهاب بر افکار عمومی سایه افکند و شوک گرانی قیمت بنزین تا لیتری ۲۵۰۰ تومان، هجوم مردم برای پر کردن باک خودروها را به همراه داشته باشد که حاصل آن تشکیل صفوف طولانی در پمپ بنزین‌ها بود. وضعیت حاصله موجب شد، مسئولان و دست‌اندرکاران دولتی پشت تریبون‌های مختلف قرار گرفته و اخبار گرانی بنزین را تکذیب کنند! اما این تکذیبه‌ها کافی نبود و ساعت‌ها طول کشید تا آرامش به افکار عمومی بازگشته و به تدریج آرامش به پمپ‌بنزین‌ها بازگردد!

در این میان، پرسش‌های متعددی مطرح شده که اغلب بدون پاسخ باقی مانده‌اند! از جمله آنکه آیا واقعاً چنین مصوبه‌ای برای تغییر قیمت بنزین به صورت قانونی وجود دارد؟ آیا تدوین چنین طرح مهمی که با معیشت همه مردم ارتباط مستقیم دارد، بدون پیوست رسانه‌ای ممکن است یا بدون آن قابلیت اجرا خواهد داشت؟! آیا ناشیانه‌تر از این هم ممکن است که چنین طرح مهمی اجرا شود؟!

همزمانی وقوع چنین رخدادی با دستور ترامپ درباره تحریم‌ها بیشتر به خیانتی آشکار می‌ماند که تلاش دارد این‌گونه القا کند که تحریم‌ها آثار جدی بر اقتصاد کشور گذاشته است! به همین دلیل باید دستگاه‌های امنیتی این مسئله را رسیدگی کرده و با عوامل آن برخورد قاطع و جدی شود. همچنین این سؤال جای تأمل دارد که اگر به فرموده رهبری دشمن آرایش جنگی به خود گرفته است، چرا جمهوری اسلامی ایران در مقابل، نباید آرایش جنگی مناسب داشته باشد؟ اگر قرار باشد هر روز انتشار خبری بدون بنیان و بدون رعایت ملاحظات رسانه‌ای افکار عمومی را این‌گونه بر هم بریزد، چگونه خواهیم توانست در جنگ تمام‌عیار اقتصادی آغاز شده سربلند بیرون بیاییم؟!

حضور در میدان مقابله با جنگ تمام‌عیار دشمن نیازمند تدبیر و هوشمندی در عرصه رسانه‌ای و تبلیغاتی و مدیریت افکار عمومی است.

ادامه در صفحه۲

دیدگاه

اصلاح‌طلبی در بنیان‌های اصلاحات

حسین عبداللهی‌فر
کارشناس مسائل داخلی

به تازگی نشستی با موضوع «آسیب‌شناسی جریان اصلاحات» برگزار شد که برخلاف رویه‌های معمول، نه تنها این جریان را برای بازسازی درونی چند قدم به جلو نبرد، بلکه گسل‌های جدیدی از شکاف داخلی آن را به گونه‌ای فعال کرد که نمی‌توان آن را ناشی از اختلافات میان طیف‌های درون یک جریان ارزیابی کرد. محمدرضا تاجیک در این نشست چنان شلاق نقد خویش را بر تن نحیف اصلاحات کوفت که نشان داد اصلاح‌طلبانی که خود را واقعی و دیگران را مصنوعی می‌دانند، از ابتدا به دنبال اهداف دیگری بوده و هم‌اکنون به فکر قرار دادن این جریان در ریل اصلی هستند.

تاجیک ذیل عنوان آسیب‌شناسی اصلاح‌طلبان به مواردی اشاره کرد که بازخوانی توأم با تأمل بخشی از آنها خالی از لطف نیست:

۱ـ بی‌کفایتی و خالی بودن از محتوا

اصلاح‌طلبان در میان دو مفهوم عمران و ویران کردن گرفتار شده‌اند. این وضعیت در کنار مفهومی دیگر قرار گرفته است که من اسم آن را «بی‌کفایتی کفایت نمادین» می‌گذارم. به این معنی که برنامه و هدف، بیانگر کفایت و توانایی شعار اصلاح‌طلبان است؛ اما در واقع عملاً یک بسته خالی از محتواست.

۲ـ بحران حاملان و عاملان

در فضای اصلاح‌طلبی، برخی اشخاص و بعضی آموزه‌ها و ایده‌ها کفایت نمادینی داشتند که ما را ذیل یک گفتمان جمع می‌کردند؛ اما امروز با نوعی بحران حاملان و عاملان اصلاح‌طلبی مواجه هستیم.

۳ـ استبدادگری اصلاح‌طلبان در قدرت

اصلاح‌طلبان به عنوان دستگاه قدرت با اصلاح‌طلبی برخورد کردند. ما اصلاح‌طلبی را ابزار قدرت قرار دادیم و هر زمان که به قدرت رسیدیم، فراموش کردیم از کجا آمده‌ایم و چون «اصلاح‌طلبی بدون اصلاح‌طلب» داشتیم، فردای قدرت وقتی آب دیدیم مشخص شد شناگران ماهری هستیم و معلوم شد می‌توانیم مستبدان قاهری هم باشیم.

۴ـ استفاده ابزاری از مردم

این اصلاح‌طلبان امتحان خود را پس دادند و از مردم به عنوان تاکتیک و ابزاری برای نجات خود بهره برده و می‌برند؛ تاکتیکی برای عبور از بحران و نه یک راهبرد که به آن باور داشته باشند.

۵ـ رسیدن به هدف با هر وسیله

هدف به راحتی وسیله را برای اصلاح‌طلبان توجیه کرد. برای اینکه کرسی و قدرتی داشته باشند، از مفاهیم مقدس اصلاح‌طلبی مایه گذاشتند و به هدف که رسیدند اصل موضوع را که اصلاح برای توسعه همه‌جانبه کشور بود فراموش کردند.

۶ـ ذات افراط‌گرایانه با ژست دموکرات‌منشانه

بیشتر کسانی که وارد جریان اصلاح‌طلبی شدند، فراز و فرودهای زیادی داشتند؛ از رادیکالیسمی که در دهه‌های اول انقلاب داشتند، تا ایدئولوژی ارتدوکسی که در ادامه فریاد زدند و حذف دیگرانی که متفاوت می‌اندیشیدند، به گفتمانی جدید شیفت و اکنون به اصطلاح دموکراتیک شده‌اند؛ اما در ماهیت همان قبیله رادیکالند.

۷ـ خودزنی در شرایط تعلیق

من وضعیت دیگری را که در این شرایط اصلاح‌طلبان در آن قرار دارند، «وضعیت تعلیق» می‌نامم. در این وضعیت ساختار اصلاح‌طلبان مانند عمارتی ماسه‌ای در حال فرو ریختن است. **ادامه در صفحه۳**

می‌خواهند مردم را به انقلاب بدبین کنند

آیت‌الله نوری‌همدانی با بیان اینکه مردم بدانند حوزه علمیه و مراجع بیش از همه نسبت به وضع اقتصادی آنها نگران هستند و به مسئولان تذکر می‌دهند، گفت: «بله تحریم هستیم؛ ولی اغلب مسائل مربوط به تحریم نیست، بلکه حل مشکلات یک مدیریت انقلابی و جهادی می‌خواهد. حق مردم ما این نیست که با بی‌مدیریتی آقایان در رنج باشند؛ اما عده‌ای با بی‌مدیریتی می‌خواهند مردم را نسبت به نظام و روحانیت و انقلاب بدبین کنند.»

نگاه

یک بام و هزار هوا!

□ **حسین قمی/** هفته گذشته هفته خوبی نبود، از آن جهت که با دو رخداد ناگوار در بدترین حالت خودش ماند و فضایی برای تلطیف آن به وجود نیامد. برخی حوادث تلخ، مانند سیل و زلزله اگر با همبستگی و اتحاد و عفو و بخشش همراه شود، می‌تواند به فضایی آکنده از محبت و مهربانی تبدیل شود؛ در غیر اینصورت تلخی آن در کام جامعه می‌ماند. به شهادت رسیدن یک طلبه در همدان و جنجال تماشاگران فوتبال و جان دادن یکی از آنها و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ نفر به خودی خود ما را متأثر کرد. امّا وقتی با حرف‌ها و نقل‌های دروغین و زخم زبان‌ها همراه شد، غمی عمیق وجود ما را فرا گرفت و تأثرمان را دو چندان کرد. مهم‌تر از آن اینکه، واکنش‌ها به جریان‌های پیرامون اگر با دقت و تأمل همراه نشود، به شکاف‌های اجتماعی تبدیل می‌شود.

برخی سیاسیون با انتشار عکس‌هایی از حادثه رخ داده در ورزشگاه فوتبال بر فرهنگ ایرانیان خرده گرفتند و آن را شاهد مثالی برای استدلال‌های تحقیرآمیزشان قرار دادند. همان کسانی که رضاخان قلدر را نماد خدمت می‌دانند و چکمه کوبنده این تجسم خشونت و نفرت را پر طاووس! از دعوای چند جوان نتیجه گرفتند که مردم ایران خشونت‌طلب و بی‌فرهنگند! همان کسانی که «مرگ بر آمریکا» را خشونت می‌دانند، بدون آنکه بدانند این مرگ بر آمریکا گفتن مرز ما با جنایت‌های آمریکایی را مشخص می‌کند، مردم ما را وحشی و نژادپرست خطاب می‌کنند و نمی‌دانند تأیید شخصیت رضا میرپنج و خدوم دانستن او، تأیید سیاست‌های آمریکایی و به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر، تأیید جنایت‌های‌شان است. از طرفی دعوای جوانانه تماشاگران فوتبال را که البته مورد تأیید ما هم نیست، مصداق جنایت می‌دانند و طرف دیگر به وصلت با جانیان شهیر تاریخ شوق دارند. بامی که هزاران هوا دارد و فرد را در هوایش گم می‌کند.

شهادت مظلومانه طلبه همدانی نیز به خودی خود قلب انسان را جریحه‌دار می‌کند، اما ورود برخی سلبریتی‌ها که این روزها برای فرهنگ و جامعه ما معضلی شده‌اند، آن را به یک بحران فکری تبدیل می‌کند؛ بحرانی که به شکاف‌های اجتماعی در جامعه ما دامن می‌زند. شخصیت‌هایی که با هر دروغی وارد میدان می‌شوند، حرف‌هایی می‌زنند، نفرت‌پراکنی‌هایی می‌کنند و وقتی متوجه می‌شوند فریب خورده‌اند، راحت یادداشت‌های‌شان را حذف می‌کنند و شتر دیدی ندیدی را جایگزین جواب‌گویی و مسئولیت‌پذیری می‌کنند. اگر سال‌ها قبل می‌گفتیم هر چه دیدی را باور کن، هر چه شنیدی را جدی نگیر؛ الآن باید بگوییم آنچه دیدی را هم جدی نگیر، چه آنکه تکنولوژی بیشتر از آنکه برخی افراد را راستگوتر کند، دروغگوتر کرده است. تشخیص دروغ هم برای کسانی که دروغ‌دوست هستند، سخت است. نمی‌خواهند به حدی برسند که در مقابل حق متواضع باشند، اصرار دارند همه چیز را تاریک ببینند. برخی افراد به جای تمرین برای پیدا کردن حق و کنار زدن ناحق، تمرین می‌کنند که نفهمند، تمرین می‌کنند که ندانند و نبینند(!) کسانی که از آنها توقع می‌رفت برای وحدت در جامعه و پر کردن فاصله‌ها و شکاف‌ها دست به کار شوند، شدند دستیار دشمن، شدند حنجره‌ای برای صدای جانیان و هم‌نوایی می‌کنند با آدم‌کشان. جنایت و قتل مذموم است، امّا آیا رفتاری که جنایت و قتل را سیاسی یا عادی جلوه می‌دهد، مذموم و مردود نیست؟!

سال‌ها خشونت‌طلبان دنیا را تقدیس کردند، جنایات‌شان را نادیده گرفتند، کشتار انسان‌ها را فراموش کردند، صاحبان تعدی و تجاوز را فرهنگ‌مند و توسعه‌یافته خواندند، حالا بلندگو به دست گرفته‌اند و فریاد می‌زنند این قتل‌ها نتیجه ناکارآمدی نظام و روحانیت است. با هر اتفاقی از آتش‌سوزی پلاسکو گرفته تا تصادف، زلزله، سیل، عملیات تروریستی، درگیری در ورزشگاه و به قتل رسیدن روحانیون سعی دارند رقیب را از میدان بیرون کنند و هشتگ ناکارآمدی و استعفا می‌زنند، جامعه را ته درّه تاریکی می‌بینند و عقده‌گشایی می‌کنند. در درد و رنج خانواده روحانی به قتل رسیده خوشحال هستند که مجدداً بهانه‌ای دارند تا با آن نظام، حوزه، روحانیت، سپاه و مخالفان‌شان را ناکارآمد و در حال سقوط جلوه دهند. آیا این طرز تفکر خود جنایت نیست؟ آیا مردم‌فریبی و سوءاستفاده از هر ماجرایی و خندیدن به درد جامعه بی‌اخلاقی و افتادن در باتلاق جهل نیست؟ این سیاست‌بازان و شهرت‌طلبان نه قصد اصلاح شدن دارند و نه اصلاح می‌شوند، مردم باید هوشیار باشند و فریب این باغبانان نفرت و کینه و دشمنی را نخورند. اینها یک بام دارند و هزار هوا...

گزارشی از فراز و فرود بنزین در روزهای اخیر

آبی بر آتش شایعه!

□ **امین پناهی/ بنزین ماده‌ای ضروری در زندگی مردم ایران است؛ ماده‌ای اساسی که هر چند ماده اولیه آن یعنی نفت خام از چاه‌های داخل کشور بیرون می‌آید، در بسیاری از موارد دولت مجبور به وارد کردن آن از خارج کشور است. این ماده هر چند در ظاهر تنها به عنوان سوخت خودرو استفاده می‌شود، تغییرات قیمت آن رابطه مستقیمی با تغییر قیمت همه کالاهای بازار دارد.**

آغاز سهیه‌بندی

در دولت نهم، یکی از کارهایی که کلید خورد، سهمیه‌بندی بنزین بود. تا آن زمان یک نرخ برای بنزین وجود داشت؛ اما پس از مدتی شاهد عرضه بنزین دونرخی در جایگاه‌های سوخت کشور بودیم. سهمیه‌بندی بنزین در آن زمان توانست هم بازار عرضه بنزین را در کاهش قاچاق این کالای ارزشمند مدیریت کند و هم سبب صرفه‌جویی ملی در مصرف سوخت شود. تا جایی که در دولت نهم و دهم بخشی از تولیدات بنزین ایران به دیگر کشورها صادر می‌شد.

با روی کار آمدن دولت یازدهم، وزرا و مدیران این دولت تلاش کردند بر تمامی کارهای دولت پیشین، چه خوب و چه بد، انگ ناکارآمدی بزنند و به نوعی آن را از رده خارج کنند. تلاش برای حذف کارت سوخت یکی از اقداماتی بود که شرح داده شد. بیژن زنگنه، وزیر نفت در توجیه حذف کارت سوخت بدون آنکه دلیل منطقی ارائه کند گفته بود: «به کاری که در هیچ جای دنیا انجام نشده است و ما آن را انجام دهیم باید شک کرد.»

از زمانی که دولت سهمیه‌بندی بنزین را حذف کرد، بسیاری از کارشناسان اقتصادی این اقدام را نادرست دانستند. علی ادیانی، عضو کمیسیون انرژی مجلس درباره حذف کارت‌های سوخت عنوان کرد: «طرح اولیه در دولت نهم بر اساس مقتضیات زمان بود و به عنوان یک کار کارشناسی انجام شد و به خوبی توانست از مصرف بی‌رویه بنزین جلوگیری کند. متاسفانه دولت یازدهم تصمیم گرفت آن را حذف کند که این اقدام اشتباهی محسوب می‌شد. از سویی مجلس نیز با حذف کارت‌های سوخت مخالف بوده و حذف کارت سوخت را کار کارشناسی‌شده نمی‌دانست.»

ماجرای یک شایعه

سال ۱۳۹۴ کارت سوخت نه بر اساس کار کارشناسی، بلکه به خاطر خراب کردن وجهه دولت قبل حذف شد. از اواسط سال گذشته، زمزمه‌هایی درباره سهمیه‌بندی دوباره بنزین در مجلس و دولت مطرح شد. دعوت دولت برای ثبت‌نام کارت سوخت نشان داد که دولت مصمم به اجرای طرحی است که روزی آن را بی‌فایده می‌دانسته است؛ اما پس از ثبت‌نام مدتی خبری از آغاز این طرح نبود تا اینکه هفته گذشته خبری در رسانه‌های گوناگون مبنی بر آغاز این طرح از بامداد جمعه ۱۳ اردیبهشت مخابره شد؛ طرحی که البته حالا و در این شرایط اقتصادی امروز موافقان و مخالفانی دارد. شاید اگر سهمیه‌بندی از بین نرفته بود، حالا دیگر دغدغه‌ای در این باره وجود نداشت؛ اما حالا اجرای بد این طرح می‌تواند سبب ایجاد معضلی برای مردم و دولت شود؛ اما این خبر که بعدها هم تکذیب شد، حواشی جالبی را در پی داشت. ازدحام خودروها در صف پمپ بنزین موجب شد سوژه جدیدی در فضای مجازی ایجاد شود که واکنش‌هایی را در پی داشت.

برخی اعلام می‌کنند مجلس مخالف سهمیه‌بندی و افزایش قیمت بنزین است؛ اما دولت می‌خواهد آن را سهمیه‌بندی و دونرخی کند. هر چند زنگنه هم چند روز مانده به روز موعود خبر را تکذیب کرد و گفت بعداً توضیح می‌دهد. در سال گذشته، مجلس مخالف

برخی معتقدند این کار دولت یعنی افزایش قیمت بنزین به هر میزانی که باشد قانونی نیست؛ چرا که مجلس چنین اجازه‌ای را به دولت نداده است. حمیدرضا حاجی‌بابایی نماینده مجلس گفت: «اخیراً شایعاتی در جامعه مبنی بر گرانی بنزین مطرح شده است که متأسفانه بعضی از مسئولان به ویژه ریاست محترم مجلس به گونه‌ای صحبت کرده‌اند که گویا قانون چنین اجازه‌ای را به دولت داده است.»

سهمیه‌بندی و افزایش قیمت سوخت بوده است؛ اما نمایندگان معتقدند در برابر عمل انجام‌شده قرار گرفته‌اند و موافق اجرای این طرح نیستند.

پس از انتشار این خبرها، نمایندگان مجلس شورای اسلامی که بیشتر مخالف اجرای این طرح در زمان مورد نظر بودند، خواهان توقف این طرح یا تأخیر در اجرای آن شدند. یک عضو شورای عالی انرژی در این باره گفت: «افزایش خودسرانه قیمت بنزین توسط دولت با برخورد مجلس روبه‌رو می‌شود.»

علی بختیار افزود: «مجلس هیچ تصمیمی در خصوص افزایش قیمت بنزین نداشت و اگر دولت بدون نظر مجلس و خودسرانه نسبت به افزایش قیمت بنزین اقدام کند، حتماً مجلس برخورد لازم را انجام خواهد داد؛ چرا که این کار کاملاً غیر قانونی است.»

وی افزود: «اگر دولت به استناد تصمیم سران سه قوه این کار را انجام دهد نیز توجیهی ندارد؛ چرا که مصوبه سران سه قوه صرفاً باید در جهت راهکارهای مقابله با تحریم باشد. در خصوص بحث بنزین ما امروز کمبودی در داخل نداریم و دولت برای هر اقدامی در این زمینه نیاز به اجازه مجلس دارد.»

در این میان، مردم و بسیاری از کارشناسان افزایش قیمت بنزین را خبر خوبی برای حال و روز این روزهای اقتصاد کشور نمی‌دانند؛ هر چند دولت در یکی دو سال اخیر بارها اعلام کرده که قیمت سوخت در ایران بسیار پایین‌تر از دیگر کشورهاست و به این بهانه خواستار افزایش قیمت شده است با مقایسه‌ای ساده می‌بینیم که درست است قیمت سوخت بسیار پایین است؛ اما واقعیت این است که مردم کشورهایی با قیمت سوخت بالاتر درآمدهای بالاتری هم دارند.

در واقع یکی از اصلی‌ترین دلایل تصمیم دولت برای افزایش قیمت، همین اختلاف بالای قیمت سوخت بین ایران و همسایگانش است که سبب می‌شود سودجویان را به سمت قاچاق سوخت سوق دهد؛ اما پرسش اینجاست که آیا افزایش قیمت تنها راه یا حتی بهترین راه برای جلوگیری از قاچاق است؟

بسیاری از کارشناسان معتقدند راه‌های دیگری برای جلوگیری از هدررفت انرژی کشور

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در صفحه توئیتر خود نوشت: «امروز انتشار و تکذیب خبر سهمیه‌بندی بنزین مصداق روشنی از ضعف اطلاع‌رسانی دولت بود. بعید می‌دانم این بازی با احساسات مردم توسط بخشی از دولت اتفاقی و سهوی باشد.»

وجود دارد؛ اما دولت دوست دارد ساده‌ترین راه را برگزیند؛ در حالی که با توجه به کاهش ارزش پول ملی نسبت به ارزهای دیگر، هنوز هم قیمت بنزین در داخل و خارج اختلاف فاحشی خواهد داشت که شاید با آزاد گذاشتن بنزین ۲۵۰۰ تومانی باز هم قاچاق انجام نشود.

تأثیر گرانی بر گرانی!

نکته دیگری که باید مدنظر قرار بگیرد، تأثیر مستقیم این افزایش قیمت بر کالاهایی خواهد بود که در طول یک سال گذشته با افزایش چند صد درصدی مواجه بوده‌اند؛ یعنی افزایش قیمت سوخت سبب افزایش فشارهای اقتصادی بر مردمی خواهد بود که گرانی‌های یک سال گذشته موجب شده است دیگر دخل و خرج‌شان با هم نخواند و این یعنی باز هم قشر فقیر فقیرتر خواهد شد.

البته کنترل دولت بر مصرف سوخت اتفاق خوبی است که باید رخ دهد؛ چرا که سهم زیادی از یارانه این محصول به جیب سودجویان و نه مردمی که مستحق آنند وارد می‌شود؛ اما در شرایط اقتصادی کنونی که شاهد تورم افسارگسیخته و مشکلات معیشتی مردم هستیم، شاید افزایش قیمت سوخت آن هم به میزان ۱۵۰ درصد صلاح نباشد.

هر چند همین خبری که در رسانه‌ها مخابره شد و مسئولان به عنوان شایعه آن را تکذیب کردند از نظر برخی امکان‌سنجی و زمینه‌سازی دولت برای افزایش قیمت سوخت است، برخی نیز بر این باورند که دولت ابتدا قیمت ۲۵۰۰ تومان را اعلام کرد؛ اما بعد از مدتی مثلاً با اعلام قیمت ۲۰۰۰ تومانی برای آن، دهان منتقدان را خواهد بست؛ روالی که در یکی دو سال اخیر در عملکرد دولت بسیار مشاهده می‌کنیم.

برخی هم معتقدند این کار دولت یعنی افزایش قیمت بنزین به هر میزانی که باشد قانونی نیست؛ چرا که مجلس چنین اجازه‌ای را به دولت نداده است. حمیدرضا حاجی‌بابایی نماینده مجلس گفت: «اخیراً شایعاتی در جامعه مبنی بر گرانی بنزین مطرح شده است که متأسفانه بعضی از مسئولان به ویژه ریاست محترم مجلس به گونه‌ای صحبت کرده‌اند که گویا قانون چنین اجازه‌ای را به دولت داده است.»

ضعف اطلاع‌رسانی دولت

یکی دیگر از اتفاقات جالب نوع اعلام خبر گرانی بنزین از سوی دولت بود که بسیاری را شوکه کرد و سبب شد برخی به اعمال غیر متعارف مثل احتکار آن در منازل دست بزنند که تجربه نشان می‌دهد این کار بسیار خطرناک است. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در صفحه توئیتر خود نوشت: «امروز انتشار و تکذیب خبر سهمیه‌بندی بنزین مصداق روشنی از ضعف اطلاع‌رسانی دولت بود. بعید می‌دانم این بازی با احساسات مردم توسط بخشی از دولت اتفاقی و سهوی باشد.»

برخی هم معتقدند در حالی که پس از اعمال تحریم‌های آمریکا که ممکن است صادرات نفت ایران را با مشکلاتی مواجه کند، دولت سعی دارد به واسطه کاهش مصرف داخلی علاوه بر آنکه از واردات این کالا جلوگیری می‌کند، بتواند مقداری را هم به کشورهای دیگر صادر کند و این موضوع سبب از بین رفتن نیاز کشور به صادرات نفت می‌شود که از سوی مسئولان تأیید نشده، بلکه در حد گمانه است که البته می‌دانیم صادرات نفت به صورت خام یعنی مفت‌فروشی؛ اما تبدیل آن حتی به بنزین که پروسه خیلی سختی نخواهد داشت هم می‌تواند سبب سودآوری بیشتری نسبت به خام‌فروشی باشد و هم اینکه شامل ممنوعیت‌ها نمی‌شود.

البته این هم ایده خوبی برای افزایش درآمدهای کشور است و باید برای افزایش تولیدات نفتی برنامه‌ریزی شود؛ اما بدان معنا نیست که این افزایش قیمت در هر صورت خوب باشد؛ یعنی زمانی که می‌بینیم چند برابر سودی که از فروش بنزین به دست خواهیم آورد به بیت‌المال تحمیل شده و جیب مردم را خالی‌تر از گذشته خواهد کرد.

روی خط خبر

هسته‌ای سلیقه‌ای!

رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: «هفته گذشته در حاشیه دیدار با کارگران خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدیم و شرح مختصری از دستاوردهای ماشین‌های پیشرفته سانتریفیوژ دادیم. ایشان ضمن ابراز خشنودی فرمودند: «شما همچنان با قدرت به مسیر خود ادامه دهید.» صنعت هسته‌ای برای معظم‌له بسیار حائز اهمیت است. در سال ۸۸ نیز که به اعتبار مسئولیت در سازمان خدمت ایشان شرفیاب شدم، فرمودند: «صنعت هسته‌ای مرتبط با نظام است. دولت‌ها با سلایق گوناگون می‌آیند و می‌روند. نباید این صنعت دستخوش سلایق گوناگون شود و باید راه پایداری را بپیماید. لذا هرگونه تصمیم سرنوشت‌ساز در خصوص صنعت هسته‌ای باید با هماهنگی‌های لازم انجام پذیرد.» صنعت هسته‌ای از منظر ایشان دو وجه مهم دارد؛ یکی تأمین انرژی برای نسل‌های آینده است و دیگری که حضرت آقا بر آن تأکید دارند، این است که صنعت هسته‌ای و دستاوردهای آن نماد اقتدار و غرور ملی جمهوری اسلامی ایران است.»

گوشت کشور زیر دندان یک نفر

عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ۶۳ درصد واردات نهاده‌های دامی در اختیار یک شخص است، بیان کرد: «باید مشخص شود چرا این قدرت به این شخص داده شده است، وجود این قدرت برای یک شخص بسیار آسیب‌زا و مشکل‌آفرین است.» امیرآبادی عنوان کرد: «قدرت این شخص به حدی رسیده که هیچ دستگاه نظارتی و امنیتی نمی‌تواند با او برخورد کند، زیرا نهاده‌های دامی کشور با مشکل جدی روبه‌رو می‌شود.» وی افزود: «این موضوع نشان‌دهنده یک مشکل است و باید ریشه‌یابی شود که کدام بخش مقصر است و باید ایرادات برطرف شود.» نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: «این موضوع را مشاهده می‌کنیم که سرمایه‌گذار یا حاضر به سرمایه‌گذاری در کشور نمی‌شود یا در میانه راه‌کار را رها می‌کند و مشکلات بیشتری ایجاد می‌کنند.»

حراج ارز دولت تدبیر

دادستان کل کشور گفت: «با بررسی فهرست سال گذشته ارزهای دولتی که بانک مرکزی در اختیار افراد و شرکت‌ها گذاشته بود، متوجه شدیم بیش از ۲۵۰۰ نفر یا شرکت این ارزها را دریافت کرده‌اند.» حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری تصریح کرد: «انتظار ما این است که مسئولان مربوطه نظارت کافی داشته باشند و منشأ سوءاستفاده‌ها را شناسایی کنند.» وی افزود: «دولت برای تأمین گوشت مردم ارز اختصاص می‌دهد؛ اما عده‌ای با رانت وارد می‌شوند و گوشت را وارد می‌کنند و در بندر نگه می‌دارند تا در فرصت مناسب گوشتی را که با ارز دولتی خریداری شده و باید با قیمت پایین‌تر به دست مردم برسد، با قیمت دلخواه خودشان بفروشند.»

از اصلاح‌طلب‌ها خسته شده‌اند

زهرا شجاعی، فعال اصلاح‌طلب و رئیس اسبق امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری گفت: «رد لایحه افزایش تعداد زنان مجلس به خوبی نشان داد اصلاح‌طلبان هنگامی که به رأی زنان نیاز دارند، دست کمک به سوی آنها دراز می‌کنند؛ اما هنگامی که باید درباره وضعیت زنان اقدامات مؤثری انجام بدهند و از سرمایه آنها در مدیریت جامعه استفاده کنند، بی‌معرفتی کرده و از این کار خودداری می‌کنند. گستره جریان اصلاحات بسیار وسیع‌تر از این است که برخی از منتسبان این جریان درباره آن اظهارنظر می‌کنند. در شرایط کنونی مردم از برخی چهره‌های منتسب به جریان اصلاحات خسته شده‌اند و نه از جریان اصلاحات.»

نیاز امروز به مطهری

شهریار زرشناس درباره شخصیت شهید مطهری می‌گوید: «شهید مطهری یکی از نخستین اندیشمندان اسلامی است که متوجه شد سرمایه‌داری و بازار و اقتصاد مدرن با بازار سنتی فرق دارد. ایشان از اولین کسانی است که متوجه شده بود سرمایه با ثروت تفاوت دارد. ایشان منتقد سرسخت سرمایه‌داری است و تفکر اقتصادی ایشان به شکلی عمیق و کاملاً تئوریک، عدالت‌محور است. بحث‌های ایشان درباره بانکداری بدون ربا، نقد سرمایه‌داری، نقد اقتصاد بازار، نقد بازار مدرن امروز کاملاً زنده است و ما امروز به شدت به این مسائل نیازمندیم. ما باید رویکرد منتقدانه شهید مطهری به اقتصاد مدرن را کاملاً بازیابی کنیم.»

بصیرت

وقتی جای جلاد و شهید عوض می‌شود

پایگاه بصیرت: روزنامه اطلاعات در یادداشتی با عنوان «تیرهای خطا و کمانه‌هایش» پیرامون جنایت به شهادت رساندن طلبه مظلوم همدانی به‌دست یک جلاد در کمال تعجب و وقاحت تمام در یادداشتی، موضوعاتی را به هم ربط داده است که هیچ ربطی با یکدیگر ندارند. این روزنامه تحت مدیریت «سیدمحمود دعائی» ماجرای اسید پاشی را به دروغ به موضوع امر به معروف و نهی از منکر نسبت می‌دهد و می‌نویسد:

«یک طلبهٔ همدانی در بازگشت از محفل درس و بحث، هدف تیر خشونت و رذالت یکی از اوباش می‌شود. آن تیر، برآیند همه تیرهای خطایی بود که این بار بر هدف نشست؛ اما هدفی بی‌گناه. آن تیرهای خطا، پیشتر و از کجاها در کمان زه شده بودند؟ حدس و گمانش دشوار نیست. وقتی بر صورت افراد به جرم‌های اثبات‌نشده و من‌درآوردی اسید پاشیدند و شبکهٔ اسیدپاشی تشکیل دادند و آشکار و پنهان، بر این نهی از منکر(!!!) تشویق شدند و پیگیری هم نشدند، باید امروز را می‌دیدند، که خدنگی از تیرهای در کمان نشسته، به قلب طلبه‌ای بی‌گناه کمانه می‌کند. از این دست فراوان می‌توان برشمرد.»

روزنامه «اطلاعات» که بودجه آن از بیت‌المال تأمین می‌شود، همچنین در جملات حیرت انگیز دیگر، سخنان ائمه جمعه که مطالبات مردم در مقابل مسئولان را مطرح و در برابر زیاده‌خواهی زورگویان عالم می‌ایستند، به ماجرای قتل طلبه همدانی پیوند داده و می‌نویسد: «در سطوحی بالاتر نیز می‌توان این تیر و کمان‌های به ناروا زه شده را دید؛ مثلاً آنجایی که خطیبی در بحبوحهٔ مضیقت‌های اقتصادی روزمرهٔ مردم فریاد برمی‌آورد که: به جهنم! و یا آن دگری که جمعهٔ بعدش می‌گوید: اگر نفت نفروشیم، به کجای‌مان برمی‌خورَد؟! اینجاست که آن اوباش و دیگر اوباشان در جواب، با شلیک تیر بر بی‌گناهی از هم‌لباسان آن خطیب می‌گویند: به جایی از شما برنمی‌خورَد؛ در عوض به طلبه‌ای حجره‌نشین برمی‌خورانیم!»

این روزنامه رسمی جمهوری اسلامی خیلی راحت و آشکارا جای جلاد و شهید را عوض می‌کند! بی‌راه نیست اگر بگوییم این یادداشت دستور ترور داده است؟! و ادامه‌ای است بر نظریه‌سازی اکبر گنجی که در روزنامه «صبح امروز» در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۷۷ نوشته بود: «عاشورا معلول تعارض‌های قومی و نتیجه خشونت پیامبر(ص) در بدر و حنین بود.» یا ترجمه دیگری است از گفته «سعید حجاریان» که اظهار داشته بود: حسین(ع) قربانی خشونت پیامبر(ص) شده بود.

بی تردید نویسندگان این جملات که در روزنامه تحت مدیریت جناب دعایی منتشر شده است، مصداق این جمله رهبر معظم انقلاب هستند که فرمودند: «خداوند از کسانی که با قلم و بیان‌شان روحیه انقلابی مردم را تضعیف می‌کنند، نخواهد گذشت.»

سرمقاله

مطالبات سپاه در ستیز با فساد

ادامه از صفحه اول

این زمینه‌ها و عوامل در سال‌های گذشته، پدیده‌های نامبارک «کارگزار- تاجر» و «مدیر- سهام‌دار» را به وجود آورده است. خاصه‌خواری، رانت‌خواری و دستیابی به ثروت‌های بادآورده و پدیدآیی قشر نوکیسه، محصول این پدیده‌های نامبارک است. بنابراین مطالبه سپاه آن است که همه دستگاه‌ها، مبارزه با فساد را از درون دستگاه خود شروع کنند. سالم‌سازی دستگاه‌ها از فساد، شرط لازم برای توفیق آن دستگاه‌ها در امر مبارزه با فساد است. اگرچه مبارزه با فساد وظیفه همه قوا و دستگاه‌ها و در رأس آنها وظیفه قوه مجریه به دلیل در اختیار داشتن بیش از ۹۰ درصد امکانات کشور است، اما در این میان قوه قضائیه به ویژه در دوره ریاست جدید آن، می‌تواند حیات اژدهای هفت سر را با کمک دیگران و از جمله سپاه به پایان رساند. البته سالم‌سازی دستگاه قضا، شرط لازم برای رسیدن به این مهم است. در این مسیر و در راستای از پای در آوردن اژدهای هفت سر، اقدامات اساسی و اولویت‌داری وجود دارد که عبارتند از: ۱- رسیدگی به دارایی‌ها و اموال مسئولان در چهل سال گذشته؛ ۲- رسیدگی به چگونگی واگذاری شرکت‌های دولتی؛ ۳- رسیدگی به چگونگی تخصیص‌ها و واگذاری ارزهای دولتی؛ ۴- رسیدگی به چگونگی پرداخت وام‌های کلان و تسهیلات بانکی و دولتی.

یادداشت

آرامش ذهنی- آرایش جنگی

ادامه از صفحه اول

در این میدان ضربات دشمن بیش از آنکه در واقعیت عرصه‌های اقتصادی اثرگذار باشد، در ذهنیت جامعه اثرگذار است؛ از این رو باید نوعی پدافند در عرصه جنگ روانی ایجاد کرد تا آسمان ذهن جامعه در امنیت کامل در برابر تهاجمات نرم دشمن قرار گیرد و حاصل آن بازدارندگی و مصونیت ذهنی- روانی جامعه و اعتماد افکار عمومی به مسئولان باشد.

به نظر می‌رسد مدیریت عرصه دفاع در برابر آرایش جنگی دشمن، بدون تشکیل قرارگاهی واحد و قدرتمند ممکن نباشد. قرارگاهی که همه دستگاه‌ها و نهادها گوش به فرمان آن بوده تا بهترین تصمیمات با هماهنگی همه‌جانبه مسئولان و قوای سه‌گانه در کمترین زمان اتخاذ شود و هرگونه افتراق و تکروی مهار شود تا شاهد تکرار چنین حوادث تلخی در سطح جامعه نباشیم. بدون شک تصمیمات مدبرانه چنین قرارگاهی با اعتماد عمومی و حمایت ملت همراه خواهد بود.

اخبارویژه

توجیهات مدیر ناکارآمد

«عباس آخوندی» وزیر سابق راه و شهرسازی، به تازگی در همایشی با عنوان «نگرانی برای فردای ایران» گفته است: «۳۰ سال است که نرخ تورم در ایران بیش از ۱۵ درصد بوده که نشان می‌دهد تورم در این کشور نهادینه و مزمن شده است؛ بنابراین این آمار به ما می‌گوید که مشکل کشور فراتر از یک دولت بوده است.» آخوندی افزوده است: «وجود دولت پنهان عملاً امکان ایفای مسئولیت از دولت رسمی را گرفته است. شما نیز جای روحانی بودید، موفق نمی‌شدید! هیچ‌کس جز دولت پنهان نمی‌تواند در ایران اعمال سیاست کند و بنده نیز وقتی دیدم که نمی‌توان اعمال سیاست کرد خود را کنار کشیدم و استعفا دادم.» یکی از رسانه‌های اقتصادی در بازخوانی کارنامه آخوندی نوشته بود: «افزایش ۷۴ درصدی قیمت مسکن در یک سال، کاهش ۴۱ درصدی ساخت و ساز و ۳۵ درصدی معاملات مسکن، تعطیلی مسکن مهر و معلق ماندن مسکن اجتماعی، بخشی از عملکرد آخوندی است.»

پروژه ترورکنندگان

عده‌ای قصد دارند با ایجاد عامدانه دست‌اندازهای معیشتی برای مردم و در عین حال سیاه‌نمایی از اوضاع کشور و بزرگ‌نمایی مشکلات، فضایی را به وجود بیاورند که عده‌ای از مردم علیه حاکمیت به خیابان‌ها بیایند یا نیروهای انقلاب را ترور کنند؛ برای نمونه شروری که طلبه همدانی را به شهادت رساند، هیچ‌گاه از سوی جریان اصلاح‌طلب نکوهش نشد. مقصر شهادت این طلبه را نظام معرفی کردند که نتوانسته است نیازهای مردم را برآورده کند!

پروژه شیعه‌کشی در عراق و عربستان

روزنامه اماراتی «البیان» در گزارشی با تیتر «روابط عربستان و عراق دست ایران را از این کشور قطع می‌کند»، می‌نویسد: «در راستای تقویت روابط اصیل عربستان و عراق، حکومت سعودی حمایت و پشتیبانی خود از عراق را تقویت کرده و در روز تاریخی انعقاد مجلس همکاری سعودی عراقی در بغداد، کمک‌هایی را به این کشور می‌کند که از جمله آنها می‌توان به ساخت یک شهر ورزشی به عنوان هدیه ملک سلمان بن عبدالعزیز به ملت عراق و حمایت یک میلیارد دلاری عربستان از عراق و همچنین تأسیس چهار کنسولگری در سه شهر عراق اشاره کرد.»

همچنین عربستان از یک‌سو خدماتی را به عراق عرضه می‌کند؛ اما از سوی دیگر «الحشد الشعبی» را هدف قرار می‌دهد و تلاش می‌کند آن را از مردم جدا کند.

آمریکا را به زانو درمی‌آوریم

رئیس‌جمهور گفت: ما باید محصول‌مان را صادر کنیم و بین همه مسئولان کشور در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که تصمیم آمریکا مبنی بر اینکه صادرات نفت ایران باید به صفر برسد، تصمیمی غلط و نادرست است و ما نخواهیم گذاشت این تصمیم اجرایی و عملیاتی شود. ما با قدرت به صادرات نفت ادامه خواهیم داد و کارگران غیور کشور، زنان، مردان و جوانان نخواهند گذاشت آمریکا پیروز شود و ما قطعاً آمریکا را به زانو در می‌آوریم.

روی خط خبر

تسلیم ایران محال است

«ویلیام برنز» دیپلمات ارشد و معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا، با تأکید بر تسلیم‌ناپذیری ایران به «الشرق الاوسط» گفته است: «تحریم مؤثر است؛ اما فکر نمی‌کنم که به تغییرات بزرگ و تسلیم شدن ایران منجر شود.» وی تأکید کرد: «از زبان برخی مقام‌های دولت ترامپ، همان حرف‌های غلطی را در مورد ایران می‌شنویم که سال ۲۰۰۳ منجر به حمله به عراق شد. به اشتباه فکر می‌کنند با رویکرد خصمانه می‌توانند موجب تسلیم یا فروپاشی نظام ایران شوند. این ریشه در یک اشتباه تاریخی دارد.» شبکه سی‌ان‌ان آمریکا نیز در تحلیلی در این باره گفته است: «ایران همچنان نشان داده که قصدی برای تسلیم شدن در برابر آمریکا و فشارهای بین‌المللی ندارد.»

ایران عقب‌نشینی نمی‌کند

پایگاه آمریکایی «کنسرسیوم» با اشاره به شکست‌ناپذیری ایران نوشت: «موج جدید سیاست‌های دولت آمریکا علیه ایران، شکستی قاطع را برای دونالد ترامپ در حیطه سیاست خارجی به دنبال خواهد داشت. بسیار بعید به نظر می‌رسد که ترامپ به هیچ یک از اهداف سیاسی خود علیه ایران دست یابد.» ریچارد هاس، رئیس اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری بلومبرگ با اشاره به ایستادگی ایران در برابر فشارها گفته است: «به رغم عدم تمدید معافیت‌های نفتی ایران، این کشور از بازار نفت حذف نخواهد شد و تحریم‌ها نمی‌تواند ایران را به عقب‌نشینی وادار کند.»

دلسردی از اصلاح‌طلبان

جلال جلالی‌زاده، فعال اصلاح‌طلب و از نمایندگان مستعفی مجلس ششم، با اشاره به مشکلات اصلاح‌طلبان برای ورود به انتخابات از جمله کاهش اعتماد مردم به این جریان گفته است: «در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، جریان اصلاحات مردم را تشویق کرد که با حضور در انتخابات به روحانی رأی دهند؛ اما برآورده نشدن شعارهای اصلاح‌طلبی موجب دلسردی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به اصلاح‌طلبان شده است. در واقع اصلاح‌طلبان مردم را پای صندوق رأی آوردند؛ اما بهره آن را دیگران بردند.»

برآورد آمریکایی!

سردار حاجی‌زاده در دیدار با فرمانده پدافند هوایی ارتش عراق گفت: «باید یادآور شد روزهای نخستی که داعش و تروریست‌های تکفیری به عراق حمله کردند، آمریکایی‌ها اعلام داشتند که جنگ با داعش ۳۰ سال طول خواهد کشید؛ اما هنگامی که دولت و ملت ایران و عراق و نیروهای مسلح دو کشور کنار هم قرار گرفتند، این جنگ به ۳ سال تقلیل پیدا کرد.»

محاکمه دروغگو

محمدرضا خاتمی، برادر سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات، آبان سال ۱۳۹۷ در گفت‌وگویی بار دیگر ادعای تقلب در انتخابات ۸۸ را تکرار کرده بود. به جریان انداخت. محمدرضا خاتمی در این گفت‌وگو، بدون آوردن دلیلی قانع‌کننده تأکید کرد: «در ستاد انتخاباتی وزارت کشور تقلب صورت گرفته است. هشت میلیون رأی به صندوق‌ها اضافه شده است، تعرفه هم نمی‌خواست داشته باشد، آرا درمی‌آید و گفته می‌شود در کشور ۳۹ میلیون نفر رأی دادند، در حالی که آرای صندوق‌ها ۳۲ میلیون بوده، نیاز به تعرفه هم نبوده است.» نایب‌رئیس مجلس ششم، ضمن طرح این ادعا که اطلاعاتش از افرادی در جناح مقابل است که نمی‌خواهند نام‌شان فاش شود، اضافه کرد: «ما هنوز هم به روند انتخابات ۸۸ اعتراض جدی داریم و معتقد هستم انتخابات بسیار ناسالمی بود. در آن انتخابات حتماً تقلب صورت گرفته است.» در همین حال نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده محمدرضا خاتمی برای رسیدگی به اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، هفته گذشته به شکل علنی برگزار شد که این اقدام پسندیده سبب خواهد شد اطلاعات دروغ در رسانه‌ها جریان پیدا نکند.

پایش

موضعی که پس از دو دهه تکرار شد

ماجرای روزهای آخر

□ سید فخرالدین موسوی/

آخرین روزهای دولت اصلاحات نه تنها عموم جامعه، که حتی حامیان «سیدمحمد خاتمی» از او به شدت ناراضی بودند. این نارضایتی تا آنجا پیش رفت که وقتی رئیس دولت اصلاحات در آخرین ماه‌های حضورش در پاستور، برای آخرین بار در کسوت ریاست‌جمهوری برای سخنرانی در روز دانشجو، پا به دانشگاه تهران گذاشت، دانشجویان او را هو کردند؛ اما واکنش خاتمی در برابر این نارضایتی‌ها چه بود؟

«شانه خالی کردن!» همین چند کلمه برای توصیف رویکرد خاتمی کفایت می‌کند. او پس از آخرین جلسه دولت در سال ۱۳۸۲ در جمع خبرنگاران هنگامی که درباره انتخابات مجلس هفتم و ردّ صلاحیت بسیاری از کاندیداهای اصلاح‌طلب صحبت می‌کرد، به شورای نگهبان و دو لایحه افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و تغییر قانون انتخابات که به مجلس داده بود، اشاره کرد و گفت: «متأسفانه آن لوایح با سد محکم شورای نگهبان روبه‌رو شد و این را که رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است، نفی کردند و به همین دلیل من لوایح خودم را پس خواهم گرفت و اعلام می‌کنم با شکست روبه‌رو شد تا آن اختیارات نیم‌بندی که قبلاً تصویب شده از دست نرود، که اگر [درآینده] رئیس‌جمهوری بیاید که مورد پسند نباشد همین اختیارات نیم‌بند را هم حبس کنند. عیبی هم ندارد، برای مردم مشخص می‌شود که رئیس‌جمهورشان چه کسی است و چه اختیاراتی دارد و بدانند که در دیدگاه بعضی‌ها رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی و حقوق و آزادی مردم نیست، بلکه رئیس‌جمهوری که [آنها] تعبیر و تفسیر می‌کنند، تدارکاتچی دستگاه‌های دیگر است... .» اگرچه بعدها خاتمی این گفته خود را تکذیب کرد و گفت هرگز منظورش این نبوده که رئیس‌جمهور اختیاراتش در حد یک تدارکاتچی اندک است، اما نزدیکان او بر این موضع صحه گذاشتند و آن را تأیید کردند. در سال ۸۸ وقتی زمزمه‌های نام‌نویسی خاتمی برای انتخابات ریاست‌جمهوری به گوش می‌رسید؛ «سعید حجاریان» در روزنامه «اعتماد» نوشت: «خاتمی تدارکاتچی است و قطعاً رئیس‌جمهوری را که تدارکاتچی باشد، نمی‌پسندم. آیا اگر[خاتمی] رئیس‌جمهور شود، قدرتی خواهد داشت یا خیر؟ چرا باید به او رأی بدهم؟ کدام خواسته اساسی و سرنوشت‌ساز را می‌تواند اجابت کند؟ توصیه می‌کنم ایشان وارد میدان انتخابات نشود زیرا با اطمینان می‌توانم بگویم آقای خاتمی با سخنانی که گفته است، این بار نیز همان آقای خاتمی خواهد بود که بعد از پایان دو دوره ریاست‌جمهوری دست‌هایش را از هم باز کرد و مظلومانه گفت: به خدا من بی‌تقصیرم، من فقط یک تدارکاتچی بودم؟»

حالا پس از گذشت نزدیک به دو دهه از آن روزها، دولت دیگری که نماینده اصلاحات محسوب می‌شود، در سال‌های پایانی خود قرار گرفته و اکنون نیز مانند آن سال‌ها، دولت نه تنها در جلب رضایت عمومی ناموفق بوده است، بلکه حتی حامیان سرسخت انتخاباتی حسن روحانی در سال ۹۶ نیز به صراحت اعلام پشیمانی کرده‌اند و شاهد تکرار «شانه خالی کردن» این جریان از پذیرش نقش و سهم خود

چهره‌های اصلاح‌طلب با خلق مفاهیم انتزاعی، مانند «دولت موازی»، «دولت با تفنگ»، «نداشتن اختیارات» و... مدام درباره آن سخن گفته‌اند و این روند احتمالاً با نزدیک شدن به انتخابات مجلس یازدهم شدت نیز خواهد گرفت! اما سؤال این است که آیا می‌شود افکار عمومی را فریب داد؟ آیا کارشناسان و مردم فرق بین ناکارآمدی در عرصه مدیریت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را با کمبود مواد قانونی و ادعای نداشتن اختیارات نمی‌دانند و نمی‌بینند؟

در مشکلات هستیم؛ البته این بار نه تنها در دولت، که اصلاح‌طلبان در همه سطوح به دنبال اثبات بی‌نقشی خود هستند و سعی می‌کنند نقش خود را تا حد یک تدارکاتچی تقلیل دهند!

«فیض‌الله عرب‌سرخی» از دستگیرشدگان فتنه ۸۸ در مصاحبه با روزنامه «ایران» گفته است: «یکی از دغدغه‌هایی که امروز وجود دارد و باید آن را جدی بگیریم، سرخوردگی مردم است؛ چه از عملکرد کلی حکومت و چه از اصلاح‌طلبان به عنوان جریانی که همواره با مردم گفت‌وگو و همنوایی داشتند و در انتخابات‌های اخیر اکثریتی از آنها را نمایندگی کرده و سعی کردند مردم را به مشارکت در انتخابات مجاب کنند؛ اما آنچه در این مقطع مهم است، این است که تحلیل صحیحی از ریشه‌های این سرخوردگی داشته باشیم. اینکه چقدر از آن حاصل عملکرد کلی حکومت است و چقدر به ضعف‌ها و نوع عملکرد اصلاح‌طلب‌ها بر می‌گردد، باید به دقت دیده و تحلیل شود و بر اساس آن با مردم گفت‌وگو کنیم، به اقناع آنها بپردازیم تا از این قصور به دلیل مصالح بالاتر بگذرند. دستگاه اجرایی در نظام سیاسی ما محدودیت‌هایی دارد و فعال مایشاء نیست و در بسیاری از حوزه‌ها اصلاً امکان تأثیرگذاری مستقیم ندارند. در قوه مقننه هم با وجوهی از همین مسئله مواجه هستیم. چنانکه در کشور ما بر اساس ساختار تعریف شده مصوبات مجلس به معنای قانون نیست؛ بلکه آن بخش از مصوبات که به تأیید شورای نگهبان می‌رسد جایگاه قانونی پیدا می‌کند. بنابراین می‌بینم که در این ساختار، دستگاه‌های رقیب چه برای مجلس و چه برای قوه مجریه وجود دارند و در یک رقابت خیلی صریح و روشن شرایط محدودکننده‌ای را برای این قوا که به نوعی اصلاح‌طلب‌ها در رأی‌آوری‌شان دخالت داشتند، ایجاد می‌کنند.» «ابراهیم امینی» عضو شورای شهر اصلاح‌طلب تهران نیز در یادداشتی در روزنامه «اعتماد» با عنوان «بی‌مهری به شوراها» نوشته است: «شوراهای شهر و روستا در ایران در شرایطی پنجمین دوره خودشان را سپری می‌کنند که هنوز اختیارات قانونی و وظایف نهاد شورا تبیین نشده است. یکی از اشکالات جدی و محدودیت‌هایی که موجب شده فعالیت شوراها در کشور ما آسیب ببینند.»

توجیهی که چهره‌های اصلاح‌طلب با خلق مفاهیم انتزاعی، مانند «دولت موازی»، «دولت با تفنگ»، «نداشتن اختیارات» و... مدام درباره آن سخن گفته‌اند و این روند احتمالاً با نزدیک شدن به انتخابات مجلس یازدهم شدت نیز خواهد گرفت! اما سؤال این است که آیا می‌شود افکار عمومی را فریب داد؟ آیا کارشناسان و مردم فرق بین ناکارآمدی در عرصه مدیریت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را با کمبود مواد قانونی و ادعای نداشتن اختیارات نمی‌دانند و نمی‌بینند؟ آیا مردم نمی‌پرسند چرا در هنگام نام‌نویسی و کاندیدا شدن برای این پست‌ها از این حرف‌ها نمی‌زنند و تنها در یکی دو سال انتهایی مسئولیت‌ها که فرصت خدمت به مردم را با اولویت‌گذاری‌های نابجا از دست داده‌اند و با مطالبه و نقد کارشناسان و مردم مواجه می‌شوند، از این حرف‌ها می‌گویند؟

دیدگاه

اصلاح‌طلبی در بنیان‌های اصلاحات

ادامه از صفحه اول

با چشم خود می‌بینیم بسیاری از نیروها و نسل جوان اصلاح‌طلب در حال خارج شدن از این دایره هستند و به نظرم اصلاح‌طلبی در این فضا دچار نوعی خودزنی شده است.

۸ـ انتقادگری به جای پاسخگویی

وضعیت دیگری که وجود دارد حالت «استیضاح خود» است. چه کسی گناه اول را انجام داد که تمام سرمایه اصلاح‌طلبی را در سبد جریانی خاص گذاشت؟ تمام مشکلاتی که مردم با آن مواجه شده‌اند یک طرف، تقصیر گردن گفتمان اصلاح‌طلبی است؛ بنابراین باید مسئولیت کار خود را بپذیریم و پاسخگو باشیم؛ اما در عوض منتقد شده‌ایم و به حالت استیضاح خود روی آورده‌ایم.

۹ـ نومیدی و خمودگی

از سوی دیگر هم نوعی «خمودگی آموخته‌شده» در جریان اصلاح‌طلبی شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که باورشان شده هیچ کاری از دست‌شان ساخته نیست و قانع شده‌اند به صورت کج‌دار و مریز در قدرت باشند.

۱۰ـ مهاجرت گفتمانی به دلیل خشکسالی مفهومی

این خمودگی آموخته‌شده در نهایت به نوعی مهاجرت گفتمانی مبدل شده است. مهاجرت سرزمینی داشته‌ایم؛ اما مهاجرت گفتمانی پدیده‌ای است که از درون کسالت اصلاحات به وجود آمده است. بسیاری در حال ترک سرزمین گفتمانی ما هستند؛ زیرا خشکسالی مفهومی و گفتمانی آمده و اکنون به نظرم در خزان اصلاح‌طلبی قرار داریم.

مقصود این انتقادات بیش از آنکه اصلاح اصلاحات باشد، ویرانی آن را هدف گرفته تا ساختاری نو با نقشه‌ای جدید و البته کاربری متفاوت بنا کند. این پیام را تاجیک پیش از این بارها در قالب مصاحبه‌هایش بیان داشته و چون گوش شنوایی نیافته، اینک در جمع آنها به شکلی شفاف‌تر بر زبان آورده است.

تاجیک در بیان راهکارهایش می‌گوید:

۱ـ بنای عمارتی نو از اصلاحات

در این مسیر اصلاح‌طلبی، باید ابتدا تردید، سپس واکاوی، ویران و از نو بنا کنیم. بر ویرانه‌های ساختمان نمور و پرترک اصلاح‌طلبی باید عمارتی نو بسازیم، این راه برون‌رفت اصلاحات از وضعیتی است که دچارش شده است.

۲ـ فاصله از اصلاح‌طلبان مرسوم

چهره‌هایی که امروز از اصلاح‌طلبی می‌بینید، ماحصل کارکرد، کنش‌ها و واکنش‌های اصلاح‌طلبان است و اصل اصلاح‌طلبی نباید تحت‌الشعاع این رویکرد قرار بگیرد. اگر می‌خواهیم اصلاح‌طلبی را دوباره به جامعه معرفی کنیم، باید فاصله خود را با اصلاح‌طلبان مرسوم و معروف مشخص کنیم.

۳ـ تقابل گفتمانی با هدف فشار از بیرون

معتقدم هر چقدر از بیرون به ما هجمه وارد شود، تقویت، غنی، فربه، استوار، فراگیر و مقبول‌تر می‌شویم. مشکل زمانی است که از درون بپاشیم. همیشه «دگر» درون مخرب‌تر از دگر بیرون است.

هر چه زمان می‌گذرد و ناکامی دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان در مدیریت کشور بیشتر آشکار می‌شود، بیش از گذشته شاهد این‌گونه واگرایی‌ها در اردوگاه اصلاح‌طلبان خواهیم بود. جریانی که خود را نو اصلاح‌طلب خوانده و خواستار بازنگری‌های بنیادین در اردوگاه اصلاح‌طلبی است و حتی ممکن است رفتاری متفاوت و مستقل در انتخابات اسفند ماه امسال از خود به نمایش بگذارد.

گام دوم

خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی در گام دوم

□ حسن خدادی/ یکی از محوری‌ترین موضوعات گام دوم انقلاب اسلامی که امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) خطاب به مردم و جوانان ابلاغ کردند، موضوع «تمدن‌سازی» است. تمدن‌سازی به منزله یکی از مراحلی که در آرمان‌های انقلاب اسلامی نهفته است و تحقق آن از اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید، به معنای حفظ آرمان‌های انقلابی و تلاش برای جهانی شدن آن است. معظم‌له در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «از میان همه ملّت‌های زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت می‌گمارد و در میان ملّت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده... امّا انقلاب پُرشکوه ملّت ایران... تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است.» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

افزون بر اصل تمدن‌سازی به منزله پدیده‌ای مهم و هدفی که باید تا تحقق آن جدیت به خرج داد، مسئله مهم‌تر چگونگی رسیدن به این مهم است. رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) راه رسیدن به تمدن‌سازی را خودسازی و جامعه‌پردازی می‌دانند. درک این موضوع برای کارشناسان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی از اهمیت بسزایی برخوردار است. آنجا که عالمان این رشته‌ها گرفتار مکاتب و نظریات فردگرا و جامعه‌محور شده‌اند. جایی که امثال لیبرال‌ها بر فرد و جایگاه به خصوص آن تأکید دارند و نقشی برای جامعه و اهمیت آن قائل نیستند و امثال سوسیالیست‌های که بر جامعه تأکید داشته و اعتباری برای فرد و کارگزار قائل نیستند.

اهمیت رسیدن به تمدن‌سازی در اندیشه معظم‌له این است که خودسازی و جامعه‌پردازی در دیدگاه ایشان به یک اندازه اعتبار دارد و هیچ یک از این دو جایگزین دیگری نخواهد شد. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با این واقعیت خط بطلانی بر همه مکاتب فردگرا و جامعه‌محور است که سال‌هاست اندیشه‌های جامعه‌شناسی سیاسی را درگیر دعوایی بی‌اعتبار بین کارگزار و ساختار دانسته و هر کدام برای اعتبار دادن به خود دلایل و استدلال‌های خاصی ارائه می‌دهند.

پس از اعتبار دادن به فرد و جامعه، موضوع قابل تبیین این است که چه افراد و چه جوامعی می‌توانند تمدن‌سازی مدنظر انقلاب اسلامی را محقق کنند؟ آیا هر فرد و هر جامعه‌ای با اندیشه و عمل خاصی می‌تواند راه رسیدن به تمدن را هموار کند؟ یا اینکه تربیت و آموزش خاصی لازم است تا با حذف ضعف‌ها و تکیه بر قوت‌ها و توانمندی‌ها، راه رسیدن به تمدن انقلاب اسلامی هموار شود.

در حوزه فردی و خودسازی، افراد باید افزون بر اینکه به اسلام ناب محمدی(ص) متوسل شوند و با شناخت اسلام آمریکایی آن را از خود دور کنند، ضروری است با روحیه جهادی و انقلابی در حوزه شخصی و خانوادگی مفاهیم اصیل انقلاب را نهادینه کنند، یک فرد انقلابی برای رسیدن به تمدن اسلامی باید مفاهیمی مانند شهادت، ایثار، جهاد، شجاعت، عدالت‌محوری، صلح‌دوستی و آزادی‌خواهی را برای خود عملی نموده و به آنها اعتقاد داشته باشد. همزمان که فرد انقلابی ویژگی‌های شخصی خود و خانواده‌اش را متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی همراه می‌کند، در عرصه اجتماعی و جامعه‌سازی نیز به دنبال ساختن جامعه‌ای انقلابی است تا مقدمات تمدن‌سازی را فراهم آورد.

جامعه انقلابی اجتماعی است که در آن باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی و باور به اینکه اسلام به جز کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد و تمدّن‌سازی هم دارد، وجود داشته باشد؛ این جامعه دقیقاً در تضاد با جامعه سکولار و لائیک است که غرب‌گرایان و امثال تقی‌زاده‌ها بر آن تأکید داشته‌اند. جامعه‌سازی یعنی اینکه افراد در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به دنبال بومی کردن ارزش‌ها و نگرش‌های خود هستند و به جای نگاه وارداتی و تحقیرآمیز وابستگی بر مقدورات و محذورات داخلی تأکید کرده و به دنبال تشکیل کشوری قدرتمند هستند که به خود ایمان داشته و از خودباوری بالایی برخوردار است. خودباوری از ارکان مهم این جامعه است که اگر نباشد، نه فرد و نه جامعه توان ساختن مستقلانه خود را نخواهند داشت. این اعتماد به نفس فردی و اجتماعی است که به آنها اجازه می‌دهد خارج از دنیای وابستگی و سلطه، بر داشته‌ها و توانمندی‌های داخلی خود تکیه کنند.

نکته مهم و پایانی این است که با وجود نقش‌آفرینی فرد و جامعه در رسیدن به تمدن انقلابی، هیچ یک از این دو اولویت و برتری بر دیگری ندارد و فرد و جامعه همراه و همزمان باید شروع به ساختن کنند. این‌گونه نیست که افراد بدون مداخله در امور اجتماعی به تهذیب نفس بپردازند تا در مرحله بعد جامعه را بسازند. به یاد داشته باشیم که خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی به این معناست که فرد بدون جامعه و جامعه بدون فرد اصالت ندارد و این دو مسئله همزمان و در یک مکان به نام اجتماع افراد می‌توانند راه رسیدن به تمدن انقلابی را هموار کنند.

عکس خبر

این‌گونه است ساده زیستن؛ همه آنچه از طلبه مظلوم همدانی به یادگار ماند، طلبه‌ای که به دست یک شرور و با تحریک حرف‌های سلبریتی‌های مدعی دانایی به شهادت رسید

درگیری، خونریزی و زندانی شدن در فرانسه عادت شده است! انگار از بدیهات شرایط زندگی در آنجاست! استقبال دولت فرانسه از کارگرانش در تظاهرات روز کارگر با هدیه دادن باتوم و گازهای اشک‌آور!

طراحان سناریو انقلاب‌های رنگی بعد از ده سال، هنوز تغییراتی حتی در کوچک‌ترین سکانس‌ها ایجاد نکرده‌اند! گویا افکار زورگویان و سلطه‌گران کماکان نمی‌خواهد خواست مردم کشورها را ببیند

تعداد کودکان کشورهای صنعتی که زیر خط فقر هستند و جایی برای زندگی ندارند: آمریکا ۱۵ و انگلیس ۴/۵ میلیون نفر؛ ابرقدرت‌های خیالی که قدرتی در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای شهروندان‌شان ندارند!

دادستان کل آمریکا در جلسه پاسخگویی به نمایندگان مجلس آمریکا حضور پیدا نکرده است و استفان کوهن یکی از نمایندگان، در جایگاهش مرغ سرامیکی قرار داد! مرغ در فرهنگ آمریکایی نماد ترسو بودن است

استقبال گران از نمایشگاه/ با وجود گرانی کاغذ و کتاب، استقبال مردم فرهنگ دوست وکتابخوان از نمایشگاه کتاب نسبت به سال‌های قبل بیشتر بود

اگر تجاوز کنند نابود خواهند شد

سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان گفت: به نمایندگی از رزمندگان مقاومت، با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر یگان‌های ارتش رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان تجاوز کنند، در برابر دوربین شبکه‌های تلویزیونی نابود خواهند شد و تصاویرشان را دنیا تماشا خواهد کرد.

یادداشت

کودتای نافرجام در ونزوئلا

□ **یاسر سعیدنژاد/** اعتراض‌ها در ونزوئلا ابعاد پیچیده‌ای به خود گرفته است. به تازگی برخی نظامیان در این کشور در یکی از پایگاه‌های نظامی کاراکاس با مانور جنگ تبلیغاتی و سیاسی مدعی کودتا در ونزوئلا و سرنگونی دولت قانونی این کشور شدند. خوان گوایدو، رهبر مخالفان دولت ونزوئلا با اعلام کودتا در این کشور گفته بود، مردم اعتراض‌های خود را همچنان ادامه دهند و در خیابان‌ها حاضر شوند؛ اما چندی طور نکشید که تعداد محدودی از نظامیان کودتاکننده دستگیر شدند.

برای تبیین این کودتا ابتدا لازم است به راهبردهای آمریکا در ونزوئلا اشاره کرد. بر اساس این، واشنگتن با همراهی گوایدو چهار راهبرد برای سقوط دولت این کشور در نظر گرفته است:

الف- ترور مادورو، ب- کودتای نظامی، ج- حمله نظامی، د- اجماع بین‌المللی. آمریکا برای تحقق هر یک از این راهبردها ابتدا فرایندی سه مرحله‌ای در این کشور اجرا کرده است.

این چهار راهبرد با سه مرحله همراه شد که به نوعی مکمل موارد فوق بودند:

- مرحله اول ورود خوان گوایدو به پارلمان و ریاست مجلس و اعلام رئیس‌جمهور خودخوانده؛
- مرحله دوم حمله سایبری به تأسیسات آب و برق ونزوئلا؛
- مرحله سوم کودتای فعلی.

با توجه به چهار راهبرد مزبور و مراحل سه‌گانه، سه رویکرد با همراهی آمریکا در داخل به اجرا گذاشته شد:

۱- رویکرد سیاسی: این مرحله اگرچه قبل از اعتراض‌ها در ونزوئلا اتفاق افتاد، اما براساس راهبرد پیش‌دستانه واشنگتن لازمه ورود به مراحل دیگر بود. گوایدو با کسب آرا و ورود به پارلمان زمینه‌ساز اتفاقات بعدی در ونزوئلا شد. براساس برنامه‌ریزی صورت گرفته، نفوذ به مجلس قانون‌گذاری و دادن اعطای نمایندگی به وی در جهت طرح‌ریزی راهبردهای آمریکا بود که توانست بر همین اساس ریاست پارلمان را کسب کند.

۲- رویکرد اقتصادی: آمریکا در مرحله دوم وارد رویکرد اقتصادی علیه ونزوئلا شد و با بلوکه کردن دارایی‌های ونزوئلا و ایجاد تورمی گسترده زمینه اعتراض مردمی را فراهم کرد. در این مرحله، واشنگتن به همراه گوایدو راهبرد فشار مضاعف را با حمله به تأسیسات آب و برق کلید زدند و مترصد رفتارهایی از سوی مردم در جهت پایان دادن به وضعیت فعلی بودند.

۳- رویکرد نظامی: با ناکامی رویکرد اقتصادی، واشنگتن وارد مرحله نظامی شد و با همراهی برخی ارتشی‌های جداشده از دولت، مترصد کودتای نظامی در این کشور بودند. در واقع این مرحله را باید زورآزمایی دوطرف دانست که گوایدو با این پیام می‌خواست نشان دهد افزون بر حمایت‌های مردمی از حمایت‌های نظامی نیز برخوردار است. پیوستن برخی افراد نظامی و چهره‌های مخالف دولت مادورو نشانی از پیاده‌سازی همین راهبرد بود.

در مرحله نظامی آنچه گوایدو به دنبال آن بود، تلفیق مرحله نظامی با جوسازی رسانه‌ای از سوی رسانه‌های بیگانه بود. به گونه‌ای که بولتون و پمپئو در توئیت‌هایی با حمایت از کودتا و تحریک مردم از گوایدو پشتیبانی کردند. برخی رسانه‌های دیگر نیز با اعلام خبرهای دروغین درصدد تحریک مردم برای حضور در خیابان‌ها برآمدند. این مسئله بیشتر به انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی شباهت داشت که رسانه‌های خارجی با اعلام اخبار دروغ زمینه حضور مردم در خیابان‌ها را فراهم کرده بودند. تفاوت ونزوئلا با آسیای مرکزی در این مرحله ماهیت کودتا بود که حالت سخت آن در ونزوئلا اجرا می‌شد.

در مجموع آنچه در ونزوئلا اتفاق افتاده، ناشی از جنگ ترکیبی در این کشور است که ماهیت آن از نوع سخت و نرم است. در ابعاد سخت کودتا و تهدید به حمله نظامی و در ابعاد نرم فشارهای اقتصادی و جنگ رسانه‌ای بیش از همه نمود دارد. واشنگتن نیز به همراه گوایدو طی مراحل طراحی شده، به دنبال اجرای راهبردهای گوناگونی است و وقوع این کودتای نافرجام به منزله پایان خصومت‌ها علیه دولت و ملت ونزوئلا نخواهد بود.

رصد

واپایش آخرین اخبار منطقه و جهان

فارین پالیسی: آمریکا آن طور که فکر می‌کند قدرتمند نیست. دولت ترامپ می‌کوشد تا با یکجانبه‌گرایی و زورگویی، خواسته‌های خود را به کشورهایی مانند ایران، ونزوئلا، کره شمالی، فلسطین و کل دنیا تحمیل کند؛ اما عصر یکجانبه‌گرایی قلدرمآبانه گذشته است.

لوبلاگ: با توجه به جامعه پرطراوت ایران نمی‌توان جز با خوشبینی به آینده این کشور نگریست. چالش‌های اخیر ایران عمر کوتاهی خواهند داشت. مردم ایران در این بحران‌های گذرا باید با نگاهی بلند، به فرصت‌های پیش رو و آینده‌ای پررونق چشم بدوزند.

یورونیوز: گزارش «کمیسیون استراتژی دفاع ملی» کنگره آمریکا: ایالات متحده به دلیل کاهش برتری نظامی- تاریخی خود دچار بحران امنیت ملی شده است و وزارت دفاع آمریکا نه از نظر مالی و نه از جنبه راهبردی توان پیروزی در جنگ‌های چندجانبه را نخواهد داشت. ارتش آمریکا در درگیری‌های آینده می‌تواند تلفات جبران‌ناپذیر و زیادی را متحمل شود و بسیاری از منابع و دارایی‌های مهم را در جنگ از دست بدهد.

القدس العربی: هیچ کس در توانایی جمهوری اسلامی برای باقی ماندن، گذر از تحریم‌ها و هماهنگی با شرایط حاضر اقتصادی تردید ندارد. ایران از زمان پیروزی انقلابش در سال ۱۹۷۹ آموخت که چگونه امور اقتصادی خود را مدیریت کند. تحریم‌ها نمی‌تواند نظامی را ساقط کند که از محبوبیت داخلی برخوردار است. ایران روابط مستحکمی با همسایگانش دارد؛ از ترکیه گرفته تا عراق، کویت، قطر و عمان، پاکستان، افغانستان، روسیه، هند و چین. عمق مخالفت بین‌المللی با سیاست‌های آمریکا، از آثار تحریم‌ها علیه ایران می‌کاهد.

رأی الیوم: تنش ایران و آمریکا، حتی اگر به درگیری نظامی بینجامد، به سود تهران خواهد بود؛ زیرا به افزایش قیمت نفت منجر می‌شود و در نهایت ترامپ را به بازنگری وادار می‌کند. افزایش قیمت جهانی نفت، کاهش میزان صادرات ایران را هم جبران می‌کند. این کشور تا قبل از فشار مضاعف تحریم، روزانه بیش از دو میلیون بشکه نفت پنجاه دلاری می‌فروخت؛ اما با افزایش محتمل قیمت جهانی به صد دلار یا بالاتر، یک میلیون بشکه را به بهای دو میلیون بشکه پنجاه دلاری خواهد فروخت و روزانه یک میلیون بشکه مازاد را نیز به ذخایر راهبردی خود خواهد افزود.

نشریه «ایل جورناله» چاپ ایتالیا: با پیشرفت‌های فناورانه صنعت موشکی، آیندهٔ ناوهای هواپیمابر آمریکا و میزان قدرت بازدارندگی آنها محل سؤال است؛ برای نمونه در جغرافیای خلیج‌فارس، یک ناوگان دریایی یا یک رزم ناو هواپیمابر، به ویژه هنگام عبور از تنگه هرمز می‌تواند سیبل حملات موشکی یک قدرت منطقه‌ای مانند ایران قرار بگیرد که این امر در دکترین نظامی ایران یک «هدف آسان» قلمداد می‌شود.

نشنال اینترست: هدف آمریکا از اعمال تحریم‌های شدید و تمدید نکردن معافیت‌های نفتی ایران، وادار کردن این کشور به پذیرش خواسته‌های ایالات متحده است؛ خواسته‌ای که به عقیده بسیاری از تحلیلگران و ناظران، با توجه به تاریخ مقاومت ایران در برابر دیکتاتورهای خارجی، رؤیای بی‌تعبیری است. ایران در چهار دهه گذشته، تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را تحمل کرده و تسلیم‌نشدنی باقی مانده است. اجبار ایران برای تغییر رفتار با استفاده از فشار خارجی، به شدت به غرور ایرانی‌ها لطمه می‌زند و تنها به افزایش حمایت مردم از حکومت ایران می‌انجامد.

یاهو نیوز: تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ونزوئلا سبب تشدید فشار اقتصادی در ونزوئلا خواهد شد که همین امر به منظور جلوگیری از رشد اقتصادی ونزوئلاست. واشنگتن امیدوار است ضربه بزرگی به مادورو برای پایان ریاستش در ونزوئلا زده باشد.

آیا ترامپ بازیچه «تیم ب» است؟!

آدرس اشتباه ندهید!

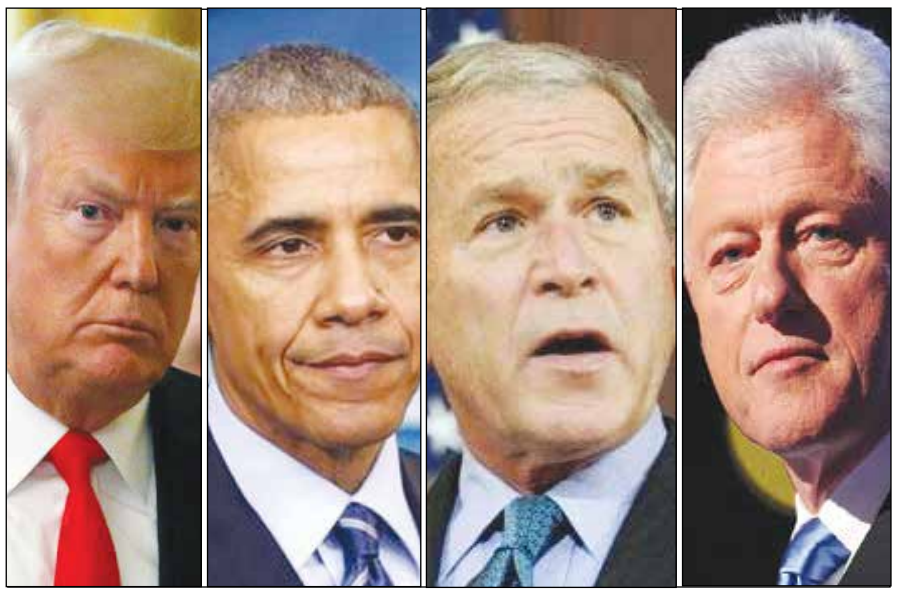

□ **حمید خوش‌آیند/** در زمینه سیاست و حکومت در آمریکا همواره باید دو اصل بنیادین را مد نظر قرار داد و هرگونه ظهور و بروز داخلی و خارجی در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا در این کشور را در چارچوب این دو اصل تحلیل و تبیین کرد.

دو اصل بنیادین سیاست و حکومت در آمریکا

اصل اول؛ سیاست‌گذاری در ایالات متحده آمریکا به ویژه در حوزه سیاست خارجی، همانند دیگر کشورهای جهان تابعی از تاکتیک‌ها و راهبردهاست. تاکتیک‌ها اگرچه ممکن است متناسب با شرایط و بنا به مقتضیات موجود تغییر کند؛ اما راهبردها پایدار بوده و با وجود دست به دست شدن قدرت بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان کمتر دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود.

اصل دوم؛ سیاست ایالات متحده در مقاطع گوناگون تاریخی تا به امروز فارغ از اینکه قدرت در اختیار چه حزب یا جریانی (دموکرات یا جمهوریخواه) بوده است، در وهله اول به دنبال تأمین منافع گروه یا عده‌ای از آمریکایی‌ها بوده که مستقل از خواست شهروندان این کشور و عمدتاً صاحبان مجتمع‌های صنعتیِ نظامی، کارتل‌های تسلیحاتی و کارخانه‌های اسلحه‌سازی- که بر اقتصاد ایالات متحده تسلط دارند و منافع‌شان را در تداوم جنگ‌های «بی‌پایان» می‌دانند- بوده‌اند.

سیاست پایدار جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها

متأسفانه این دو نکته با وجود اینکه از شفافیت و صراحت بالایی در ماهیت سیاست خارجی آمریکا برخوردار است، دست‌کم در داخل کشور خواسته یا ناخواسته کمتر به آن توجه شده است؛ به گونه‌ای که وقتی از دموکرات‌ها یا جمهوری‌خواهان در کاخ سفید پیرامون موضوع ایران صحبت می‌شود، گاه گزاره‌هایی از این دست نه تنها در بین برخی از شهروندان عادی، بلکه در محافل سیاسی و رسانه‌ای خاص تکرار می‌شود که دموکرات‌ها صلح‌طلب هستند، جمهوری‌خواهان جنگ‌طلب؛ دموکرات‌ها اهل تعاملند، جمهوری‌خواهان اهل تقابل؛ دموکرات‌ها به حقوق بشر اهمیت می‌دهند، جمهوری‌خواهان به نفت و...؛ گزاره‌های گاه کلی و متناقضی که معمولاً برای بخشی از افکار عمومی و جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای به یک باور قطعی تبدیل شده‌اند.

بر اساس این باور، بعضاً پنداشته می‌شود «آمریکای اوباما» آمریکایی متفاوت از «آمریکای ترامپ» است. یا آمریکای اوباما قابل تعامل است و آمریکای ترامپ قابل تعامل نیست و آزاردهنده است؛ از این رو باید منتظر ماند تا سال ۲۰۲۰ فرا رسد، شاید دموکراتی در کاخ سفید قدرت را در دست بگیرد و بتوان راه قابل اتکایی برای غلبه بر مشکلات و معضلات داخلی که بر اثر سیاست‌های ترامپ در داخل ایران ایجاد شده است، پیدا کرد! به بیان ساده‌تر، بررسی سوابق رؤسای‌جمهور قبلی آمریکا به اضافه رئیس‌جمهور کنونی این کشور از هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات نشان می‌دهد، اگر آنان در هر مسئله‌ای اختلاف داشته باشند، در دشمنی و خصومت با ایران هیچ اختلافی ندارند.

تیم «ب»

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه در سفر اخیرشان به آمریکا با وجود مطالب بجا و دقیق‌شان در زمینه تبیین اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران، طی توئیتی حساب ترامپ را از بخشی از حاکمیت آمریکا جدا کرده و تلویحاً همه اقدامات خصمانه آمریکا را به پای تیم ب (بولتون، بنیامین نتانیاهو، بن‌سلمان و بن زاید) نوشتند. این رفتار اگرچه از یک منظر درست است؛ اما از نقطه نظری خاص موضعی است که چندان با منطق سیاست‌گذاری خارجی در آمریکا و اصولی که در بالا شمرده شد، حداقل درباره ایران همخوانی ندارد.

اگرچه در آمریکا نیز همانند دیگر کشورهای جهان رؤسای‌جمهور می‌توانند تحت تأثیر القائات حلقه پیرامون‌شان دست به اقداماتی بزنند یا از انجام اقداماتی خودداری کنند، اما در زمینه ایران سیاست آمریکا یک سیاست کاملاً روشن و بدون هرگونه بحث و مناقشه‌ای است. در واقع، هدف کاملاً مشخص و تعریف شده است. مشکل آمریکا با ایران یک مشکل ایدئولوژیک، بنیادین و موجودیتی است

ظریف طی دو توئیت جداگانه نوشته بود: «جان بولتون و تیم «ب» می‌گویند که مردم ایران لایق شرایط بهتری هستند، ولی در عین حال مردم ایران را هدف جنگ و حتی تروریسم اقتصادی قرار داده‌اند. آیا دونالد ترامپ اجازه می‌دهد که آنها رؤیای خود برای شروع یک جنگ بی‌پایان دیگر را محقق سازند؟»؛ «طرح‌های شرارت‌بار «تیم ب» برای جنگی همیشگی با ایران را تشریح می‌کنم و اینکه چرا دونالد ترامپ [رئیس‌جمهور آمریکا] باید در جریان تفاوتی که میان اهداف او و آنها (تیم ب) در غرب آسیا وجود دارد، قرار داشته باشد.»

ایران و موجودیت مزاحم

جمهوری اسلامی ایران برای دولتمردان آمریکایی (چه دموکرات و چه جمهوریخواه) یک «موجودیت مزاحم» تلقی می‌شود که باید مهار شده یا از سر راه برداشته شود. در این چهل سال نیز همه اقدامات و سیاست‌گذاری‌های‌شان در راستای رسیدن به این هدف بوده است. اینکه بگوییم دونالد ترامپ طرح و فکری متفاوت از جان بولتون، نتانیاهو و پمپئو دارد یا بولتون و یک تیم امنیتی خاص طی اقدامی هماهنگ عقل از سر ترامپ ربوده و او را به جنگ با ایران تحریک می‌کنند، تقسیم‌بندی‌ای است که چندان با منطق سیاست و قدرت در آمریکا همخوانی ندارد.

در سطح خُرد درون دولتی، جان بولتون و پمپئو همان چیزی را طراحی می‌کنند که ترامپ از آنها می‌خواهد، والاّ اگر جز این بود که وی تیم امنیتی قبلی‌اش را که تا حدودی اهل مسامحه در برخورد با ایران بودند، با تیم فعلی جایگزین نمی‌کرد. در سطح کلان نیز ترامپ حداقل درباره ایران دقیقاً همان اهداف و نیاتی را دنبال می‌کند که پیشینیان او از کارتر گرفته تا اوباما دنبال می‌کردند؛ یعنی براندازی و تغییر رژیم، اما با روش‌های تقریباً متفاوت. هیچ کس فراموش نکرده است که جنگ هشت ساله علیه ایران در دوران کارتر دموکرات کلید زده شد. ریگان جمهوریخواه برای ادامه جنگ علیه ایران به صدام چک سفید داد. خصومت‌ورزی علیه ایران در دوران بوش پدر جمهوریخواه تشدید شد. با روی کار آمدن کلینتون دموکرات سخت‌ترین تحریم‌ها علیه ایران اعمال شد. بوش پسر ایران را محور شرارت خواند. اوبامای دموکرات بزرگ‌ترین کمپین بین‌المللی تحریم علیه ایران را راه انداخت و اکنون نیز ترامپ جمهوریخواه شدیدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کرده و از هیچ تلاشی به استثنای جنگ که برایش خسارت‌بار است، برای مهار و براندازی جمهوری اسلامی ابایی ندارد.

جمع‌بندی

اگرچه در آمریکا نیز همانند دیگر کشورهای جهان رؤسای‌جمهور می‌توانند تحت تأثیر القائات حلقه پیرامون‌شان دست به اقداماتی بزنند یا از انجام اقداماتی خودداری کنند، اما در زمینه ایران سیاست آمریکا یک سیاست کاملاً روشن و بدون هرگونه بحث و مناقشه‌ای است. در واقع، هدف کاملاً مشخص و تعریف شده است. مشکل آمریکا با ایران یک مشکل ایدئولوژیک، بنیادین و موجودیتی است که از طریق مذاکره و مصالحه و سازش هم حل و فصل نمی‌شود. جمهوری اسلامی ایران براساس آموزه‌های دینی، قرآنی و اسلامی در پی برپایی تمدن نوین اسلامی است؛ تمدنی که باید مقدمه پدیده‌ای به نام «ظهور» باشد؛ موضوعی که برای آمریکا که یک دولت استکباری و سلطه‌طلب است، تحت هیچ شرایطی قابل پذیرش نیست. بنابراین در مواجهه با هر گونه دولتی در آمریکا چه دموکرات و چه جمهوریخواه باید این نکته را مد نظر داشت که به قول رهبر معظم انقلاب اسلامی «آمریکا، همان آمریکاست و در ۳۷ سال گذشته هر یک از دو حزب که بر سر کار بودند، هیچ خیری که نرساندند، دائماً نیز شر آنها متوجه ملت ایران بوده است.»

فراسو

زورآزمایی دموکرات‌ها با ترامپ

□ **رضا صارمی‌راد/** با اعلام کاندیداتوری جوزف بایدن برای انتخابات سال ۲۰۲۰ آمریکا، انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور وارد فضای جدیدی شده است. جوبایدن هشت سال معاون ریاست‌جمهوری آمریکا بود و از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۹ سناتور انتخابی از ایالت دلاویر محسوب می‌شد. او دوبار در سال‌های ۱۹۸۷ و ۲۰۱۶ وارد گود انتخابات شد که البته در مراحل اولیه انصراف خود را اعلام کرد.

بایدن در نخستین نطق انتخاباتی خود اعلام کرد: «معتقدم تاریخ، چهار سال دوره این رئیس‌جمهوری و تمامی آنچه را که در بر می‌گیرد، به عنوان یک برهه انحرافی نگاه خواهد کرد. او اگر چهار سال دیگر رئیس‌جمهور شود برای همیشه و از اساس شخصیت این ملت را از آنچه که هست تغییر خواهد داد و من نمی‌توانم بایستم و نظاره‌گر چنین اتفاقی باشم.»

وی همچنین در جمع تعدادی از کارگران اعتصاب‌کننده گفت: «آمریکا را شما مردم عادی طبقه متوسط می‌سازید و اتحاد شما سبب سازندگی آمریکا خواهد شد.»

طبقه متوسط آمریکا نگرانی جدی از سیاست‌های حمایتی و مالیاتی دولت ترامپ دارد. برخی کاندیداهای حزب دموکرات مانند بایدن معتقدند با تمرکز بر طبقه متوسط می‌توان در انتخابات ریاست‌جمهوری به پیروزی رسید. در میان ۱۹ کاندیدای حزب دموکرات، بایدن با ۲۹ درصد محبوبیت در صدر قرار دارد. به دنبال او «برنی سندرز» از ایالت ورمونت قرار گرفته است که در سال ۲۰۱۶ رقیب اصلی درون‌حزبی کلینتون بود.

همین رقابت و تا حدودی اتحاد دموکرات‌ها منجر شد ترامپ در توئیتی به بایدن و سندرز بتازد و آنها را دیوانه و خواب‌آلود بخواند.

درباره مواضع و اصول شخصیتی جوبایدن باید به چند مسئله اشاره داشت که هم می‌تواند چالش و هم فرصت برای دموکرات‌ها به شمار بیاید:

۱- بایدن در سیاست خارجی به شدت طرفدار رژیم صهیونیستی و از دوستان نزدیک نتانیاهو است. بایدن در مصاحبه با شبکه اول تلویزیون این رژیم می‌گوید: «من مانند هر کاتولیکی سرسخت بر این اصل پافشاری می‌کنم که یک کاتولیک خوب قبل از آنکه مسیحی باشد، باید یک یهودی خوب باشد و من نیز پیش از آنکه مسیحی باشم خود را یک یهودی می‌دانم و نهایتاً به این افتخار دارم که بگویم من یک صهیونیست هستم و به صهیونیست بودن خود افتخار می‌کنم.» با توجه به این مواضع بایدن، نیاز مبرم کاندیداهای ریاست‌جمهوری به حمایت صهیونیست‌ها و لابی‌های اسرائیلی، این امر یک امتیاز ویژه برای رأی‌آوری بایدن محسوب خواهد شد.

۲- بایدن مانند اوباما به رویکرد هم‌زمان مذاکره و فشار با هدف تغییر رفتار و در نهایت تغییر رژیم در ایران معتقد است. او درباره برجام و ایران می‌گوید: «ایران دوست ما محسوب نمی‌شود؛ اما مذاکره مستقیم با ایران همراه با افزایش فشار بین‌المللی باعث رفع یکی از خطرناک‌ترین تهدیدات برای امنیت بین‌المللی خواهد شد. خروج آمریکا از برجام تهدید علیه اسرائیل و شرکای منطقه‌ای ما را افزایش خواهد داد.»

۳- بایدن با چالش بزرگ سن مواجه است. وی در سال ۲۰۲۰، ۷۸ ساله خواهد رسید و اگر رئیس‌جمهور شود، پیرترین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکا به شمار می‌آید. در عین حال، گروهی از دموکرات‌ها معتقدند برای شکست ترامپ باید از چهره‌های جوان و پرانرژی مانند اوباما استفاده کرد.

۴- گروهی از کارشناسان بر این باورند که بایدن با توجه به اینکه از جناح کلاسیک حزب دموکرات به شمار می‌آید و مواضع و سیاست‌هایش شبیه هیلاری کلینتون است، توان شکست ترامپ را ندارد. به اعتقاد این گروه، اگر حزب دموکرات می‌خواهد بر کرسی ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۲۰ تکیه کند، باید کاندیدایی از جناح چپ حزب دموکرات مانند «برنی سندرز» یا «الیزابت وارن» را معرفی کند. این جناح دیدگاه‌های اقتصادی سوسیالیستی دارد و به شدت به تقویت طبقه فقیر آمریکا معتقد است که طبق برآورد کارشناسان تعداد این افراد بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر می‌شود که در جمعیت ۳۲۵ میلیونی آمریکا عدد بزرگی است. در نتیجه تنها یک کاندیدا از جناح چپ می‌تواند از طریق شعارهای اقتصادی و اعلام سیاست‌های حمایتی از محرومان، در مقابل شعارهای پوپولیستی ترامپ مقاومت کند و او را شکست دهد.

پنجره

خیز عربستان برای اجرای معامله قرن

□ **محمدرضا بلوردی/** پس از انتخاب دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی در کمک به اجرای برنامه او برای خاورمیانه و به طور مشخص قضیه فلسطین- که از آن به معامله قرن یاد می‌شود- نقش محوری پیدا کرده است. هرچند جزئیات طرح معامله قرن به صورت رسمی منتشر نشده است، اما آن‌گونه که در رسانه‌ها و بر اساس خبرهای دریافتی در عناصر مطلع اعلام می‌شود، در طرح مورد نظر ترامپ و تیم او در کاخ سفید فلسطینیان بر مناطق تحت سیطره خود در کرانه باختری حاکمیتی نخواهند داشت، عمده شهرک‌های صهیونیستی در کرانه باختری تخلیه نخواهد شد، «قدس شرقی» به عنوان پایتخت دولت فلسطین پذیرفته نخواهد شد و به جای آن «ابودیس» برای پایتخت فلسطین برگزیده می‌شود، آوارگان فلسطینی اجازه بازگشت نخواهند داشت و در مقابل مناطقی که فلسطینیان مجبور به دادن آن به رژیم صهیونیستی می‌شوند، مناطقی در شبه‌جزیره سینای مصر و مناطقی از عربستان سعودی به فلسطینیان داده خواهد شد و... .

امتیازهای متعددی که فلسطینیان باید در طرح مورد نظر ترامپ بدهند، سبب شده است تشکیلات خودگردان فلسطین مخالف هرگونه طرح صلح جدیدی با رژیم صهیونیستی باشد؛ اما با توجه به اینکه عمده حکومت‌های عرب مؤثر در مسئله فلسطین به آمریکا وابسته هستند، فشارهای بسیاری از سوی کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر به محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین وارد می‌شود تا او را به پذیرش طرح جدید مجبور کنند.

در بین کشورهای عربی که برای اجرای طرح معامله قرن نقش‌آفرینی می‌کنند، عربستان سعودی به واسطه رقابت منطقه‌ای با کشورهایی چون جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، در تلاش است تا خود را به رژیم صهیونیستی نزدیک کرده و روابطش با این رژیم را عادی کند؛ از همین رو به دنبال این است که با ارائه پیشنهادهای مالی تشکیلات خودگردان فلسطین را از موضع مخالف سرسختانه‌ای که دارد، منصرف کند. در همین راستا رسانه‌های سعودی از پیشنهاد مالی چشمگیری پرده برداشته‌اند که عربستان ارائه داده است؛ بر اساس گزارشی که روزنامه صهیونیستی «جروزالم‌پست» منتشر کرده، محمود عباس با اطلاع از اینکه تشکیلات خودگردان فلسطین سالیانه بودجه‌ای بالغ بر یک میلیارد دلار نیاز دارد، به وی پیشنهاد کرده است در ازای دریافت ۱۰ میلیارد دلار برای ۱۰ سال بودجه تشکیلات خودگردان فلسطین با طرح صلح معامله قرن موافقت کند.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که ارائه پیشنهادهای این‌چنینی عربستان سعودی چه پاسخی از سوی تشکیلات خودگردان و شخص محمود عباس خواهد داشت و در صورتی که با آن مخالفت شود، چه پیامدهایی را برای این تشکیلات می‌توان متصور بود؟

در پاسخ باید گفت، محمود عباس دو راه پیش رو دارد؛ نخست اینکه، با پیشنهاد اغواکننده سعودی‌ها موافقت کند؛ اما آن‌گونه که خود ابومازن تصریح کرده است او اکنون پس از گذشت ۸۲ سال از عمرش به پایان راه زندگی سیاسی خود رسیده و به هیچ وجه تمایل ندارد آیندگان از او به عنوان «خائن به آرمان فلسطین» یاد کنند؛ از همین رو وی همچنان بر مخالفت خود با معامله قرن پافشاری می‌کند.

این مخالفت که در واقع دومین راه پیش روی محمود عباس است، می‌تواند پیامدهای ناگواری برای تشکیلات خودگردان داشته باشد؛ از جمله اینکه کمک‌های جاری عربستان به تشکیلات خودگردان قطع شود. در حال حاضر، عربستان سعودی ماهیانه ۲۰ میلیون دلار به بودجه تشکیلات خودگردان کمک می‌کند و در کنار آن از برخی پروژه‌های اقتصادی هم حمایت می‌کند که هزینه آن بالغ بر ۱۰ میلیون دلار است. بنابراین، توقف حمایت‌های عربستان می‌تواند تأثیر شدیدی روی فعالیت تشکیلات خودگردان داشته باشد و حتی نهادهای آن را دچار فروپاشی کند.

پایان سخن اینکه با وجود این‌گونه چالش‌ها و موانع اقتصادی و مالی، تشکیلات خودگردان فلسطین گزینه‌های زیادی پیش روی خود ندارد و گذر زمان و اعلام قریب‌الوقوع طرح معامله قرن و نیز واکنشی که افکار عمومی فلسطینی و گروه‌های مقاومت به آن می‌دهند، پاسخگوی بسیاری از ابهامات و پرسش‌ها خواهد بود.

روزنه

خروج از پیمان‌های بین‌المللی

□ **محمدرضا مرادی/** دونالد ترامپ از زمانی که به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شده از بیشتر پیمان‌ها و توافق‌های بین‌المللی خارج شده است. در آخرین مورد نیز وی از معاهده تجارت اسلحه سازمان ملل خارج شد. خروج یکجانبه آمریکا از این پیمان‌ها سبب خواهد شد که دیگر کشورها مانند روسیه نیز به دنبال تکرار این اقدام باشند و در واقع نوعی هرج و مرج بر فضای بین‌الملل حاکم شود. در واقع خروج آمریکا از پیمان‌های بین‌المللی، اکنون به تهدیدی پیش روی نظام بین‌الملل تبدیل شده است.

پیمان تجاری اقیانوس آرام (TPP) نخستین پیمانی بود که دونالد ترامپ بلافاصله پس از آغاز دوره ریاست‌جمهوری خود در بهمن‌ماه ۱۳۹۵ از آن خارج شد. او همچنین در ۱۳ مرداد ۱۳۹۶ از توافقنامه پاریس، که هدف آن کاهش چشمگیر گازهای گلخانه‌ای و تلاش برای نجات کره زمین از مشکلات زیست‌محیطی است خارج شد. در آذرماه ۱۳۹۶ ترامپ دستور خروج از «سازمان یونسکو» را صادر کرد. دولت آمریکا دلیل خروج خود از این سازمان را رسماً حمایت از رژیم غاصب صهیونیستی عنوان کرد. این رژیم نیز با استقبال از این اقدام، بلافاصله پس از آمریکا از این سازمان خارج شد. «پیمان مهاجرتی سازمان ملل» موسوم به «پیمان نیویورک» دیگر پیمانی بود که ترامپ در آذرماه ۱۳۹۶ از آن خارج شد. توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ موسوم به «برجام»، که رسمیت آن در شورای امنیت سازمان ملل نیز تأیید شده بود، دیگر توافقی به شمار می‌آید که آمریکا در اردیبهشت ۱۳۹۷ از آن خارج شد. این کشور در ۳۰ خردادماه ۱۳۹۷، به دلیل حمایت مجدد از رژیم غاصب صهیونیستی تصمیم گرفت از «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد» نیز خارج شود. در نهایت دونالد ترامپ اردیبهشت ۱۳۹۸ با سخنرانی در مجمع ملی اسلحه در «ایندیانا پولیس» اعلام کرد آمریکا امضایش را از معاهده تجارت اسلحه که تنظیم‌کننده تجارت سلاح‌های متعارف از جمله سلاح‌های کوچک، تانک‌های جنگی، هواپیماهای نظامی و کشتی‌های جنگی است برمی‌دارد. دونالد ترامپ همچنین اعلام کرد آمریکا از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد (INF) با روسیه خارج می‌شود.

وی در دو سال گذشته ساختارهای حقوقی دنیا را به طور کامل به هم ریخته است؛ البته آمریکا همواره در استفاده ابزاری از پیمان‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی کشوری بدعهد شناخته می‌شود؛ اما دونالد ترامپ با خروج از پیمان‌های بسیاری، تهدیدات جدیدی در عرصه بین‌المللی حاکم کرده است. در واقع این گونه اقدامات او سبب تحریک و تشجیع دیگر قدرت‌های جهانی، مانند روسیه برای خروج از دیگر پیمان‌های بین‌المللی خواهد شد. که نتیجه این وضعیت هرج و مرج بین‌المللی خواهد بود. در شرایط کنونی، که پیمان‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی وجود دارد و آمریکا و دیگر کشورها در ظاهر اعلام پایبندی به آنها می‌کنند، وضعیت نظام بین‌الملل به نوعی آشفته است. کاملاً طبیعی است در شرایطی که این پیمان‌ها نباشند، علاوه بر آمریکا دیگر کشورهای غربی نیز گسترش هرج و مرج بین‌المللی را دنبال خواهند کرد. در واقع آمریکا با این گونه اقدامات خود در حال نابودی همه قوانینی است که در چند سده اخیر، کشورها برای پایان دادن به جنگ و حاکم کردن نوعی قانون در عرصه بین‌المللی تدوین کرده‌اند. تخطی آمریکا از قوانین بین‌الملل، خروج از توافق‌ها و تحریک دیگر کشورها برای زیر پا گذاشتن نهادهای بین‌المللی در نهایت می‌تواند بزرگ‌ترین چالش امنیتی را پیش روی نظام بین‌الملل قرار دهد. در مجموع، ترامپ همچنان در زمینه لغو معاهدات بین‌المللی یکه‌تازی می‌کند و انتقادات بسیاری نیز به معاهدات دیگر از جمله سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مطرح کرده است.

حذف چهار صفر اثر تورمی ندارد

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: حذف صفر از پول ملی به ساده‌سازی محاسبات در حوزه اقتصادی می‌انجامد و نحوه مقایسه واحد پول با ارزهای دیگر نیز با این رویه تسهیل می‌شود. پیشنهاد ما برای حذف صفر از پول ملی چهار صفر بوده تا عددی رُند در اقتصاد کشور به وجود بیاید؛ البته باید توجه داشت حذف صفر از پول ملی، اثر تورمی در اقتصاد ندارد و تأثیری در قدرت خرید مردم نخواهد داشت.

کلید واژه

یارانه(سوبسید)

سوبسید، شکلی از کمک مالی است که به یک تجارت یا بخش اقتصادی پرداخت می‌شود؛ به عبارت دیگر اعطای کمک مالی به کالا یا خدمتی است که جهت افزایش رفاه عمومی جامعه به مردم داده می‌شود.

یارانه سود اقتصادی است که به طور معمول دولت‌ها به تولیدکنندگان کالا برای تقویت بازار رقابتی کشورها پرداخت می‌کنند و این یارانه‌ها ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد. همچنین یارانه‌ها به دو نوع یارانه‌های صادراتی و یارانه‌های داخلی کشورها تقسیم می‌شوند. یارانه‌های صادراتی مساعده‌های قابل تفویض نزد شرکت‌هایی است که دولت به شرط صادرات محصولات‌شان در اختیار آنها قرار می‌دهد. یارانه‌های داخلی کشورها نیز کمکی است که به صورت غیر مستقیم به مردم پرداخت می‌شود.

بیشتر یارانه‌ها را دولت برای تولیدکنندگان یا توزیع‌کنندگان در یک صنعت و به منظور جلوگیری از رکود آن صنعت یا جلوگیری از افزایش قیمت تولیدات آن و برای ترغیب به استخدام نیروی کار بیشتر اعطا می‌کند. برای نمونه یارانه‌هایی که برای حمایت از صادرات، یا به‌منظور پایین نگه داشتن هزینه زندگی برای برخی خوردنی‌ها، یا افزایش تولید مزارع و رسیدن به خودکفایی در تولید غذا پرداخت می‌شود.

امروزه در دنیا یارانه‌ها بیشتر به تولیدکنندگان یا محصولات کشاورزی پرداخت می‌شود؛ به گونه‌ای که به صیانت وضعیت معیشتی تولیدکنندگان و زارعان در مقابل نوسانات قیمت می‌انجامد و ادامه تولید در کشورها را با مشکلی مواجه اگر این نوع یارانه‌ها با حمایت‌های دولتی در مقابل نوسانات قیمت اعطا نشود، ممکن است موجب ورشکستگی شدید در بازار تولید صنعتی و کشاورزی شود. مدل‌های دیگری از نحوه پرداخت یارانه در کشورهای مختلف وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به یارانه مستقیم اشاره کرد که به صورت نقدی به قشرهای آسیب‌پذیر پرداخت می‌شود. گفتنی است هم اکنون یارانه مستقیم در رأس برنامه‌های دولت ایران قرار دارد.

سوبسید از نظر دولت‌ها، نوعی مالیات منفی است که در رده مالیات‌ها در بودجه دولتی لحاظ می‌شود. به این دلیل یارانه را مالیات منفی به حساب می‌آورند که دولت‌ها پرداخت می‌کنند نه دریافت.

یارانه از دیدگاه دولت‌ها به دلیل اهداف اقتصادی، توسعه‌ای، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پرداخت می‌شود. این اهداف می‌تواند در پرداخت یارانه به مصرف‌کننده، تولیدکننده، ادارات خدماتی، صادرکننده یا واردکننده نیز تحقق یابد.

از مهم‌ترین اهدافی که دولت‌ها به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند کشور ما با پرداخت یارانه دنبال می‌کنند، جلوگیری از گسترش فقر و بحران‌های اجتماعی و تلاش برای برقراری عدالت، حتی به بهای از دست رفتن بخشی از کارایی اقتصادی است.

یارانه‌ها بر اساس اینکه در قانون بودجه کشور به طور مشخص ذکر شده یا به طور ضمنی لحاظ می‌شود، به دو دسته آشکار (مثل یارانه آرد و کالاهای اساسی که با کالابرگ توزیع می‌شوند) و پنهان (مثل یارانه سوخت و مابه‌التفاوت نرخ ارز) تقسیم می‌شوند و بالاخره از این نظر که چگونه در جامعه توزیع می‌گردند، به سه گروه یارانه باز (مثل یارانه بنزین قبل از سهمیه‌بندی که بدون محدودیت به میزان متفاوت و بسته به اینکه که هر کس چه مقدار مصرف کند در اختیار همه قرار می‌گرفت)، یارانه سرانه (مثل یارانه کالاهای کالابرگی که به شکل محدود و مشخص و به طور مساوی و برابر در میان همه افراد جامعه توزیع می‌شود) و یارانه هدفمند (مثل یارانه به شکل بن‌ها و کالابرگی‌هایی که به گروهای مشخصی از افراد جامعه مانند کارگران، کارمندان، از کارافتادگان و مستمری‌بگیران پرداخت می‌شود) تقسیم می‌شود.

تکاپو

مدیر کل دفتر بازسازی و حفاظت از ذخایر ژنتیکی آبزیان در گفت‌وگو با صبح صادق

تولید ۱۰۰ تن خاویار را در چشم‌انداز ۱۴۰۴ هدف‌گذاری کرده‌ایم

□ اکبر کریمی / ماهیان خاویاری از جمله گونه‌های آبزی کم‌نظیری هستند که از قدمتی چند صد میلیون ساله برخوردارند؛ از این رو ماهیان خاویار را فسیل‌های زنده جهان می‌نامند. این ماهیان به ۲۷ گونه و زیرگونه در جهان تقسیم می‌شوند. از این تعداد شش‌گونه آن در دریای خزر زندگی می‌کنند که پنج گونه از آنها در داخل کشور ما پرورش داده می‌شود. ارزش ماهیان خاویاری نه به دلیل استفاده از گوشت آنان، که به واسطه تخم آنان است که به «خاویار» یا «مروارید سیاه» مشهور است.

برای خاویار خواص فراوانی نام برده شده است. خاویار سرشار از ویتامین‌ها، املاح معدنی، پروتئین و چربی است و مصرف آن در پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های التهاب مفاصل، دستگاه گوارش و سرطان‌های گوناگون بسیار مؤثر است. این ماده غذایی غنی و پر خاصیت، سرشار از اسیدهای چرب امگا ۳ است. بنابراین، برای درمان بیماری‌های افسردگی و قلبی ـ عروقی بسیار سودمند است. خاویار آهن فراوانی دارد، به همین دلیل مصرف آن به افراد مبتلا به کم خونی ناشی از کمبود آهن توصیه می‌شود.

ایران با داشتن مزارع پرورشی متعدد در کشور و برنامه‌ریزی بلندمدت برای توسعه پرورش این آبزی با ارزش، سهم مهمی در رتبه‌های جهانی این نوع ماهی دارد؛ به گونه‌ای که امروزه ششمین تولیدکننده جهان به شمار می‌آید. در این شماره از نشریه به سراغ دکتر ناصر کرمی‌راد، مدیر کل دفتر بازسازی و حفاظت از ذخایر ژنتیکی آبزیان سازمان شیلات ایران رفته‌ایم تا از زبان وی، ظرفیت‌های موجود کشور در حوزه خاویار را بررسی کنیم. متن کامل گفت‌وگوی ما با دکتر کرمی‌راد را در ادامه از نظر می‌گذرانید:

*** وضعیت ماهیان خاویاری دریای خزر چگونه است و ایران برای حفظ جایگاه ششمی خود در تولید خاویار و ارتقای آن چه برنامه‌هایی در دستور کار دارد؟**

همان‌طور که می‌دانید، امسال هفتمین سالی است که طبق توافق با کنوانسیون سایتس (CITES) صید ماهیان خاویاری دریای خزر ممنوع شده است و فقط به کشورهایی اجازه صید داده می‌شود که در زمینه بازسازی ذخایر این گونه‌های ارزشمند فعالیت دارند. جمهوری اسلامی ایران جزء کشورهایی است که از قدیم در امر بازسازی ذخایر ماهیان خاویاری فعالیت داشته است و تنها اجازه دارد به منظور بازسازی ذخایر ماهیان خاویاری صید دریایی داشته باشد، نه صید به منظور تجارت.

با وجود این و علی‌رغم ممنوعیت صید ماهیان خاویاری طی سال‌های گذشته، شاهد وضعیت اسفناک گونه‌های خاویاری دریای خزر هستیم، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر ۵۰ درصد از حجم گونه‌های صید شده خاویاری برای تکثیر کاهش یافته است. این در حالی است که وضعیت سال‌های گذشته نیز مناسب نبوده است. این امر نشان می‌دهد، صید تجاری ماهیان خاویاری در دریای خزر عملاً به مرز صفر درصد رسیده است و حتی برخی گونه‌ها با خطر انقراض مواجه هستند. از جمله این گونه‌های خاویاری، شیب و چالباش هستند که مدتی است از این گونه‌ها در سبد صیادان نیفتاده است.

با توجه به جایگاه ویژه ماهیان خاویاری ایران در سبد مصرف جهانی و شهرت برند خاویار ایرانی در جهان، جمهوری اسلامی از سال‌های گذشته سعی کرده است تکثیر و تولید گونه‌های بومی دریای خزر را در محیط‌های پرورشی و آب‌های سرزمینی توسعه دهد تا هم مانع انقراض این گونه‌های با ارزش در دریای خزر شود و هم بتواند تولید خاویار را به روش پرورشی داشته باشد.

تا سال ۱۳۹۲ کمتر از ۲۵ مزرعه پرورش ماهی خاویاری در کشور وجود داشت که با سیاست‌گذاری سازمان شیلات کشور، این میزان امروز به ۱۲۰ مزرعه رسیده و در حال حاضر این مزارع در ۲۱ استان کشور فعال هستند. از این ظرفیت به وجود آمده، ۴۷ مزرعه در استان گیلان و ۲۱ مزرعه در استان مازندران قرار دارند؛ یعنی بیش از ۵۰ درصد مزارع پرورشی ماهیان خاویاری کشور در دو استان شمالی کشور قرار گرفته‌اند.

استان‌های آذربایجان شرقی، کرمانشاه، کردستان، یزد، کرمان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، هرمزگان، فارس، خوزستان، لرستان و زنجان از جمله استان‌هایی هستند که امروزه در آنها ماهیان خاویاری پرورش داده می‌شود.

با تمهیداتی که سازمان شیلات ایران از سال‌های گذشته انجام داده، الآن توده زنده ماهیان خاویاری پرورشی بیش از ۶۰۰ هزار قطعه است که عمده این ماهیان از نوع فیل‌ماهی هستند. گونه فیل ماهی یکی از گونه‌های با ارزش از تاس ماهی‌های دریای خزر است که خاویارش در جهان به نام خاویار بلوگا معروف است و گونه‌ای گران‌قیمت محسوب می‌شود.

پنج گونه خاویاری در دریای خزر داریم که شامل قره برون، اوزون برون، چالباش، شیب و فیل ماهی است. از میان این پنج‌گونه، سواحل ایران بیشتر گونه قره برون را دارد و هر ساله بین دو تا سه میلیون قطعه از این گونه در مزارع کشور تکثیر شده و در دریا رها می‌شود. عمده صیدی هم که در دریای خزر به منظور تکثیر و توسعه صورت می‌گیرد، قروه برون است و بخش اندکی از صید را اوزون برون و فیل ماهی تشکیل می‌دهد.

*** بخش خصوصی چه میزان سهم از ۱۲۰ مزرعه فعال پرورش ماهیان خاویاری دارد؟**

همه ۱۲۰ مزرعه موجود دست بخش خصوصی است و سازمان شیلات ایران تنها دو مزرعه خاویاری در استان گیلان و دو مزرعه در استان‌های مازندران و گلستان دارد که جدای از ۱۲۰ مزرعه موجود است و وظیفه آنها تکثیر و رهاسازی بچه ماهی خاویاری در دریای خزر و پشتیبانی در تأمین بچه ماهی‌های خاویاری این ۱۲۰ مزرعه است.

طی سال‌های اخیر، با برون‌سپاری‌های صورت گرفته در سازمان شیلات چندین مزرعه مجوز تکثیر بچه ماهی خاویاری گرفته‌اند و از دو سال پیش اقدام به تکثیر و تأمین بچه ماهی خاویاری کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود، تا حدود دو سال آینده تکثیر بچه ماهیان خاویاری نیز

سال ۱۳۹۶ حدود سه تن و ۱۰۰ کیلوگرم خاویار پرورشی در کشور تولید کردیم که یک تن و ۱۰۰ کیلو از آن صادر و ۲ تن آن در داخل کشور مصرف شد. آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۷ تولید خاویار پرورشی کشور از مرز ۵ تن عبور کرد که ارزش تجاری آن بین هفت میلیون و ۵۰۰ هزار یورو تا ۱۰ میلیون یورو می‌شود

از شبکه دولتی خارج شود و تماماً در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد.

*** خاویار صادراتی چقدر در تأمین ارز مورد نیاز کشور نقش دارد؟**

در حال حاضر با توجه به افزایش قیمت ارز، در بازار عمده‌فروشی کشور هر کیلو خاویار بین ۶ تا ۷ میلیون تومان معامله می‌شود و این مبلغ در خرده‌فروشی بین ۱۲ تا ۱۳ میلیون تومان است. قیمت صادراتی این محصول نیز بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ یورو در فصول مختلف سال در نوسان است.

سال ۱۳۹۶ حدود ۳ تن و ۱۰۰ کیلوگرم خاویار پرورشی در مزارع کشور تولید کردیم که یک تن و ۱۰۰ کیلوگرم از آن صادر و دو تن آن در داخل کشور مصرف شد. آمارها نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۷ تولید خاویار پرورشی کشور از مرز پنج تن عبور کرد و به مرز شش تن رسید که ارزش تجاری آن بین ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو تا ۱۰ میلیون یورو می‌شود.

علاوه بر این، در سال گذشته بیش از ۳۰۰۰ تن گوشت ماهیان خاویاری تولید شد که این میزان تولید عمدتاً در داخل کشور مصرف شده و فقط ۱۵۰ تن از آن صادر شده است.

*** پیش‌بینی شما برای توسعه این حوزه تا پایان برنامه ششم چه میزان بوده است؟**

هدف‌گذاری سازمان شیلات برای سال ۱۴۰۴ شمسی تولید، ۱۰۰ تن خاویار و ۱۰۰۰۰ تن گوشت ماهی خاویاری است.

ظرفیت موجود مزارع فعال ما در کشور، حدود ۶۳۰۰ تن گوشت و ۹۵/۲ تن خاویار در سال است. با توجه به بازدهی طولانی ماهیان خاویاری، که بین ۵ تا ۱۰ سال طول می‌کشد، ظرفیت مزارع طی چند سال آینده به ثمر خواهد رسید. در سال ۱۳۹۷ نیز ما شاهد افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی تولید خاویار در کشور بوده‌ایم.

برای دستیابی به چشم‌انداز برنامه‌ای، تاکنون مجوزهای لازم برای تولید ۱۰۷۰۰ تن گوشت و ۱۲۰ تن خاویار صادر شده است که پروانه موافقت اصولی، پروانه تأسیس و بهره‌برداری را شامل می‌شود. بخشی از اینها در ابتدای کار و در حال ساخت‌وساز هستند و هنوز فعال نشده‌اند؛ اما برای ۱۲۰ مزرعه فعال کشور به منظور تولید ۶۳۰۰ تن گوشت و ۹۵/۲ تن خاویار، پروانه بهره‌برداری صادر شده و سالیانه میزان تولید این مزارع رو به افزایش است.

*** وضعیت اقلیمی کشور برای توسعه مزارع پرورشی ماهیان خاویاری در سطح کشور چگونه است؟**

کشور ما کشوری غنی از نظر اقلیم مناسب آب و هوایی است. تا چند سال پیش، نظر غالب در کشور این بود که خاویار مختص سه استان شمالی کشور است؛ اما اکنون همان‌طور که عرض کردم، به دلیل تنوع اقلیمی پراکنده‌شده در کشور امروزه در ۲۱ استان پرورش ماهی خاویاری انجام می‌شود. این وضعیت بیوتکنیک، پرورش ماهیان خاویاری کشور را به طور چشمگیری متحول کرده است؛ برای نمونه اگر ما در استان گیلان سالیانه ۱/۵ کیلو افزایش گوشت ماهی خاویاری را در محیط پرورشی داشته باشیم. در استان خوزستان شاهد افزایش ۳/۵ کیلویی هستیم. در دو سال گذشته، طرح پایلوتی را در شهرستان میناب استان هرمزگان اجرا کردیم که در آن فیل‌ماهی ۲۰ گرمی در فاصله ۲۶ ماه به متوسط ۱۲ کیلوگرم رسید و این یعنی رشد سالیانه ۶ کیلوگرم که در نوع خود رکوردشکنی محسوب می‌شود؛ بنابراین تنوع اقلیمی کشور در توسعه مزارع پرورش ماهیان خاویاری و در توجیه اقتصادی این بخش و قیمت تمام‌شده محصول تأثیرگذار است.

با توجه به اقلیم مناسب جنوب برای پرورش ماهی خاویاری، دو سال پیش کلنگ بزرگ‌ترین مجتمع خصوصی پرورش ماهیان خاویاری کشور را در شهر دزفول به زمین زدیم. این مجتمع ۴۰ مزرعه پرورش ۵۰ تنی دارد که قرار است نزدیک به ۲۰۰۰ تن گوشت در آن تولید شود. مجوزهای لازم برای احداث و راه‌اندازی این مجتمع صادر شده است. از سال جاری نیز ساخت و ساز آن شروع می‌شود که این امر علاقه‌مندی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در این بخش نشان می‌دهد.

*** در زمینه اعطای تسهیلات کم‌بهره برای متقاضیان چه اقداماتی کرده‌اید؟**

دو سال تفاهم‌نامه سه‌جانبه‌ای میان سازمان شیلات، استانداری‌های

کشور ما کشوری غنی از نظر اقلیم مناسب آب و هوایی است. تا چند سال پیش، نظر غالب در کشور این بود که خاویار مختص سه استان شمالی کشور است؛ اما اکنون همان‌طور که عرض کردم، به دلیل تنوع اقلیمی پراکنده‌شده در کشور امروزه در ۲۱ استان پرورش ماهی خاویاری انجام می‌شود

سه استان شمالی و بنیاد مستضعفان امضا شد که بر اساس آن به سرمایه‌گذاران این بخش که طرح‌های تولید ۲۰ تا ۳۰ تن گوشت داشته باشند، تسهیلات ۱۸ درصدی تعلق می‌گیرد. از این میزان بهره بانکی، ۵ درصد را استانداری همه استان، ۵ درصد را بنیاد مستضعفان و ۸ درصد را متقاضی پرداخت می‌کند. یکی از عوامل وجود بیش از ۵۰ درصد مزارع پرورش ماهیان خاویاری کشور در این سه استان، حمایت از سرمایه‌گذاران در این استان‌هاست که برای توسعه این مزارع انجام می‌شود.

به تازگی نیز دولت تسهیلات ویژه‌ای برای طرح‌های آبزی‌پروری در نظر گرفته است. با توجه به کشش زیاد بازارهای داخلی و خارجی برای افزایش تولید محصولات خاویاری، پیش‌بینی ما این است که مطابق برنامه‌ریزی انجام‌شده شاهد رشد فراوان این محصولات طی سال‌های آتی باشیم.

*** میزان اشتغال‌زایی در این حوزه چقدر است؟**

به دلیل به‌کارگیری سطح زیادی از فناوری و دانش روز در حوزه پرورش ماهیان خاویاری، میزان اشتغال مستقیم در این حوزه نسبتاً کم است. ما برای تولید ۱۰۰ تن خاویار و ۱۰۰۰۰ تن گوشت ماهی خاویاری، حدود ۱۵۰۰ اشتغال مستقیم و ۴۵۰۰ اشتغال غیر مستقیم را پیش‌بینی کرده‌ایم؛ اما با توجه به توسعه فناوری در این حوزه نمی‌توانیم میزان ایجاد اشتغال را شاخص مناسبی برای میزان بهره‌وری در این حوزه تعریف کنیم. اگر میزان ارزش ریالی و ارزی حاصل از افزایش تولید را شاخص در نظر بگیریم، متوجه اهمیت این حوزه اقتصادی می‌شویم. به عبارت دیگر، میزان ارزآوری و درآمد اقتصادی حاصل از توسعه پرورش ماهیان خاویاری برای کشور، بسیار بیشتر از میزان اشتغالی است که به وجود می‌آید.

*** به غیر از خاویار خام و گوشت ماهی، چه محصولات دیگری از ماهیان خاویاری به دست می‌آید؟**

از ماهی خاویاری در صنایع گوناگون آرایشی و بهداشتی، صنایع پزشکی، صنایع غذایی و... استفاده و از پوست، کبد و سایر اعضای این آبزی محصولات متنوعی تولید می‌شود. آنچه در دنیا ایران را به یکی از قطب‌های تولید خاویار جهان تبدیل کرده، تولید و صادرات خاویار خام است؛ اما سازمان شیلات در کنار این امر توجهی ویژه نیز به تکمیل زنجیره فرآوری محصولات خاویاری از گوشت، چرم، روغن و سایر اعضای این آبزی دارد؛ اما آنچه امروزه ارزآوری بسیاری در این حوزه برای کشور ایجاد می‌کند، تولید و صادرات خاویار خام است.

سازمان شیلات در حوزه غذای اختصاصی ماهیان خاویاری، چندین کارخانه غذایی را فعال کرده است که در حال حاضر در کشور فعال هستند.

علاوه بر این، مؤسسات و مراکز تحقیقاتی مانند انستیتو تحقیقات بین‌المللی ماهیان خاویاری و مؤسسه تاس ماهیان دریای خزر، از جمله مراکز فعال در زمینه فرآوری و محصولات جانبی ماهیان خاویاری هستند. همچنین شرکت‌های دانش‌بنیانی در کشور داریم که در این زمینه فعالیت دارند. یکی از این شرکت‌ها در زمینه تولید کرم آرایشی از خاویار فعالیت‌های مفیدی داشته و محصول پرطرفدار داخلی تولید کرده است. اقدامات مشابه این، در شرکت‌های دیگر نیز در حال انجام است.

*** چه کشورهایی هدف صادرات ایران در حوزه خاویار هستند؟**

عمدتاً کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی، هدف اول صادرات ما در این بخش هستند. بخش دیگر صادرات ما شامل کشورهای آمریکایی، استرالیا، ژاپن، کره جنوبی، آذربایجان، مسکو و حتی چین است. شاید تعجب کنید چین با اینکه تولید اول جهان را در حوزه خاویار دارد، چگونه از ایران خاویار وارد می‌کند؛ اما واقعیت این است که یکی از بازارهای صادراتی امروز ایران در حوزه خاویار، بازار چین است؛ چون برند خاویار ایران در دنیا مشهور و استقبال جهانی برای آن زیاد است.

شاخص

چقدر بدهی خارجی داریم؟

□ **محمد نوری‌قاضی‌ولویی /** کمبود سرمایه و منابع داخلی برای مدیریت مطلوب اقتصادی، دولت‌ها را مجبور می‌کند تا برای تأمین سرمایه و منابع مورد نیاز خود، به سراغ منابع خارجی بروند. یکی از راه‌های تأمین سرمایه و منابع مورد نیاز کشورها، استقراض از کشورهای دیگر است که از آن به بدهی خارجی تعبیر می‌شود.

بدهی بیانگر تعهد شخص حقیقی یا حقوقی بدهکار به شخص حقیقی یا حقوقی بستانکار است. بدهی دولتی که با عنوان بدهی عمومی یا بدهی ملی شناخته می‌شود، نوعی از قرض است که دولت مرکزی از شرکت‌ها، بانک‌ها، بانک مرکزی، مردم یا دولت‌های خارجی گرفته است.

بدهی‌های خارجی کشور معمولاً وام‌ها و دریافت‌هایی است که عمدتاً بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از طریق منابع خارجی، اعم از خصوصی یا دولتی تأمین می‌کند و به‌طور طبیعی تعهداتی را برای بازپرداخت اصل و سود آن در سررسیدهای مشخص ایجاد می‌نماید. مسئولیت این بدهی نیز با بانک مرکزی است و عمدتاً دریافت و پرداخت از کانال این بانک انجام می‌شود.

با توجه به آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران درباره بدهی خارجی ایران در دولت‌های گذشته، روند پرفراز و نشیبی در این زمینه مشاهده می‌شود. براساس آمارهای رسمی بانک مرکزی، بدهی خارجی کشور در سال ۱۳۷۲ (دولت سازندگی) بیش از ۲۳ میلیارد دلار بود که تا سال ۱۳۷۵ روند نزولی به خود گرفت و در پایان این سال به ۱۷ میلیارد و ۷۲۵ میلیون دلار رسید. آقای هاشمی نیز دولت را با این میزان بدهی خارجی تحویل آقای خاتمی، رئیس‌جمهور بعدی داد.

روند نزولی بدهی خارجی در دولت آقای خاتمی ادامه داشت و در پایان سال ۱۳۷۶ این رقم به ۱۲/۶ میلیارد دلار کاهش یافت و تا سال ۱۳۸۰ به رقم ۷/۲ میلیارد دلار رسید؛ اما از سال ۱۳۸۱ روند بدهی خارجی بار دیگر صعودی شد تا اینکه در پایان سال ۱۳۸۳ با جهش نامتعارفی به بیش از ۲۳ میلیارد و ۷۴ میلیون دلار رسید و خاتمی دولت را با این میزان بدهی تحویل احمدی‌نژاد داد. روند صعودی بدهی خارجی در ابتدای دولت آقای احمدی‌نژاد ادامه داشت و تا پایان سال ۱۳۸۶ این رقم به بیش از ۲۸ میلیارد و ۶۴۷ میلیون دلار رسید؛ اما از سال ۱۳۸۷ نزولی شد تا اینکه در پایان سال ۱۳۹۰ میزان بدهی خارجی به ۱۷ میلیارد و ۳۴۰ میلیون دلار رسید که تا پیش از شروع به کار دولت آقای روحانی به ۶/۶ میلیارد دلار کاهش یافته بود.

بر اساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، میزان بدهی خارجی ایران در پایان شهریور ۱۳۹۷ براساس سررسید اولیه بدهی‌ها، ۱۰ هزار و ۳۱۷ میلیون دلار بود که ۶ هزار و ۸۵۳ میلیون دلار آن، بدهی‌های میان‌مدت و بلندمدت و ۳ هزار و ۴۶۴ میلیون دلار آن بدهی‌های کوتاه‌مدت است. بر اساس، آمار منتشر شده از مرجع قانونی آمار نسبت بدهی‌های خارجی ایران به تولید ناخالص داخلی حدود ۲/۵ درصد است که رقم کمی به شمار می‌رود.

نکته مهم درباره بدهی خارجی این است که تنها کشورهایی که در سطح کلان اقتصادی مدیریت مناسبی دارند، می‌توانند از استقراض خارجی به صورت بهینه استفاده کنند و به رشد اقتصادی دست یابند. نگرانی عمده در زمینه بدهی خارجی این است که دولت‌ها باید در دوره‌های آتی پاسخگوی اصل و سود این بدهی‌ها باشند و اگر این منابع به درستی مدیریت نشود و در زمینه‌های مناسبی به کار نرود نه تنها در آینده موجبات رشد اقتصادی را فراهم نمی‌کند، بلکه مانعی برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

اقتصاد جهان

«اقتصاد» سومین جنگ آمریکا علیه کشورها

□ **رضا زمانی /** هنگامی که انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اوج گرفت و به پیروزی رسید، نفرتی عمیق از دولت ایالات متحده آمریکا در ایران موج می‌زد؛ زیرا دولت آمریکا تا آخرین لحظات حیات رژیم پهلوی آن را تأیید و از آن حمایت می‌کرد. به این ترتیب آشکار بود که احساسات ضد آمریکایی در ایران، چه نزد نخبگان سیاسی و چه نزد افکار عمومی عمیق و گسترده است.

آمریکا از این پس در پی این بود تا طی سه مرحله، موجب تضعیف و در نهایت نابود کردن کشوری شود که به تازگی با اندیشه و همتی نو و مضاعف، در حال بازسازی و شکل‌گیری زیرساخت‌های مادی و معنوی خود بود.

این سه مرحله عبارتند از: جنگ‌های نظامی، فرهنگی(نرم) و اقتصادی.

اولین مورد جنگ نظامی است که هنگام حمله عراق به ایران کمک‌های گوناگونی را برای جلوگیری از صدور انقلاب سال ۱۳۵۷ و شکست نخوردن صدام‌حسین در مقابل جمهوری اسلامی ایران به این کشور کرده بود. این کمک‌ها اطلاعات ماهواره‌ای و تسلیحاتی به عراق علیه نیروهای ایرانی را شامل می‌شد. در نهایت در آخرین سال جنگ، نیروی دریایی آمریکا در خلیج‌فارس به منظور حفاظت از منافع خود و کشورهای دیگر عملاً به نفع عراق وارد جنگ شد.

دومین مورد جنگ نرم است. یکی از مسائلی که باید به آن توجه داشت این است که آمریکایی‌ها هیچ گاه یکی از گزینه‌های خود را علیه ایران از روی میز بر نداشته‌اند و بر نمی‌دارند و آن جنگ نرم برای ایجاد دلبستگی‌هایی در محیط اجتماعی و فرهنگی ایران و در نهایت تغییراتی در سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی خانواده‌های‌مان است.

رهبر معظم انقلاب درباره اهداف دشمن از جنگ نرم بیان می‌کنند:

«در جنگ نرم، همان اهداف جنگ سخت دنبال می‌شود؛ اما به صورتی فراگیرتر و عمیق‌تر. جنگ نرم برخلاف جنگ سخت، آشکار، قابل فهم و ملموس نیست. جنگ نرم، انگیزه‌های مقابله را از بین می‌برد و زمینه‌ساز ایجاد اختلاف نیز می‌شود. در موضوع ایران، هدف اصلی از این جنگ نرم فکرشده و حساب‌شده، استحاله جمهوری اسلامی ایران و تغییر باطن و سیرت، با حفظ صورت و ظاهر آن است.»

سومین و مهم‌ترین جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی جنگ اقتصادی است. «خوان زاراته» معاون سابق خزانه‌داری آمریکا در کتاب معروف خود «جنگ خزانه‌داری» درباره اهمیت استفاده از داده‌های مالی در جنگ اقتصادی آمریکا می‌گوید: «آمریکا در دهه گذشته شیوه جدیدی از جنگ مالی را اتخاذ کرده است که کارایی، دسترسی و اثرگذاری آن بی‌سابقه است.»

زاراته این شیوه از جنگ را جنگ پنهان می‌نامد و ادامه می‌دهد: «این نوع از جنگ اغلب توسط کشورها دست کم گرفته شده است یا درک نشده است؛ اما این بحث، دیگر برای آمریکا مسئله محرمانه‌ای نیست و جزء یکی از مهم‌ترین موارد دکترین امنیت ملی آمریکا قلمداد می‌شود.»

در این فاز، دشمن تلاش می‌کند با اخلال در نظام اقتصادی کشور، مردم را خشمگین و عصبانی کند و با افزایش هزینه‌های روزمره زندگی و معیشت، این ذهنیت را در میان افکار عمومی القا کند که نظام حاکمیتی آنها، ناکارآمد و بی‌کفایت است. به تبع آن هرچه این ذهنیت تلقین شود، اندیشه ضرورت تغییر نظام نیز بیشتر می‌شود.

پرونده
www.sobhesadeghweekly.ir
۶
صبح صادق
دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸ | سال نوزدهم | شماره ۸۹۵

پرونده ای برای بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای

۱ مردد نشدن مسئولان مبارزه با فساد بر اثر مخالفت‌ها

به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است.

۲ تبیین وابستگی امنیت فضای اقتصادی به مبارزه با فساد

این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند.

۳ سپردن مبارزه با فساد به افراد مطمئن، سالم و امانتدار

دستی که می‌خواهد با ناپاکی دربیفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند، باید برخوردار از صلاح باشند.

۴ قاطعیت در ضربه عدالت در عین دقت و ظرافت

متهم کردن بی‌گناهان، یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست.

۵ شناسایی نقاط آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور

بخش‌های نظارتی در سه قوه باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند.

۶ عمل وزارت اطلاعات به وظایف قانونی خود

وزارت اطلاعات موظف است در چارچوب وظایف قانونی خود نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی کلان و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد.

۷ پرهیز از تبعیض در امر مبارزه با فساد

هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد.

۸ پرهیز از رفتار شعاری، تبلیغاتی و تظاهرگونه

به جای تبلیغات باید برکات عمل مشهور گردد. هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی باید به دور از اظهارات تبلیغات‌گونه باشد.

کلاسه‌های فساد

سیری در مهم‌ترین پرونده‌های مبارزه با فساد پس از پیروزی انقلاب

■ موضوع : اغتشاش در بازار مسلمین و تعطیل کردن آن، کوشش برای بی‌اعتبار کردن نظام اسلامی/ متهمان: کریم دستمالچی و احمد جواهریان/ زمان افشا: ۱۳۵۸/ رأی صادره: اعدام

■ موضوع : فساد اقتصادی و جرایم امنیتی و سیاسی، جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی / متهم: حبیب‌الله القانیان، بنیانگذار شرکت پلاسکو/ زمان افشا: ۱۳۵۸/ رأی صادره: اعدام

■ موضوع : تقلب و فساد مالی در زمینه پرداخت سودهای کلان / متهم: تبانی، رئیس بانک تجارت شعبه زرتشت با شرکت «سحر و الیکا»/ زمان افشا: ۱۳۶۸/ رأی صادره: شلاق، حبس، ردّ مال، انفصال دائمی از خدمت

■ موضوع : اختلاس از بانک صادرات/ متهمان: فاضل خداداد و مرتضی رفیقدوست/ رقم اعلام شده: ۱۲۳ میلیارد تومان/ زمان افشا: ۱۳۷۱/ رئیس دادگاه: غلامحسین محسنی‌اژه‌ای / رأی صادره: فاضل خداداد اعدام؛ مرتضی رفیقدوست محکوم به حبس ابد، عفو در سال ۱۳۸۲

■ موضوع : فساد در شهرداری تهران/ متهم: غلامحسین کرباسچی/ زمان افشا: ۱۳۷۷/ رئیس دادگاه: غلامحسین محسنی‌اژه‌ای/ رأی صادره: سه سال حبس و ۱۰ سال محرومیت از مشاغل دولتی و جزای نقدی

■ موضوع : جعل، رشوه، فساد مالی، تحصیل مال از طریق نامشروع، معافیت از سربازی به صورت متقلبانه، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، تصرف غیرمجاز در اموال و وجوه توقیف شده، فرار از زندان و خروج غیر مجاز از کشور/ متهم: شهرام جزایری/ رقم اعلام شده: ۴ میلیارد تومان/ زمان افشا: ۱۳۸۱ / رأی صادره: ۱۱ سال زندان که به علت فرار دو سال اضافه شد

■ موضوع : واردات، فروش و قاچاق شکر ، کسب مال از طریق نامشروع، فروش مال غیر، اخذ وام و تسهیلات از بانک‌ها و هزینه کردن در امور غیر مربوط/ متهم: محمدرضا یوسفی(سلطان شکر)/زمان افشا: ۱۳۸۴/ رئیس دادگاه: قاضی همتیار/ رأی صادره: ۲۶ سال حبس تعزیری و ۷۳ میلیارد تومان جریمه نقدی(سلطان شکر از ۲۵ اسفند به مرخصی رفته و بازنگشته و سرنوشت این مفسد اقتصادی تا به امروز در هاله‌ای از ابهام است.)

■ موضوع : اختلاس، ارتشا(استات اویل) و مباحث امنیتی/ متهم: مهدی هاشمی‌رفسنجانی/ زمان افشا: ۱۳۸۸ رئیس دادگاه: محمد مقیسه/ رأی صادره: ۲۵ سال حبس که ۱۰ سال آن اجرا می‌شود

■ موضوع : فساد مالی گروه موسوم به «آریا»/ متهمان: مه‌آفرید امیرخسروی، سیدمحمد جهرمی، وزیر پیشین کار در دولت نهم و مدیرعامل اسبق بانک صادرات و محمودرضا خاوری، مدیرعامل وقت بانک ملی/ رقم اعلام شده: ۳ هزار میلیارد تومان/ زمان افشا: ۱۳۹۰/ رئیس دادگاه: قاضی ناصر سراج/ رأی صادره: مه‌آفرید در سال ۱۳۹۳ اعدام شد. محمد جهرمی به پرداخت ۸ میلیون تومان محکوم شد و خاوری، مدیرعامل وقت بانک ملی به کانادا گریخت.

■ موضوع : ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، افساد فی‌الارض/ متهم: حمیدرضا باقری درمنی(سلطان قیر)/ رقم اعلام شده: ۱۱۰۰ میلیارد/ زمان افشا: ۱۳۹۰/ رئیس دادگاه: ابوالقاسم صلواتی/ رأی صادره: اعدام

■ موضوع : فساد مالی، رشوه، تبانی، سوءاستفاده از موقعیت شغلی/ متهم: سعید مرتضوی، دادستان اسبق تهران، رئیس سازمان تأمین اجتماعی/ رقم اعلام شده: بیش از ۳ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان/ زمان افشا: ۱۳۹۱/ رأی صادره: تحمل کیفر در اوین

■ موضوع :اختلاس از بیمه/ متهم: محمد رضا رحیمی، معاون اول دولت دهم/ سال افشا:۱۳۹۱/ حکم: به ۵ سال و ۹۱ روز حبس و پرداخت ۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان رد مال و ۱ میلیارد تومان جزای نقدی محکوم شد و یک ماه بعد توسط مأموران پلیس به زندان منتقل شد.

■ موضوع : اخلال عمده و کلان در نظام اقتصادی کشور، اخلال در نظام توزیع ارز/ متهم: رضا حمزه‌لو/ رقم اعلام شده: ۶ میلیارد و ۶۵۶ میلیون یورو و تحصیل مال به مبلغ ۳۱۸ میلیارد و ۶۳۷ میلیون و ۲۷۵ ریال/ زمان افشا: ۱۳۹۲/ رئیس دادگاه: اسدالله مسعودی/ رأی صادره: در انتظار اعلام حکم

■ موضوع : گم شدن دکل نفتی «فورچونا»/ متهمان: مراد شیرانی، نفیسه محمودی، عمر، طاهری، رضا مصطفوی‌طباطبایی و مهدی محمودی متهمان آن هستند/ رقم اعلام شده: ۸۷ میلیون دلار/ زمان افشا: ۱۳۹۴/ رئیس دادگاه: قاضی فضلعلی/ رأی صادره: حبس و انفصال از خدمت

■ موضوع : اختلاس، ارتشا و مباحث امنیتی(بانک سرمایه)/ متهم: حسین هدایتی/ رقم اعلام‌شده: دوهزار میلیارد تومان/ زمان افشا: ۱۳۹۵/ رئیس دادگاه: قاضی مسعودی‌مقام/ رأی صادره: در انتظار اعلام حکم

■ موضوع : مؤسسات اعتباری البرز ایرانیان، آرمان، ولی‌عصر و فردوسی، جعل امضا، کلاهبرداری و خیانت در امانت، صدور اوراق ضمانت‌نامه‌های جعلی/ متهمان: امیرحسین آزاد، حسن قریانی، مهدی بهرامی حسن‌آبادی / زمان افشا: ۱۳۹۵/ رئیس دادگاه: ابوالقاسم صلواتی / رأی صادره: در انتظار اعلام حکم

■ موضوع: فساد نفتی و باز نگرداندن بیش از ۲ میلیارد یورو حاصل از فروش نفت در ایام تحریم/ متهمان: بابک زنجانی، حمید فلاح هروی و مهدی شمس/ زمان افشا:۱۳۹۵/ رئیس دادگاه: قاضی صلواتی/ رأی صادره: اعدام زنجانی و ۲۰ سال حبس برای سایر متهمان

■ موضوع : اخلال در بازار ارز، جعل پروفرم/ متهمان: قربانعلی فرحزاد و علیرضا عامری/ رقم اعلام‌شده: ۴۴۶ میلیون و ۵ هزار و ۳۳۲ دلار/ زمان افشا: ۱۳۹۵/ رئیس دادگاه: قاضی موحد/ رأی صادره: ۲۰ سال حبس، پرداخت جزای نقدی و ضبط ارزهای مکشوفه

■ موضوع : ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، افساد فی‌الارض/ متهم: حمید بقایی، معاون اجرایی دولت دهم/ رقم اعلام‌شده: بدهی ۱۱۰۰ میلیارد/ زمان افشا: ۱۳۹۶/ رئیس دادگاه: قاضی حیدری/ رأی صادره: ۱۵ سال زندان و رد مال بیش از ۴۰ میلیارد تومان

■ موضوع : فسادهای اقتصادی، افساد فی‌الارض از طریق تشکیل شبکه فساد، اخلال در نظام اقتصادی و ارزی و پولی کشور (سلطان سکه)/ متهمان: محمدرضا مظلومین و فرزندش/ رقم اعلام‌شده: ۱۴هزار میلیارد تومان/ زمان افشا: ۱۳۹۷/ رئیس دادگاه: احمد زرگر/ رأی صادره: محکوم به اعدام شدند

■ پرونده‌های متهمان به فساد در بانک سرمایه(علی بخشایش، پرویز کاظمی و ...)، شرکت‌های پتروشیمی (مرجان شیخ الاسلامی آل‌آقا و ...)، پرونده موسوم به شهرداری تهران (عیسی شریفی)،حسین فریدون و ... در محاکم قضایی در حال رسیدگی است.

دکتر احمد توکلی رئیس «دیده‌بان شفافیت و عدالت» در گفت‌وگو با صبح صادق

مبارزه علنی و شدید با فساد بازدارنده است

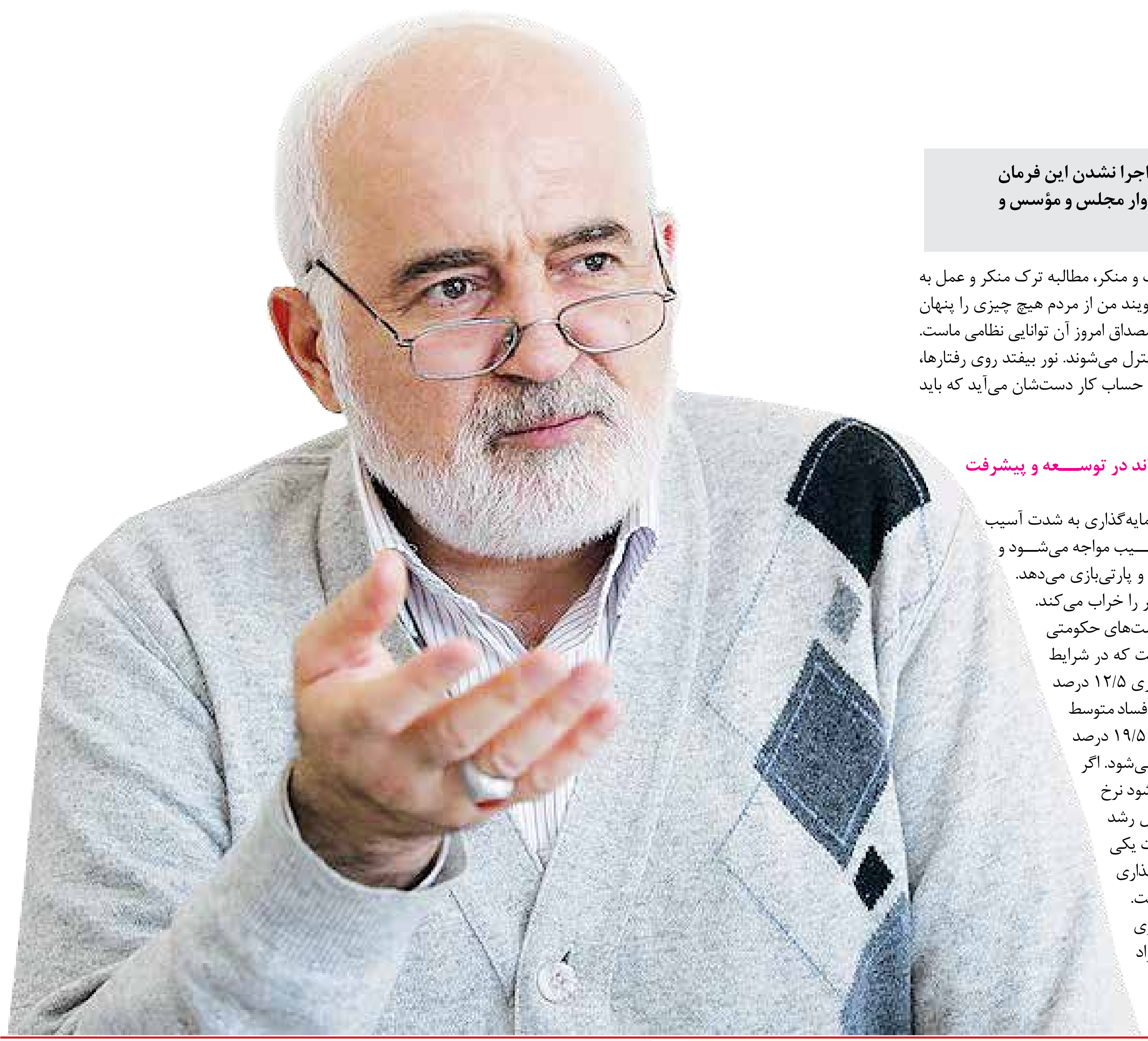

□ علیرضا جلالیان/ اگرچه فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به سران سه قوه برای مبارزه با فساد هجده سال(۱۳۸۰/۲/۱۰) پیش صادر شد، انگار هنوز فرمانی بر روی زمین مانده محسوب می‌شود و بسیاری از خلل‌ها و ناکارآمدی‌ها هم ناشی از اجرا نشدن این فرمان است. بر این اساس، بر آن شدیم برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع به سراغ کسی برویم که در سال‌های اخیر در قالب مؤسسه «دیده‌بان شفافیت و عدالت» یکی از افرادی است که در مقابله با مفاسد اقتصادی در کشور فعال است. دکتر احمد توکلی، نماینده ادوار مجلس و مؤسس و رئیس هیئت‌مدیره این مؤسسه است. وی در گفت‌وگو با صبح صادق درباره کم و کیف مفاسد اقتصادی و مبارزه با آن در جمهوری اسلامی می‌گوید.

*** مستحضر هستید که از صدور فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب نزدیک به دو دهه می‌گذرد. برای مبارزه با فساد در این مدت چه کارهایی انجام شده و چه کارهایی هنوز باقی مانده است؟**

متأسفانه این فرمان مهم جدی گرفته نشده. در حالی که این فرمان با واضح‌ترین الفاظ و جملات نوشته شده است. متأسفانه مسئولان گوش نکردند و هر کس با عذر و بهانه‌ای از زیر کار در رفته است. وقتی فرمان ایشان در این حد جدی است که می‌فرمایند اگر حتی در دفتر من کسی خلاف کرد باید تعقیب شود، تا حساب دست مسئولان بیاید؛ اما این اتفاق نیفتاد؛ یعنی حرف ایشان روی زمین مانده است. پیغمبر خدا هم اگر مردم به حرفش گوش نکنند، همین می‌شود و اصلاحی در امت خود نمی‌تواند پدید بیاورد. شما دیدید که آقا گله کردند از آقای جهانگیری در پاسخ به نامه‌ای که او درباره همایش مبارزه با فساد داده بود. ایشان گله کردند که با این همایش‌ها و نامه‌ها، اگر قرار بود مبارزه با فساد حل شود تا به حال حل شده بود. باید در صحنه عملی اقدام کرد.

*** سؤالی پیش می‌آید و آن اینکه آیا فساد در کشور ناشی از ساختارها و سیستم‌هاست؟ یعنی برای مبارزه با فساد باید به سراغ اصلاح ساختارها رفت؟**

قطعاً همین‌طور است؛ اما تأکید جدی بر اصلاح ساختارها، امروز مفری شده برای در رفتن از برخورد با مفسدان. تعبیری است که اگر دستگاه‌های مسئول مبارزه با فساد خودشان درگیر فساد شوند، آن موقع فساد سیستماتیک می‌شود. وقتی دستگاه‌های مبارزه با فساد خودشان به این فساد دچار شوند، نمی‌توانند به وظایف خود خوب عمل کنند. آن وقت مفسدها چون سازمان‌یافته هستند، جلوی اصلاح ساختار را هم می‌گیرند. مجلس، که یکی از نقاط مهم نظارت بر سلامت است و قدرت هم دارد، وقتی ثروتمندان در آن نفوذ می‌کنند و در کمیسیون‌ها نفوذ دارند، یا آدم‌های فاسد در مجلس راه پیدا می‌کنند و عضو کمیسیون می‌شوند و مفسدان به راحتی به کمیسیون‌های مجلس رفت‌وآمد می‌کنند، نباید توقع داشت که قانون‌گذاری مبارزه با فساد به خوبی پیش برود. در مجلس نهم یکی از مسائلی که قصد داشتیم تصویب شود، بحث مالیات بر عایدی سرمایه و سوداگری ملک و مستغلات بود. کسی که سرمایه‌اش را می‌آورد خانه بسازد و بفروشد ایرادی ندارد. کسی که می‌خرد، اجاره بدهد هم اشکال ندارد. عده‌ای می‌خرند که نگه دارند تا گران شود و با تقاضای کاذب قیمت‌ها را بالا می‌برند و می‌فروشند. این نتیجه‌ای است که دنیا به آن رسیده که باید از این افراد مالیات گرفت تا انگیزه این سوداگری که سم مهلک تولید و اقتصاد است زیاد نشود و صرفاً درآمد دولت مطرح نیست. در کشورهای اروپایی تا ۳۵ درصد این مالیات گرفته می‌شود که بالاترین حجم مالیات است.

این طرح در کمیسیون مطرح شد و متأسفانه چون نفوذ در آن وجود داشت، برخی اعضا مشکل داشتند و در دولت آقای روحانی هم الآن مسئولیت دارند. به خاطر روابط خود نگذاشتند این تصویب شود. از آن طرف، وزیر مسکن آقای آخوندی به آقای لاریجانی نامه‌ای نوشت و ادعا کرد این کار تورم ایجاد می‌کند. در حالیکه ما معتقد بودیم این قانون، قانونی ضد تورمی هم است.

*** اشاره کردید که ریشه فساد در اتصال کانون‌های ثروت به کانون‌های قدرت است؛ یعنی مبارزه با مفاسد مقابله با این اتصال است؟**

راهکار من ترکیبی است، نسخه تک‌دارویی نیست؛ یعنی باید به طور موازی هم ساختارها و هم قوانین و مقررات اصلاح شود و هم فاسدها را به شدت تعقیب کنند. اگر می‌خواهید کار بزرگی را شروع کنید باید از برخورد با مفسدها شروع کرد.

*** در بحث فساد مطرح می‌شود که ویژگی‌های فردی و اجتماعی مردم هم مؤثر است؛ مثل قبول اینکه باید رشوه داد تا کار راه بیفتد و از این دست مسائل.**

این مسئله در جهان سوم رایج بوده است. حتی در پنجاه سال پیش مطرح می‌کردند که فساد جزو جدایی‌ناپذیر جوامع جهان سوم است و ناگزیر هم است؛ یعنی می‌گفتند این باید باشد تا چرخ‌های اقتصاد در این کشورها راه بیفتد؛ البته این حرف دیگر کهنه شده است. این فقط روحیات ایرانی‌ها نبوده. روحیات همه همین‌طور است. زمانی که مبارزه با فساد در کشورها پرهزینه شود، مردم ترجیح می‌دهند با فساد کنار بیایند. یکی از عوارض فسادهای سیستمی این است که مردم به شکل مسالمت‌آمیزی با فساد کنار بیایند، با کم‌هزینه‌ترین نوع فساد کار خود را حل کنند، از مبارزه با فساد کنار بکشند و منافع خود را حداکثر و هزینه خودشان را حداقل کنند؛ بنابراین مثلاً رشوه می‌دهند. ملامت هم که کنید به آن اعتنا نمی‌کنند؛ چون مثلاً فردی که بدون دریافت رشوه کار را درست انجام نمی‌دهد، برای انجام شدن کار باید این بشود؛ پس افراد ترجیح می‌دهند خطر کوچک‌تر را در مقابل خطر بزرگ‌تر بپذیرند و رشوه بدهند. یکی از عوارض فساد سیستمی این است که حکومت و دستگاه‌های حاکمیتی وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند و سیستم کُند می‌شود و مردم احساس می‌کنند باید به شیوه دیگری کار خود را راه بیندازند. آنها خودشان تلاش می‌کنند هزینه خود را در برابر فساد به حداقل برسانند؛ پس کنار می‌آیند؛ اما با حداقل هزینه. این فقط به روحیه مربوط نیست.

*** به نظر می‌رسد یکی از مسائلی که خیلی می‌تواند به مبارزه با مفاسد کمک کند شفافیت است. در این باره توضیح می‌فرمایید.**

اسلام اصرار دارد که حکومت مردمی باشد و مردمی باقی بماند. همچنین بیان می‌کند که فرمان را به دست مردم و به آنها اختیار دهند تا از مسئولان حکومت مراقبت کنند. مخاطب اصلی امر به معروف و نهی از منکر حکومت و مردم است. امام حسین(ع) هم رسالت خود را در این راستا تعریف و قیام می‌کنند. اگر نهی از منکر عمومی باشد فساد اتفاق نمی‌افتد. شفافیت در واقع به این امر کمک می‌کند. هر حکومتی برای حفاظت از خودش سیستم‌های اطلاعاتی را ایجاد می‌کند و بازرسی‌های گوناگونی دارد. سازمان‌های بازرسی و نظارتی لازمند؛ اما کافی نیستند و همان امیرالمؤمنینی که برای مبارزه با فسادهای حکومت، مأموران مخفی از افراد مطمئن گذاشته بود، به مردم می‌گوید امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؛ چون در مأمور حکومتی می‌شود نفوذ کرد و او را از کارایی انداخت؛ اما در مردم این امکان نیست. دانش بشری در غرب به این نتیجه رسیده که نقش مردم مهم است و حتی برای مبارزه با فساد جایزه می‌گذارند که انگیزه بیشتر شود. ترک امر به معروف و نهی از منکر سبب می‌شود اشرار بر سر کار بیایند. زمانی که به این باور برسیم که اگر مراقب نباشیم اشرار حاکم می‌شوند، این امر را جدی می‌گیریم. حال با در نظر گرفتن این مسئله که امر به معروف و نهی از منکر واجب است، برای اینکه مردم بتوانند امر به معروف و نهی از منکر کنند، باید اطلاعات به مردم برسد. این مقدمه واجب است و شفافیت اینجا موضوعیت پیدا می‌کند. شفافیت به این معناست که مشخص باشد مسئولی در حوزه مسئولیت خود چه کرده، دقیق دسترسی به این اطلاعات داشته باشند و خود مردم بتوانند بر اساس شناخت خود از معروف و منکر، مطالبه ترک منکر و عمل به معروف را داشته باشند. امیرالمؤمنین نیز می‌گویند من از مردم هیچ چیزی را پنهان نکنم، الا در مسئله جنگ و مسائل امنیتی که مصداق امروز آن توانایی نظامی ماست. شفافیت یعنی اینکه همه با دوربین مردم کنترل می‌شوند. نور بیفتد روی رفتارها، تصمیم‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های مسئولان، حساب کار دستشان می‌آید که باید احتیاط کنند و فساد نکنند.

*** مبارزه با مفاسد تا چه حد می‌تواند در توسعه و پیشرفت اقتصادی مؤثر باشد؟**

به طور کلی در شرایط فساد، تولید و سرمایه‌گذاری به شدت آسیب می‌بینند. فرهنگ کار و تلاش و عدالت نیز با آسیب مواجه می‌شود و شایسته‌سالاری جای خود را به آشناسالاری و پارتی‌بازی می‌دهد. فرد ناشایست وقتی بر کاری گمارده شد، کار را خراب می‌کند. یکی از جلوه‌های مهم فساد، فساد در تقسیم پست‌های حکومتی است. تعریف بانک جهانی در این مورد این است که در شرایط فساد زیاد و غیر قابل محاسبه، نرخ سرمایه‌گذاری ۱۲/۵ درصد می‌شود و در نتیجه نرخ رشد کاهش می‌یابد. اگر فساد متوسط و غیر قابل محاسبه باشد نرخ سرمایه‌گذاری به ۱۹/۵ درصد می‌رسد و رشد بالاتر می‌رود و اشتغال زیاد می‌شود. اگر فساد کم و قابل پیشگیری باشد سبب می‌شود نرخ سرمایه‌گذاری ۲۸ درصد شود و تولید و اشتغال رشد پیدا کند؛ یعنی امسال که سال رونق تولید است یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها برای رونق تولید، سرمایه‌گذاری و به دنبال آن مبارزه شدید و علنی با فساد است. فساد هزینه‌ها را زیاد می‌کند و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. همچنین نرخ رشد را کم و افراد را بزن در رو می‌کند. انگیزه کار و فرهنگ کار را نیز از بین می‌برد.

پیامدهای فساد اقتصادی بر توسعه و پیشرفت کشور

□ علی قاسمی/ در ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۰، رهبر معظم انقلاب فرمان مهمی را در هشت بند در زمینه مبارزه همه‌جانبه و سازمان‌یافته با مفاسد مالی و اقتصادی، خطاب به سران قوا صادر کردند. سران قوا هم به پیوست این فرمان «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی» را تشکیل دادند و هر از گاهی برای پیگیری منویات معظم‌له در طول ۱۸ سال جلساتی به فراخور ترتیب داده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد عملکردها در این بخش به هیچ وجه رضایت‌بخش نبوده و مطالبه‌گری‌ها روز به روز رو به تزاید است که باید برای اعتمادسازی اقدامات جدی صورت بگیرد.

فساد معضلی جهانی

موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی یکی از موضوعات مهم و کلیدی و در عین حال بحث‌برانگیز جامعه جهانی در وضعیت کنونی محسوب می‌شود. با اینکه در سطح جهان شیوه‌های متنوعی برای کاهش فساد صورت گرفته، اما شاخصه‌های جهانی نشان‌دهنده بالا بودن میزان فساد است. طبق اعلام سازمان ملل، سالیانه هزار میلیارد رشوه در جهان پرداخت می‌شود و حدود ۲/۶ هزار میلیارد دلار از طریق فساد اداری به سرقت می‌رود که این مبلغ معادل بیش از پنج درصد از تولید ناخالص داخلی در دنیاست.

سازمان شفافیت بین‌الملل، با استفاده از شاخص «درک فساد»، کشورها را برحسب میزان درک فساد موجود رتبه‌بندی می‌کند. شاخص میزان فساد موجود در بخش دولتی ۱۸۰ کشور جهان طبق داده‌های سال ۲۰۱۷ که دانشگاه پاساو در آلمان محاسبه کرده، نشان می‌دهد امتیاز بیش از دوسوم کشورها در این شاخص، پایین‌تر از ۵۰ است و میانگین کل امتیاز کشورها ۴۳ است. مقایسه داده‌های سال ۲۰۱۷ با سال‌های گذشته نشان می‌دهد، بیشتر کشورها پیشرفتی در ارتقای امتیاز خود در شاخص درک فساد یا به عبارت دیگر در کاهش فساد نداشته‌اند. این مسئله آنقدر جدی شده است که نهم دسامبر، روز جهانی «مبارزه با فساد» نام گرفته و طبق تعریف بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل هرگونه سوءاستفاده از اختیارات دولتی به منظور کسب منافع شخصی و خصوصی، «فساد» نام دارد. پس از روشن شدن وجود فساد در سطوح کشورهای گوناگون، سؤال اساسی این است که وجود فساد چه آثار و پیامدهای زیانباری برای اقتصاد دارد؟ سؤال بعدی در این حوزه این است که برای برون‌رفت و کاهش آثار آن چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته ضرورت دارد که کشور ما به دلیل ساختار اسلامی و نگاه ارزشی و آرمانی که دارد، مبارزه با فساد بالنسبه نسبت به سایر بلاد باید فعال‌تر باشد؛ زیرا سلامت اقتصادی و عدم وقوع فساد در ادیان آسمانی به ویژه دین اسلام همواره مورد تأکید قرار گرفته است.

حضرت علی(ع) با اختلاس‌کنندگان مقابله جدّی می‌کردند. ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر سفارش فرمودند: «از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان به خیانت دست زد و گزارش مأموران آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس گیر، پس او را خوار دار و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.»(نامه ۵۳)

آثار و پیامدهای مفاسد اقتصادی

از یک بعد فساد به سه دسته فساد اقتصادی، فساد اداری و فساد فرهنگی قابل تقسیم است؛ اما از آنجا که بیشتر فساد بر روی اقتصاد تمرکز یافته و اقتصاد هم از ارکان اساسی یک جامعه محسوب می‌شود، در صورت تزلزل آن، مهم‌ترین مسائل پیش روی پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورها دچار انحراف و اخلال می‌شود؛ از یک سو زمینه‌های بروز نظام طبقاتی فراهم می‌شود و از دیگر سو مسائلی همچون ربا، تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه دامن زده می‌شود. حال اگر تدبیری حکیمانه و مدبرانه برای آن اندیشیده نشود، آثار سوء و زیانباری در حوزه‌های سیاسی مانند کاهش مشروعیت حکومت و قانون، کاهش مشارکت سیاسی مردم، تهدید همبستگی ملی و تبعات اقتصادی از قبیل هدررفت منابع عمومی و ملی، آسیب‌پذیری اعتبار دولت و نظام و کاهش سرمایه‌گذاری را خواهد داشت.

اقدامات بنیادی در مبارزه با مفاسد

در موضوع زیرساختی باید سه اقدام اساسی برای جلوگیری از فساد صورت بگیرد؛ اول از همه تشریفات زائد اداری حذف شود، زیرا همبستگی بسیار بالایی بین وقوع فساد و میزان تشریفات زائد وجود دارد. برای نمونه، برای تأسیس یک شرکت، ثبت دارایی‌ها، شرکت در تجارت بین‌المللی و مجموعه‌ای از سایر گواهینامه‌ها و مجوزها لازم است. در فرایند دریافت این مجوزها چون ارتباط فرد متقاضی با سازمان انجام می‌شود، برای تسریع در کارها یا اغماض از برخی مقررات یک سری خلاف‌هایی مانند ارتشا صورت می‌گیرد که برای برون‌رفت از این وضعیت دولت‌ها باید در فکر حذف مقررات زائد باشند.

دومین جایی که بیشترین تخلف و فساد صورت می‌گیرد، موضوع یارانه‌ها به ویژه انرژی است. جایگزین کردن یارانه‌ها با انتقال هدفمند و پول نقد ایده برتر جامعه جهانی است. یارانه‌های غیر هدفمند در کل جهان دولت‌ها را معمولاً در معرض طرح‌های مولد فساد قرار می‌دهد. طبق یک تحقیق، یارانه‌های انرژی به ۱/۹ تریلیون دلار در سال می‌رسد که برابر با ۲/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان یا ۸ درصد از درآمدهای دولت‌هاست. این یارانه‌ها بسیار بد توزیع می‌شوند، به گونه‌ای که درباره بنزین بیش از ۶۰ درصد از سود کل به ۲۰ درصد ثروتمندترین خانواده‌ها می‌رسد. یارانه‌ها معمولاً موجب قاچاق، کمبود و ظهور بازارهای سیاه می‌شود. بسیاری از کارشناسان جهانی بر این باورند که بهتر است با انتقالات هدفمند پول نقد جایگزین شود. از آنجا که ایران هم ۱۵ درصد یارانه جهان را به صورت غیر هدفمند توزیع می‌کند، در طول یک سال گذشته با نرخ‌های دولتی همان ۴۲۰۰ تومانی میلیاردها دلار با این روش برای تأمین کالاهای اساسی توزیع کرد؛ ولی جز فساد و رانت چیزی عاید دولت و ملت نشد.

سومین ایده در این بخش به‌کارگیری ابزارهای نوین است؛ چون یکی از مستعدترین منابع فساد در جهان با فعالیت‌های خرید دولت مرتبط است. خرید کالاها و خدمات از سوی دولت می‌تواند بیش از اندازه زیاد و در بیشتر کشورها بین ۵ تا ۱۰ درصد از تولید ناخالص ملی باشد. استفاده از فناوری‌های موجود، مانند اینترنت برای کاهش فساد در زمینه جمع‌آوری مالیات، تدارکات عمومی و تشریفات زائد ابزاری مؤثر بوده و هست. یکی از نمونه‌های موفق در بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند کشور شیلی است که رتبه یک شفافیت را در جهان به دست آورده است.

علاوه بر اینها، اصلاح در پرداخت حقوق کارمندان دولت روشی است که می‌تواند در فسادزدایی نقش بسزایی داشته باشد. اینکه کارمندان دولت حقوق پایینی داشته باشند، بر انگیزه‌های آنها در ارتکاب به فساد تأثیر مستقیم خواهد داشت. اگر حقوق‌های بخش خصوصی هم پایین باشد، کارمندان خودشان را تحت فشار می‌بینند تا هزینه‌های زندگی‌شان را از طریق غیرقانونی کسب کنند. ایجاد بانک ملی اطلاعات مناقصات، ایجاد بستر فرهنگی و اجتماعی لازم برای تحقق نظارت عمومی در دستگاه‌های اداری و اجرایی کشور با عنایت به اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح فرایندها و ساختارهای فسادزا و... اقدامات مهمی است که باید در دستور کار قرار گیرد.

عدالت‌خواهان بدلی

□ مهدی سعیدی/ نهضت عدالت‌خواهی در مکتب تشیع علوی در عالی‌ترین سطح خود تجلی یافته است؛ مکتبی که تحقق عدالت را از طریق سپردن امور جامعه به دست شایستگان و صالحان و متقین دنبال می‌کند و در دوران غیبت حجت الهی این امر را در قامت فقیه صاحب عدالت و درایت می‌یابد. این الگو توانسته است پس از چندین قرن، بر نظام طاغوت زمانه فایق آید و به برکت مجاهدت ملت، حکومت اسلامی را با شعار اقامه عدالت بپا دارد و در مسیر تحقق عینی عدالت با همه مصائب و مشکلات پیش رو قدم بردارد.

بدون شک، نظام جمهوری اسلامی عاری از کاستی‌ها و ناتوانی‌ها و ناکارآمدی‌ها نیست و اقامه عدل علوی نیز دشوارترین کارهاست که هزاران لانه فساد در برابر آن صف‌آرایی کرده‌اند؛ بنابراین تا تحقق عدالت مطلوب فرسنگ‌ها فاصله است و انقلاب برای این تحقق باید همچنان تداوم یابد؛ اما آنچه نظام اسلامی را از غیر اسلامی متمایز می‌کند، جهت‌گیری کلانی است که بدون شک برای تحقق و گسترش عدالت در جامعه روی می‌دهد. هرچند سرعت این حرکت به دلیل عواملی متعدد با کندی دنبال گردد یا حتی خواسته یا ناخواسته همچنان ظلمی به مثابه خروجی این سیستم ثبت شود! راه هرگونه تظلم‌خواهی باید باز باشد و آنان که حقوق‌شان اجحاف شده باید بتوانند برای اعاده حق خود مفری بیابند و امیدوار به تحقق عدالت باشند.

در نگاهی دیگر باید به این حقیقت توجه کرد که تظلم و عدالت‌خواهی در ذیل حکومت اسلامی و آنجا که نایب بر حق علی(ع) حکمران است، با عدالت‌خواهی در نظام ستم‌شاهی تفاوت ماهوی و بنیادین دارد. به اقتضای آن، در روش‌ها و شیوه‌ها نیز تفاوت وجود خواهد داشت. طبیعی است فرهنگ تظلم‌خواهی از طریق بست‌نشینی، حضور نداشتن در دادگاه و... و با نفی اعتبار و سلامت و مشروعیت دستگاه قضایی محقق نخواهد شد! متهم کردن دستگاه قضایی به تبدیل شدن به ابزار فشار گروه‌های قدرت و ثروت بر مردم و عدالت‌خواهان! ادبیات و مرام عدالت‌خواهان واقعی نخواهد بود. این مدعیان عدالت‌خواهی نه تنها با تحریک عواطف و احساسات و فریب افکار عمومی گامی برای تحقق عدالت بر نمی‌دارند، بلکه بزرگ‌ترین ظلم را که ظلم به نظام اسلامی و رهبری آن است محقق می‌سازند! جالب است که همه این ادعاها در پس پرونده‌هایی قرار دارد که دستگاه قضایی برای برخی هم‌حزبی‌ها و هم‌جناحی‌های‌شان ایجاد کرده و این‌گونه عدالت‌خواهان بدلی را برآشفته است! همین تندخویی‌ها به خوبی اغراض سیاسی پشت پرده بست‌نشینی را برملا می‌کند و آن را در حد مانور سیاسی بی‌اثری تقلیل می‌دهد.

نباید فراموش کرد انحراف از حقیقت همواره با نام‌ها و شعارهای عوام‌فریب صورت می‌گیرد و پیوسته مذهب علیه مذهب عَلَم می‌شود تا راه هدایت و عدالت واقعی تیره و تار شود! پرچمدار واقعی عدالت در نظام اسلامی امام است که در دوران غیبت، این پرچم را به دست فقیه جامع‌الشرایط عادلی سپرده است که بیش از دیگران بر ضعف‌ها و قوت‌های نظام اسلامی واقف است و برای انتقاد از عملکرد دستگاه قضایی و اعتراض به آن راه را باز گذاشته است؛ اما به خوبی و هوشمندانه تکرار کرده است که این حق اعتراض باید منصفانه و از طریق راهکارهای قانونی و فارغ از جنجال و فریب و شعبده‌بازی‌های سیاسی- رسانه‌ای دنبال شود.

راهی که برخی مدعیان عدالت در پیش گرفته‌اند بیراهه‌ای است که پایانی جز انحراف و انفعال و دشمنی با عدالت نخواهد داشت؛ هرچند با شعارهای پرطمطراق و شیوه‌های پوپولیستی و عوام‌فریبانه صورت بگیرد!

در نظام اسلامی «ولایت» مهم‌ترین جایگاه مدافع «عدالت» به حساب می‌آید و در این مسیر، عدالت معیاری برای حقانیت ولایت است! به واقع عدالت- ولایت دوگانه‌ای در تقابل با هم نیستند که اتصال به یکی به نفی دیگری بینجامد، بلکه مؤیدی دوسویه هستند که هر یک متضمن حفظ و سلامت دیگری به شمار می‌آیند. تحقق عدالت با الزاماتی همراه است که بدون توجه به آنها، این تحقق صورت نمی‌گیرد. فهم جایگاه مصلحت در نظام اسلامی و توجه به آن، درک امکان تزاحم در تحقق هم‌زمان ارزش‌ها و آرمان‌ها، اختلاف در تعیین و تشخیص مصادیق عدالت و موانع پیش‌روی تحقق کامل عدالت از جمله الزاماتی هستند که اگر به آنها توجه نشود، شعار و جنبش «عدالت‌خواهی» به عواملی برای «ولایت گریزی» بدل می‌شود. آنگاه به واسطه این جهل مرکب «امام عدالت»، به ضدیت با عدالت متهم خواهد شد! «الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ وَاللاَّزِمُ لَهُمْ لاحِقٌ».

شکار اژدها در گردنه قرمز و آبی

□ محمد صرفی/ مبارزه با فساد و حرکت در مسیر اعتلای عدالت اجتماعی، راهی طولانی و پر فرازونشیب است. دام‌های پنهان، گردنه‌های مهیب و دره‌های عمیق در کمین دارد و هر لحظه، بیم سقوط می‌رود. یکی از این دام‌های مهلک و گردنه‌های خطیر، برخورد جناحی و سیاسی با مفسدان است؛ به زبان ساده آبی و قرمز کردن فساد. دوقطبی‌سازی ساده‌ترین و در اغلب موارد غلط‌ترین راه برخورد با مسائل است که کوته‌فکران و سهل‌اندیشان و البته کلاهبرداران و کلاشان علاقه خاصی به آن دارند. در فضای دوقطبی نیازی به تحمل رنج فکر کردن نیست. خط و خطوط از پیش تعیین شده‌اند و تکلیف روشن است. یا آبی هستی یا قرمز. مهم نیست عملکرد تیمت چگونه است و نقد و قضاوت تیم حریف چقدر منصفانه و منطبق با واقعیت است. در همه حال باید از تیم دلخواه خود حمایت کرد و حریف را به هر روش ممکن کوبید و علیه آن شانتاژ کرد.

نگاهی به رخدادهای حدود دو دهه گذشته کشور نشان می‌دهد از این دست دوقطبی‌سازی‌ها و برخوردهای جناحی و سیاسی با مفاسد اقتصادی کم نبوده است. در وزارت کشور، دولت اصلاحات برای حمایت از کرباسچی، که آن روزها به اتهام مفاسد اقتصادی در دادگاه بود، کمیته‌ای ویژه تشکیل شد! زیرسؤال بردن تابعیت رئیس وقت قوه قضائیه به خاطر پرداختن به پرونده مفاسد شهرام جزایری و برخی نمایندگان آلوده به وی در مجلس ششم، بستن دهان رئیس فراکسیون دوم خرداد در همان مجلس از سوی برخی نمایندگان بانفوذ به خاطر انتقاد از فاجعه وزارت زنگنه و تخلفات شرکت نفتی پتروپارس (متعلق به بهزاد نبوی و اکبر ترکان) و بازتولید برخی از این شیوه‌ها در دولت دوم احمدی‌نژاد و حمایت از امثال رحیمی و مرتضوی با وجود ارتکاب برخی جرایم، نمونه‌هایی از این رفتارهای جناحی و سیاسی با فساد است.

یکی از دلایل چنین برخوردهایی، نداشتن بلوغ سیاسی جامعه و فعالان سیاسی آن است. در چنین وضعیتی، روابط بر اساس آشنایی‌ها و رفاقت‌های پیشین و منافع فعلی است و قاعده و چارچوب خاصی ندارد که مسائل با آن سنجیده شود. فرض کنید زخمی در بدن فردی به وجود بیاید. اگر وی بالغ و عاقل باشد، آن را پنهان و انکار نمی‌کند، بلکه درصدد درمانش برمی‌آید. درمان ممکن است زدن چند بخیه و تزریق واکسن و... باشد که کمی تلخ و دردآور است؛ اما نتیجه‌اش مهار و از بین رفتن زخم و بالطبع شیرین است؛ اما پنهان کردن و درمان نکردن همین زخم کوچک و غیر کاری می‌تواند سبب عفونت و در نهایت گسترش آن و حتی مرگ فرد شود.

مفسد اقتصادی در واقع اهل هیچ یک از مرام‌های سیاسی و حزبی نیست. حزب و جناح سیاسی برای او پوشش و ابزاری برای پیشبرد اهداف و پیگیری منافع شخصی و در یک کلام دزدی است. او در واقع فضله موشی در کیسه گندم است که خود را لابه‌لای دانه‌های گندم پنهان می‌کند و باید او را یافت و دور انداخت. کدام فرد عاقلی می‌گوید نه! بالاخره این فضله هم در این کیسه است و نباید آن را از گندم‌ها جدا کرد و اصلاً مگر یک فضله چقدر وزن دارد و جا می‌گیرد!

فارغ از دادگاه و برخورد قانونی و مواجهه درون‌حزبی با مفاسد اقتصادی، نقش اصلی و مهم در فراجناحی کردن گفتمان فسادستیزی، بر عهده مردم است. مردم با هر مرام و مسلک و سلیقه سیاسی، تشنه عدالت و ضد فساد و تبعیض هستند. این روحیه و مطالبه، فرصت و ظرفیتی گرانبهاست که نباید به سادگی آن را از دست داد. چرا وقتی در کشوری مانند کره جنوبی مسئول حکومتی مرتکب فساد می‌شود، به سرعت استعفا می‌دهد و در مواردی حتی خودکشی می‌کند؟ بی‌شک این رفتار ناشی از تقوا و پرهیزگاری نیست! بلکه ناشی از جو کلی جامعه و فشار افکار عمومی است. فرد مفسد چنان از نظر روحی و روانی تحت فشار و سرزنش قرار می‌گیرد که پایان دادن به زندگی را راحت‌تر از تحمل این خفت و خواری می‌یابد.

عده‌ای راه مبارزه با فساد را در قوانین قوی و قاضیان شجاع و قاطع می‌بینند؛ اما به نظر می‌رسد مسئله مقداری پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. جامعه باید به سطحی از بلوغ و درک برسد که بستر را برای عدالت بیشتر مهیا کند. در کره جنوبی رئیس‌جمهور در مقابل دوربین‌های زنده تلویزیونی به اتهام سوءاستفاده از قدرت و فساد اندک مالی دستبند می‌خورد و راهی زندان می‌شود؛ اما در جامعه‌ای که هنوز گرفتار دوقطبی کاذب قرمز و آبی است، فلان مسئول می‌گوید اگر دادگاه به سراغ نزدیکان من برود، به مثابه اعلام جنگ است! این گردنکشی در برابر ترازوی عدالت، ناشی از پشت‌گرمی به طرفداران متعصب و چشم‌بسته است. اژدهای هفت سر فساد، بدون عبور از گردنه دوقطبی قرمز و آبی، به زنجیر درنخواهد آمد.

امضای زرین برای فساد!

□ اکبر معصومی/ وجود فساد مالی در یک کشور می‌تواند چرخ‌دنده‌های اقتصادی آن را خرد کند و آهنگ رشد اقتصادی هر کشوری را پایین بیاورد. بنابراین فساد به هر نوع و میزانی که رخ می‌دهد اعتمادزداست و باید مقابله جدی با آن صورت بگیرد. دلایل متعددی در چرایی به وجود آمدن فساد در جهان وجود دارد که در این نوشته سعی شده علل به وجود آمدن فساد در کشورمان را مطرح کنیم.

اولین علت فساد اقتصادی این است که اگر کشوری در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار گیرد، با توجه به وجود حجم زیاد گردش مالی، اختلاس و دزدی به سهولت انجام می‌گیرد که کشور ما نیز از این موضوع مستثنی نیست. آنچه در این برهه حساس رشد کشور مهم و تأثیرگذار است، برخورد جدی با مفسدان است.

دومین علت فساد اقتصادی وجود درآمدهای نفتی است. با توجه به اینکه اقتصاد ایران تا حدودی به نفت متکی است و درآمد حاصل از آن همواره متغیر بوده، می‌تواند عاملی برای اختلاس و دزدی باشد. تحریم نفتی نیز عامل دیگری است که سبب می‌شود در دور زدن تحریم‌ها شفافیت دقیقی از درآمد حاصل از فروش نفت در اختیار مسئولان نباشد و افرادی در این زمینه به اختلاس و دزدی دست بزنند و حتی رانت‌هایی نیز صورت بگیرد و افرادی مانند بابک زنجانی‌ها شکل بگیرد. یا افرادی نفوذی همچون کمال فروغی به وجود آید. به طور کلی، درآمدهای نفتی به دلیل شفافیت نداشتن، متغیر بودن و قابل تحریم بودن فسادآور است.

سومین علت فساد اقتصادی در کشورمان، وجود ارز با دو نرخ متفاوت است. نرخ ارز دولتی یا به اصطلاح ۴۲۰۰ تومانی فسادزاست و رانت‌هایی در حوزه اقتصادی به وجود می‌آورد. برای نمونه، فردی ارز دولتی را می‌گیرد تا جنسی را وارد کشور کند؛ ولی به دلیل تفاوت فاحشی که نرخ ارز دولتی با نرخ ارز آزاد دارد، آن فرد ارز را در بازار آزاد به فروش می‌رساند و میلیاردها تومان سود به دست می‌آورد. در اینجا می‌توان به فردی اشاره کرد که مبلغ صدمیلیون دلار ارز دولتی برای واردات گندم گرفته بود؛ اما جای واردات، ارز را در بازار آزاد فروخته بود.

عوامل متعدد دیگری هم در ایجاد فساد اقتصادی نقش دارد که به صورت تیتروار بیان می‌شود: ضعف نظارت سیستمی، عدم شایسته‌گزینی و نبود مدیران کارآمد در حوزه اقتصادی، سازوکار نامناسب اعتبارات بانکی، صدور مجوزها و امضاهای به اصطلاح‌طلایی، عدم یکسان‌سازی سامانه‌های اطلاعاتی، حضور سیاسیون در پست‌های اقتصادی، ساختار خصوصی‌سازی و... . اساساً هر جا منفذ نفوذی و امضای طلایی برای مدیری وجود داشته باشد فسادزا خواهد بود که باید به شدت رصد و مراقبت شود.

غیر مؤثر بودن برخورد و مبارزه با مفاسد اقتصادی دلایل متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱ـ عمل نکردن به فرامین رهبر معظم انقلاب در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی توسط قوا و دستگاه‌های نظارتی و نداشتن مسئولیت در پیگیری این دستورات (تشکیل نشدن مجموعه جدی مقابله با مفاسد) ۲ـ حمایت برخی رؤسای متخلف سازمان‌ها و دستگاه‌ها از مفسدان شاغل در بخش‌های مدیریتی و گماشتن افراد فاسد در مسئولیت‌های خاص بدون داشتن مدرک و دلیل. مانند فروغی که در حال حاضر به جرم جاسوسی از شرکت نفت ایران در زندان به سر می‌برد، از طریق حمایت برخی مدیران توانسته بود در قسمت انرژی کارهای مختلفی انجام دهد که یکی از آنها جدا از جاسوسی، تلاش برای گماشتن مدیران فاسد در این حوزه اشاره بود. ۳ـ غیر مؤثر و ناکارآمد بودن جلسات ستاد هماهنگی برای مقابله با مفاسد اقتصادی در گذشته و زمان فعلی و تأثیر نداشتن در بازدارندگی در صحنه عمل. ۴ـ نبود سازوکار مناسب برای برخورد با مفاسد کلان اقتصادی و یقه‌سفیدها، که عموماً به جابه‌جایی و برکناری رؤسا و مدیران و کارشناسان شجاع منجر می‌شود. ۵ـ اطاله دادرسی و طولانی شدن سیر پرونده‌های تشکیل‌شده در دستگاه قضایی و عدم بازدارندگی احکام صادره. ۶ـ در اختیار قرار گرفتن درصد زیادی از نقدینگی کشور در دست عده‌ای خاص و نفوذ آنها در دستگاه‌های نظارتی و دولتی. ۷ـ حضور کم تأثیر مردم، مطبوعات و رسانه‌ها در روند مبارزه با مفاسد اقتصادی. ۸ـ حضور نداشتن علما و استادان دانشگاه‌ها در مبارزه همه‌جانبه و بسیج عمومی کشور علیه مفاسد اقتصادی و سران مفسدان. ۹ـ خصوصی‌سازی‌های غلط که گاهی به صورت رانتی واگذار می‌شود. در این زمینه می‌توان به خصوصی ماشین‌سازی تبریز و هفت‌تپه اشاره کرد. ۱۰ـ ضعف نظارت کالایی که ارز دولتی داده می‌شود، فاکتورسازی صوری و قلابی که برخی برای دریافت ارز دولتی از شرکت‌های بین‌المللی می‌آورند. همچنین کیفیت نداشتن کالاهایی که با ارز دولتی وارد کشور می‌شوند.

البته به تازگی قوه قضائیه در زمینه مبارزه با مفسدان اقدامات خوبی کرده است ولی انتظار می‌رود بیش از اینها برخورد شود.

غربی‌های آرمان‌گرا

دکتر ولایتی گفت: هیچ کشور یا بلوکی در دنیا نیست که در چارچوب یک مجموعه انگیزه‌هایی که اسمش را آرمان یا ارزش می‌گذاریم حرکت نکند، حتی آمریکایی‌ها که پرچم‌دار این شبهه به خصوص برای کشورهای اسلامی در جهان سوم هستند، خودشان آرمان‌گراترین در بین غربی‌ها هستند و برخی مواقع خودشان به صراحت نیز این مطلب را بیان کردند... لیبرال دموکراسی یک نوع آرمان است. اساساً هیچ حرکت سیاسی در دنیا توسط هیچ کشوری انجام نمی‌شود مگر اینکه در چارچوب آرمان باشد.

سیاست‌نامه

بررسی اندیشه سیاسی سیدمحمدکاظم یزدی ـ ۹

نیابت عامه فقیه جامع‌الشرایط

□ **فتح الله پریشان/** سیّدمحمدکاظم یزدی، از فقهای برجسته قرن چهاردهم هجری بود که در حرکت‌های سیاسی روزگار خود، حضوری فعال و تأثیری انکارناپذیر داشت. او تا پایان حیات پر بار خود، از مسلمانان حمایت و آنها را هدایت می‌کرد و برای حل مشکلات سیاسی و اجتماعی آنان بی‌دریغ می‌کوشید. ده‌ها فقیه و مجتهد در مکتب او پرورش یافته‌اند، فقهایی که هر یک تفکر فقهی و سیاسی شیعه را به نمایش گذارده و آموزش‌ها و دیدگاه‌های او را بازتاب داده‌اند. بسیاری از عالمانِ نقش‌آفرین در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در اواخر دوره قاجار و پهلوی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم از شاگردان او بوده‌اند.

سیّدمحمدکاظم یزدی از شاگردان میرزای شیرازی است. در مکتب سامرا بین سیاست و دیانت پیوندی ناگسستنی برقرار بود؛ به گونه‌ای که شاگردان این حوزه، مرد میدان سیاست و دیانت با هم بودند. او همانند استادش، افزون بر عرصه فقاهت، در عرصه سیاست نیز حضوری نقش‌آفرین و اثرگذار داشته است. نقش و تأثیرگذاری او در جنبش تحریم تنباکو، نهضت مشروطه و مشروعه و نهضت علمای شیعه علیه سلطه استعمار روس و انگلیس و ایتالیا در ایران، عراق و لیبی و از همه مهم‌تر رهبری نهضت اسلامی عراق، در جنگ جهانی اول انکارناپذیر است. مأموران سیاسی روس و انگلیس نیز به سلطه سیاسی و فقهی او بر قلوب بخش بزرگی از مسلمانان در ایران، عراق، آسیای مرکزی و قفقاز اعتراف کرده و برای تنظیم سیاست‌های استعماری خود، این مطلب را مورد ملاحظه قرار داده و نگرانی عمیق خود را از اعمال چنین اقتداری اعلام کرده‌اند.[1] با این همه، شماری از نویسندگان داخلی و خارجی از روزگار سیّد، تا امروز تلاش کرده‌اند چهره‌ای منزوی و به دور از سیاست از وی ترسیم کنند[2]. حتی در سال‌های اخیر، شماری از نویسندگان مغرض یا غافل و ناآگاه تلاش کرده‌اند، سیّد یزدی را منکر ولایت فقیه وانمود کنند[3] که ظلمی آشکار به وی است. البته سیّد یزدی، کتاب یا مقاله‌ای مستقل درباره ولایت فقیه ندارد؛ امّا در باب‌های گوناگون فقه از نیابت، ولایت و مسائل مرتبط با آن سخن گفته است.

سیّدمحمدکاظم یزدی در اندیشه‌ها و آثار فقهی که از خود به جای گذارده، ولایت عامه فقیه را به خوبی نمایانده و آن را در ابواب گوناگون فقه بازتاب داده است که در عروةالوثقی، رساله سؤال و جواب و حاشیه‌هایی که بر پاره‌ای از رساله‌های مراجع پیش از خود نوشته، این مطلب را می‌توان به دست آورد. وی در جای جای فقه، ارجاع به حاکم شرع و فقیه جامع‌الشرایط می‌دهد. اصل نیابت و ولایت عامه فقیه در نزد او، اصلی مفروغ عنه بوده است. به باور وی، اختیارات حاکم و فقیه جامع‌الشرایط بسیار فراتر از فتوا، قضا و حتی امور حسبیه به معنای حداقلی آن است. در منظومه فکری وی، حاکم شرعی، حکم به رؤیت هلال می‌دهد، مقام قضا را بر عهده می‌گیرد، حدود و تعزیرات، دیات و قصاص را به اجرا می‌گذارد، امور سفیهان، قاصران و موقوفات را بر عهده می‌گیرد. قبض فقیه جامع‌الشرایط، قبض امام معصوم است.[4] از این رو، تصرف در اموالی که در زمان امام معصوم، شأن مقام امامت بود، در روزگار غیبت، زمام آن به دست حاکم و نایب عام امام است. در کتاب خمس و زکات، در بسیاری از مسائل، با توجه به نیابت و ولایت فقیه فتوا داده است.

برای نمونه، مسئله نیابت از موضوعات اصلی و اختصاصی فقه شیعه در تفسیر و تحلیل ولایت فقیه است. به طور کلی، در هر نیابتی، نایب جایگزین منوب‌عنه بوده و از طرف او تصرف می‌کند. در حقیقت، هر اقدامی از سوی نایب، به منزله اقدام ولیّ اصلی است. با صرف نظر از اختلاف‌هایی که در سعه و ضیق دایره نیابت مطرح است، در فقه شیعه، تعبیر نیابت فقها از امام زمان(ع) در کلمات فقها از روزگار شیخ مفید تا امروز رواج داشته است. حتی، اگر ولایت در قضاوت خلاصه شود و فقیه فراتر از قضاوت، شأن و مقامی نداشته باشد، باز هم، حق قضاوت، مستند به نیابت از معصوم است. سیّدیزدی در آثار فقهی و فتوایی خود، همانند صاحب جواهر، بر اساس نیابت عامه، در مسائل گوناگون اظهار نظر کرده است. برای نمونه، در «ملحقات عروه» می‌نویسد: «در هر جا که صاحب حق امام زمان(ع) باشد، مانند میراث کسی که وارثی ندارد و نذر و وقف برای امام(ع) و امثال آن و نیز در هر موردی که امام ولایت بر صاحب حق داشته باشد، مانند اوقاف بدون متولی، اموالی که صاحبان آن مشخص نیستند و نذرها و وقف‌هایی که برای دیگر ائمه(ع) شده و مانند آن، در همه این موارد، مدعی در روزگار غیبت، نایب عام امام، یعنی فقیه جامع‌الشرایط می‌باشد.»[5]

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱۱۶.
۲ـ همان، ص ۱۶۵ـ ۱۶۰.
۳ـ اندیشه سیاسی آخوند خراسانی، محسن کدیور، ص ۲۴۰.
۴ـ محمدصادق مزینانی، «ولایت عامه در آثار فقهی سیّدمحمدکاظم یزدی»، مجله حوزه، مقاله ۸، دوره ۲۹، شماره ۱۶۶ـ ۱۶۵، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۶۴.
۵ـ همان، ص ۱۷۰؛ به نقل از ملحقات عروه، ج ۳، ص ۱۱۸.

نکته

کوفه و نقش آن در قرن‌های نخستین اسلامی

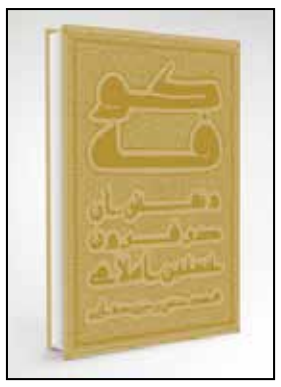

موعد نمایشگاه کتاب تهران فصل مناسبی برای نمایش رویش‌های جدید در عرصه نگارش کتب سیاسی، تاریخی و اندیشه‌ای است؛ از این رو جلسات معرفی، نقد و رونمایی از کتاب‌های جدید، از بخش‌های جذاب نمایشگاه محسوب می‌شود. مراسم رونمایی از کتاب «کوفه و نقش آن در قرن‌های نخستین اسلامی» نوشته دکتر محمدحسین رجبی‌دوانی که با حضور این نویسنده، حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی و جمعی از علاقه‌مندان در غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی برگزار شد، بسیار مورد توجه قرار گرفت. در ابتدای این جلسه، حجت‌الاسلام والمسلمین حامد کاشانی صحبت کرد و درباره اهمیت نگارش کتابی با این موضوع گفت: «شهر کوفه از جهات مختلفی دارای مسئله است و این کتاب سعی کرده است تا به این مسائل پاسخ دهد. در حقیقت، شناخت این شهر کمک به شناخت سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌کند. دقت داشته باشید که بسیاری از تصمیمات امیرالمؤمنین در شهر کوفه بوده است و وعده‌ها، خطبه‌ها و تعاریف ایشان در همین شهر بوده است. امیرالمؤمنین در سخنان خود، روزگاری از کوفه تعریف کرده‌اند و در مقابل روزی آنان را ملامت کردند. اینکه چه اتفاقی می‌افتد که از آن نقطه به این نقطه می‌رسند و مهم‌ترین طرفداران و لشکریان حضرت از هم پاشیده می‌شوند، از جمله نکات مهمی است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.»

در ادامه این جلسه، دکتر محمدحسین رجبی‌دوانی صحبت کرد و درباره کتاب جدید خود توضیح داد و گفت: «در فرهنگ ما کوفی بودن مترادف با بی‌وفایی، خیانت و رها کردن ولایت تلقی می‌شود؛ اما باید بگویم که در واقعیت چنین مسئله‌ای درست نیست. با وجود این، چه اتفاقی می‌افتد که این شهر با سابقه‌ای درخشان در تاریخ اسلامی و شیعی، تبدیل به نماد بی‌وفایی می‌شود و سرنوشت آن برای ما عبرت‌آموز می‌شود... بسیاری از اتفاقاتی که در کوفه رخ داده است، در ۴۰ سال کشور خودمان نیز داشته‌ایم و به همین جهت لازم است که از اتفاقات و تاریخ این شهر عبرت بگیریم. حضور بسیاری از جریانات انقلابی در کشور و از سوی دیگر فتنه‌گران و سکوت عده‌ای در برابر این فتنه‌گر دقیقاً مانند اتفاقاتی است که در کوفه نیز رخ می‌داد.»

نقد روز

علوم انسانی اسلامی و دوگانه سروش ـ ملکیان

□ **علی عسگری/ علم دینی از پر چالش‌ترین مأموریت‌های نظری انقلاب اسلامی است که اندیشمندان گوناگونی له یا علیه آن نظریه‌پردازی کرده‌اند. در این نوشتار، نظرهای برخی از منتقدان نظریه علم دینی، از جمله دکتر سروش و مصطفی ملکیان را در ترازوی نقد قرار می‌دهیم.**

***

علوم انسانی اسلامی از منظر دکتر سروش

برای پی بردن به نظریه دکتر سروش درباره علم دینی ابتدا لازم است پایه‌های اصلی بحث، یعنی نوع نگاه به مباحث علم، علم تجربی و علم انسانی را از منظر وی کنکاش کرد. درباره اصل علم باید گفت، سروش علم را به دو مقام ثبوت و اثبات تقسیم می‌کند. از نظر وی علم در مقام ثبوت یا نفس‌الامر قائم به موضوع و روش است. از نظر سروش این دو مؤلفه اموری عام و مشابه در همه عالم است که کثرت در آن محلی از اعتبار ندارد. به عبارت دیگر، هر علمی روش و موضوعی دارد که نمی‌توان از طریق کثرت قائل شدن در آن، علم را از این منظر به دینی و غیر دینی تقسیم کرد. تاریخ علم شواهد فراوانی بر رد این مدعی دارد. برای نمونه، روش فلسفه تا زمان ابن سینا متکی بر عقل بود؛ اما شیخ اشراق با دخیل کردن شهود در کنار عقل فلسفه جدیدی بنیان نهاد؛ از همین رو نمی‌توان مشرب واحدی در زمینه موضوع و روش علم یافت، پس سخن از علم دینی در ساحت ثبوت امری ممکن است.

ساحت دیگری که دکتر سروش برای علم در نظر می‌گیرد، ساحت تاریخیت آن یا ورود آن از عالم واقع به جوامع بشری یا به زبان دیگر مقام اثبات است که در اینجا دیگر تقسیم‌بندی‌های مختلف پیدا می‌کند و هر دانشمندی بنا به شیوه خود از آن تعریفی ارائه کرده و به نوعی متمایز از دیگری تقسیم‌بندی می‌کند.

وی در ساحت ثبوت میان مقام گردآوری و مقام داوری تمایز قائل می‌شود و در مقام گردآوری نه تنها علم انسانی، بلکه حتی علم تجربی را کاملاً تحت تأثیر جهان‌بینی‌ها و ارزش‌ها می‌داند. برای نمونه می‌گوید، علوم انسانی مسبوق به دو سابقه است: یکی ایدئولوژی و دیگری جهان‌بینی و در همین راستا، برای تولید علوم انسانی اسلامی حکم به تعلیم عالمان آگاه به مبانی اسلامی می‌دهد، اما در مقام داوری قائل به این امر است که صحت موارد گردآوری شده را باید محک زد و به همین دلیل اختیار انسانی را نادیده گرفته و حکم به عدم اسلامی و غیر اسلامی بودن علوم می‌کنند.

وی با توجه به همین مبنا علوم انسانی را در برخی موارد جزء علوم تجربی به حساب می‌آورد و این در حالی است که این نظر با صحبت‌های دیگر وی در نظریه قبض و بسط که مدام حکم به صامت بودن شریعت مانند طبیعت می‌کند، متناقض است. سوای نقد محتوای این مبحث ذکر این نکته لازم است که در میان خود اصحاب و موافقان علم دینی گرایش واحدی به این موضوع وجود ندارد؛ از همین رو لازم است ابتدا مشخص کنیم نقد ما به علم دینی، دامن کدام یک از نظریات را می‌گیرد تا دچار این مغالطه نشویم که با رد یکی از نظریات علم دینی اصل تحقق آن را انکار کنیم. سروش در سال‌های دهه شصت با علم دینی موافق بوده و حتی در کتاب «تفرج صنع» بر وجود این امر دلیل اقامه می‌کند؛ اما با گذشت ده سال از کتاب تفرج صنع در سال ۷۴ با رد یک نوع از انواع علم دینی، یعنی مکتبی کردن علم(برداشت مستقیم علوم نوین از قرآن و حدیث) این موضوع را به طور کامل نفی می‌کند. برای نمونه، انتقادات سروش بر علم دینی هرگز دامن نظریه‌هایی، چون نظریه آیت‌الله مصباح را نخواهد گرفت؛ چرا

ادله مخالفان علم دینی مبتنی بر اثبات‌گرایی و به عبارت دیگر مبتنی بر مکاتبی است که امروزه جزء تاریخچه علم به حساب می‌آیند و با نقدهای فراوان در دنیا ترک شده‌اند. ضمن آنکه خود این اشخاص هنگامی که از معرفت دینی سخن به میان می‌آید، پرچم نسبی‌گرایی را برافراشته می‌کنند؛ اما وقتی از علم دینی سخن می‌شود، در قامت یک پوزیتیویسم، کاملاً مطلق‌گرا می‌شوند

که از منظر ایشان آن بخش از علوم انسانی که از هست‌ها سخن می‌گوید، مطابق نظر سروش خنثی است؛ اما آن بخش از علوم انسانی که از بایدها سخن می‌گوید، به دلیل آنکه مبتنی بر نظام‌های ارزشی قرار دارد، کاملاً دینی و غیر دینی‌پذیر است. سروش در رد یا اثبات این مسئله تا کنون سخنی نگفته است.

علوم انسانی اسلامی از منظر مصطفی ملکیان

یکی دیگر از مخالفان علوم انسانی اسلامی که این موضوع را هم از نظر معرفت‌شناسی و هم از نظر اخلاقی صحیح نمی‌داند، مصطفی ملکیان است. وی در زمینه معرفت‌شناختی معتقد است، پیدایش علم حاصل سه مرحله موضوع‌گزینی(انتخاب موضوع یا برخورد با مسئله)، فرایند درآیی(تحقیق حول موضوع) و فرآورده‌بینی (نتیجه‌گیری از یافته‌ها) است. ملکیان اسلامی‌سازی علوم را در مرحله نخست که انتخاب موضوع است، می‌پذیرد و این را وظیفه هر محققی می‌داند که توان محدود خود را صرف کارهای غیر اولویت‌دار نکند. ملکیان در مرحله دوم علم را شامل دو مبحث هدف و روش می‌داند و معتقد است، اولاً هر علمی هدف مشخصی دارد و برای نمونه ما نمی‌توانیم از علم جامعه‌شناسی که هدفش شناخت جامعه است، انتظار دفاع از دین را داشته باشیم. هر علمی هم بسته به مسئله و هدف آن روش مشخصی دارد و ما نمی‌توانیم بگوییم روان آدمی را می‌خواهیم با روش عقلی و نه تجربی بررسی کنیم. وی مرحله نتیجه‌گیری را هم کاملاً عینی می‌داند و معتقد است ما باید به دنبال صدق نتایج بر واقعیت باشیم و از این طریق هر گونه اسلامی و غیر اسلامی یا حتی بومی و غیر بومی کردن علم را نفی می‌کند.

این در حالی است که در زمینه فرایند ایجاد علوم، باید از وی پرسید که چگونه می‌شود در بین علوم با اینکه هدف مشترک است و روش هم معلوم، این همه اختلافات و پارادایم‌های بسیار به وجود می‌آید؟ درست است که هدف کلان علمی، مانند جامعه‌شناسی شناخت جامعه است اما چه جامعه‌ای؟ برای نمونه از منظر شهید صدر جامعه‌شناسی دینی از طریق مشاهده و شناخت جامعه اسلامی به وجود می‌آید و ضمناً با چه تعریفی از جامعه یا درست است که هدف علمی مانند روان‌شناسی شناخت روان است؛ اما روان چه انسانی؟ بالطبع اگر شما انسان را موجودی قدسی تعریف کنید، روان‌شناسی متفاوتی را ظاهر خواهید کرد.

در روش‌شناسی هم این سؤال مطرح می‌شود که اگر روش حاکم بر علوم ثابت است و هر شخصی با استفاده از آن روش می‌تواند واقعیت‌ها را از حیطه علم مورد نظر برداشت کند؛ پس چرا برای تحقیق حول یک موضوع برای نمونه عاشورا و عزاداری در ایران، حکم می‌کنند که جامعه‌شناس محقق برای برداشت درست باید چند مدتی در کنار سوژه خود به سر برد و بر فرض مثال یک جامعه‌شناس ایرانی که با این فرهنگ مأنوس بوده، بهتر می‌تواند از یک جامعه‌شناس آلمانی این کار را انجام دهد؟

این مثال‌ها نشان‌دهنده تأثیرات جهان فرهنگی و جایگاه خود او در این عالم است. در موضوع آخر یعنی مرحله نتیجه‌گیری باید گفت از آنجا که پارادایم‌های گوناگونی که دانشمندان از دل آنها موضوعات گوناگون را تفسیر می‌کنند، بر نتیجه تأثیر دارد، می‌توان اسلام را هم به منزله یک پارادایم در کنار باقی پارادایم‌ها پذیرفت.

در پایان گفتنی است، ادله مخالفان علم دینی مبتنی بر اثبات‌گرایی و به عبارت دیگر مبتنی بر مکاتبی است که امروزه جزء تاریخچه علم به حساب می‌آیند و با نقدهای فراوان در دنیا ترک شده‌اند. ضمن آنکه خود این اشخاص هنگامی که از معرفت دینی سخن به میان می‌آید، پرچم نسبی‌گرایی را برافراشته می‌کنند؛ اما وقتی از علم دینی سخن می‌شود، در قامت یک پوزیتیویسم، کاملاً مطلق‌گرا می‌شوند. به راستی، این دوگانگی در منش علمی ناشی از چه مسئله‌ای است؟

آفاق

ماهیت‌شناسی و نحوه استمرار انقلاب اسلامی ـ ۴۳

حکومت اسلامی قبل از قیام قائم

□ **دکتر عباسعلی عظیمی‌شوشتری/** از موضوعات مهمی که در حوزه مبانی سیاسی تفکر شیعه مطرح می‌شود، تشکیل حکومت و قیام برای تکوین آن در عصر غیبت است. ما در اینجا به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که در مبانی سیاسی انقلاب اسلامی، اولاً نسبت به تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت چه نگرش‌هایی وجود داشته و انقلاب اسلامی کدام نگرش را پذیرفته است؟ ثانیاً، در صورت پذیرش لزوم تأسیس حکومت در عصر غیبت، چه ادله‌ای برای این موضوع مطرح شده است. ثالثاً، از منظر انقلاب اسلامی حاکم و فرمانروا در عصر غیبت چه کسی می‌تواند باشد؟ و این نگاه چه ادله‌ای را در این باره مطرح می‌کند؟

دیدگاه‌ها درباره تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت

دیدگاه‌ها درباره تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به سه طیف تقسیم می‌شوند؛ به طوری که عده‌ای قائل به تشکیل نشدن حکومت اسلامی در دوران غیبت امام عصر(عج) هستند و تشکیل حکومت را جایز نمی‌دانند. دسته‌ای دیگر اگرچه تشکیل حکومت اسلامی را ملاک عمل خویش قرار نمی‌دهند و ولایت سیاسی فقیه را جایز نمی‌دانند، در اموری دیگر برای فقیه حق ولایت قائل هستند. دسته سوم از فقها همان ولایتی را که ائمه اطهار بر مسلمین داشتند برای فقهای جامعه نیز در نظر می‌گیرند. بر همین اساس این گروه داعیه‌دار تشکیل حکومت اسلامی است و اجرای احکام اسلامی را منوط به تشکیل حکومت اسلامی می‌داند. در ادامه، آرا و اندیشه‌های هر یک از این سه طیف براساس ادله و مستندات آنها بیان خواهد شد. در نهایت تعیین خواهیم کرد که انقلاب اسلامی بر مبنای کدام نظریه شکل گرفته است.

دسته اول: مخالفان تشکیل حکومت اسلامی

این گروه افرادی هستند که با تشکیل حکومت و اجرای امور مربوط به آن در زمان غیبت امام عصر(عج) مخالف هستند و معتقدند اموال و حقوقی که مالکیت آن برای امام معصوم(ع) است به صورت امانی در اختیار افراد قرار دارد و باید خود حضرت صاحب(عج) تشریف بیاورد و آنها را تصرف نماید. این افراد نه تنها تشکیل حکومت اسلامی را از ناحیه غیرمعصوم جایز نمی‌دانند، بلکه اجرای حدود و اقامه نماز جمعه و هر نوع کاری که اجازه امام معصوم(ع) را می‌طلبد در زمان غیبت امام عصر(عج) مجاز نمی‌دانند.

مهم‌ترین اشکالی که مخالفان تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام عصر(عج) مطرح می‌کنند، عصمت شخص حاکم است؛ برای نمونه انجمن حجتیه و جریان معروف به شیرازی‌ها اعتقاد دارند یکی از شرایطی که حاکم باید داشته باشد، عصمت است و دیگران اگرچه حکومتی تحت عنوان حکومت اسلامی تشکیل بدهند، هوی و هوس بر او غلبه کرده و غاصب است.[1] بر خلاف تفکرات این گروه، لازمه زمامداری در اندیشه ائمه اطهار(ع) عصمت نیست و شرط عدالت در تشکیل حکومت اسلامی کافی است. امیرالمؤمنین(ع) درباره نفس حکومت و فرماندهی یک ملت به ابن‌عباس فرمودند: «فرماندهی بر شما نزد من از این (کفش مندرس و پاره‌شده) هم کم‌ارزش‌تر است؛ مگر اینکه به وسیله فرماندهی و حکومت بر شما بتوانم حقی را برقرار سازم و باطلی را از میان بردارم.»[2] ادله این گروه به شرح زیر است:

برخی روایات: طرفداران نظریه تشکیل نشدن حکومت اسلامی در عصر غیبت برای توجیه دوری از مبارزه و مخالفت با تشکیل هر حکومت اسلامی در زمان غیبت امام زمان(عج)، به احادیثی اتکا و استناد می‌کنند:

امام صادق(ع) می‌فرماید: «مَا خَرَجَ وَ لَا یَخرُج قائِمُنا اَحَد لِیَدفَع ظُلماً او یُنعَش حَقاً الّا اصطَلَمَته البَلیَّه وَ کَانَ قیامَه زیادَه فی مَکروهِنا و شیعَتِنا»[3]؛ تا ظهور امام قائم ما زمانش فرا نرسد خروج نکرده و نخواهد کرد احدی از ما برای دفع ظلم و جور آنها و اقامهٔ حق، جز آنکه مبتلا به قتل و شهادت بشود و هر که قیام کند جز آنکه بر غم و اندوه ما و شیعیان ما بیفزاید، کاری از پیش نبرده است.»

امام باقر(ع) می‌فرماید: «کُلُّ رَایَه تُرْفَعُ قَبْلَ رَایه القَائِم (ع) صَاحِبُهَا طاغُوتٌ»[4]؛ هر پرچمی که قبل از به اهتزاز درآمدن پرچم امام زمان(عج) بر افراشته شود، برافرازنده آن طاغوت است. از امام صادق(ع) نیز روایتی قریب به همین مضمون بیان شده است که می‌فرماید: «کُلُّ رَایَهٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ یُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَ»[5]؛ هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستش می‌شود.

آنها از این احادیث و روایات شریف استنباط می‌کنند هر قیام و مبارزه‌ای که قبل از ظهور صورت بگیرد، مورد رضایت اهل بیت(ع) و امام قائم نیست و به شکست می‌انجامد. برای بررسی بهتر این روایات در این قسمت، تحلیل‌هایی درباره سند و دلالت آنها ارائه خواهد شد. در این شماره به تحلیل و بررسی سندیت روایت اول می‌پردازیم و روایت دوم و دلالت هر دو حدیث را در شماره بعدی بررسی خواهیم کرد.

درباره روایت اول، شهید سیدمصطفی خمینی در کتاب «ولایه الفقیه» این حدیث را رد می‌کند و سند آن را مخدوش می‌داند. وی معتقد است این روایات در عصر خلفای جائر جعل شده‌اند و اگر هم صحیح باشند از باب تقیه صادر شده‌اند.[6] امام خمینی نیز راوی آن، یعنی متوکل بن هارون را ناشناس دانسته و فرموده‌اند که در میان کتب رجالی چیزی درباره او ذکر نشده است.[7] علاوه بر این در سندی از «ابوالمفضل محمدبن عبد الله بن مطلب شیبانی» نیز نام برده شده که او هم مورد اختلاف است.[8] به همین دلیل سند این روایت را ضعیف دانسته‌اند.[9] در «منتهی المقال» نیز هارون بن متوکل را موثق ندانسته‌اند.[10]

پی‌نوشت‌ها

۱ـ عبدالله نوری گلجائی، جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی انجمن حجتیه، قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۵، ص ۴۲.
۲ـ نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳، ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵.
۳ـ فیض‌الاسلام، صحیفه سجادیه، تهران: فیض‌الاسلام، ۱۳۶۶،ص ۱۲.
۴ـ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دارالتراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۱۱۴.
۵ـ کلینی، ابوجعفر محمّد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۲۹۵ .
۶ـ موسوی‌خمینی، مصطفی، ولایه الفقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، بی‌تا، ص ۶۲.
۷ـ امام خمینی(ره)، مکاسب المحرمه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(قدس‌سره)، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۸۵.
۸ـ منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹، ص ۳۵۹.
۹ـ حائری، سیدکاظم حسینی، ولایه الأمر فی عصر الغیبه، قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۴، ص ۷۵.
۱۰ـ حائری مازندرانی، محمدبن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع)، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۸۰.

ریزش‌ها

فراز و فرود آیت‌الله منتظری ـ ۵

غربت وزارت اطلاعات!

□ **شهاب زمانی/** با اندکی تأمل در مواضع مسئولان بلندپایه سیاسی و قضایی که غالباً به دلیل جایگاه منتظری برای آنها به شدت سخت بود که واقعیت نفوذ در بیت مرجعیت و قائم مقام رهبری مانند منتظری را بپذیرند، مشخص می‌شود پیگیری اتهامات مهدی هاشمی تا چه حد دشوار بوده است. در آن روزگار(سال ۱۳۶۵) تردیدی وجود نداشت که آقای منتظری، رهبر آینده جمهوری اسلامی است؛ به همین دلیل بیشتر مسئولان نظام مایل نبودند خود را رو در روی وی قرار دهند. در این فضای سیاسی، همراهی با امام(ره) و یاری رساندن به ایشان، در راهی که به یک جراحی عمیق و گسترده و سرنوشت‌ساز در جمهوری اسلامی منتهی می‌شد، آسان نبود و به درستی آقای ری‌شهری، وزیر اطلاعات وقت از این دوران به دوره «غربت وزارت اطلاعات» یاد می‌کند.

همراهی با امام حقیقتاً دشوار بود؛ اما آنچه دشواری راه را مضاعف می‌کرد، پیشرفت نکردن بازجویی‌های مهدی هاشمی بود که با صحبت‌های آقای ری‌شهری با وی مسیر باز می‌شود. وی در این باره می‌نویسد: «مهدی هاشمی را نصیحت کردم و او را از رسوایی و کیفر آخرت و زندگی پس از مرگ بیم دادم و یادآوری کردم که «رسوایی و کیفر دنیا، اگرچه سخت و طاقت‌فرساست، آسان تر از عقوبت عقبی است» و بدین‌سان، وی را به صداقت و پاک شدن در این دنیا دعوت کردم تا دروازه‌های نجات، در چشم‌انداز او قرار گیرد. به او گفتم: تصور کن بازجوی تو خداست و اسلام از تو بازجویی می‌کند. تو هنوز حقایقی که در بازجویی‌های ساواک اعتراف کرده‌ای را برای ما نگفته‌ای، در صورتی که در نظام اسلامی، صادقانه‌تر باید برخورد کنی.»[1]

پس از این گفت‌وگو بود که بازجویی جدی از مهدی هاشمی آغاز شد و وی با بازجویان همکاری قابل توجهی داشت. وی برخی از قتل‌های قبل از پیروزی انقلاب را پذیرفت و به این ترتیب، امید به روشن شدن تدریجی اتهامات وی افزایش یافت. مهدی هاشمی پذیرفت که در دو مصاحبه شرکت کند: یکی مصاحبه‌ای مفصل مشروط به اینکه تنها به امام(ره)، منتظری و حداکثر سران سه قوه ارائه شود و دیگری مصاحبه‌ای کوتاه برای ارائه به مردم، از طریق رسانه‌ها. آقای ری‌شهری در ادامه می‌نویسد: چند روز بعد، خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارش کوتاهی از اقدامات انجام شده، نوار یاد شده را تقدیم ایشان کردم. نکته قابل توجه اینکه امام هنگام تقدیم نوار مصاحبه مهدی هاشمی فرمودند: «اگر این نوار را هم برای آقای منتظری بگذارید، باز هم قبول نخواهد کرد و خواهد گفت که این اعترافات را در اثر فشار و شکنجه از او گرفته‌اید»! به امام عرض کردم که تا امروز حتی یک ضربه شلاق هم به او زده نشده است.[2]

امام دو یا سه بار، نوار یاد شده را ملاحظه کرده بودند. نکته مهم و جالب توجه اظهارنظر ایشان درباره قسمت پایانی مصاحبه مهدی هاشمی است. گفتنی است، وی در پایان مصاحبه، اظهار پشیمانی کرده و با گریه، درخواست بخشش کرده بود؛ ولی امام(ره) پس از ملاحظه این قسمت، فرموده بودند: «فریب نخورید. او دروغ می‌گوید. حرکات او واقعیت ندارد.» هیچ یک از کسانی که سخنان مهدی هاشمی را از نوار شنیده بودند، چنین برداشتی نداشتند؛ ولی امام(ره) با فراست دریافتند وی دروغ می‌گوید و مسائل دیگری دارد که به این وسیله می‌خواهد تیم بازجویی و مسئولان را فریب دهد تا بازجویی وی را پایان یافته تلقی کنند. انتشار مصاحبه اختصاصی مهدی هاشمی، برای حیثیت و اعتبار منتظری خطرناک بود؛ از این رو، سران قوا با این اقدام مخالف بودند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ آیت‌الله ری‌شهری، سنجه انصاف، نشر دارالحدیث، ص ۴۵.
۲ـ همان.

علامه‌ای که وقف اهل بیت(ع) بود

علامه سیدمرتضی عسکری می‌گوید: در جوانی، زمانی که تازه طلبه شده بودم با انگشت روی پیشانی‌ام نوشتم «وقف اهل بیت علیهم‌السلام». می‌دانید که جنس وقفی را در غیر مکان وقف نمی‌توان استفاده کرد. من عمرم را وقف دفاع از اهل بیت(ع) و شیعیان‌شان نمودم و تا امروز به وقفم عمل کردم.

سرّ همراهی «تحمید» و «تسبیح»

گفتاری از آیت‌الله محمد محمدی‌ری‌شهری

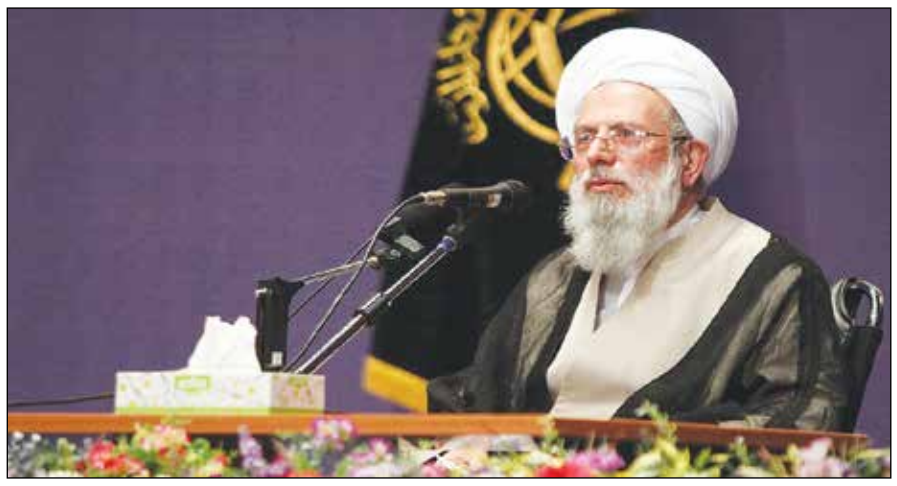

«اللّهُمَّ اجعَل... ما أجری عَلی لِسانی مِن لَفظَةِ فُحش... نُطقا بِالحَمدِ لَکَ.» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰)؛ «تحمید» به معنای ستایش خداوند متعال است بر واجد بودن همه کمالات حقیقی در ذات، صفات و افعال و «تسبیح» به معنای تنزیه و دور شمردن او از همه کاستی‌ها و ناشایستگی‌ها در ذات، صفات و افعال. «الحمدلله» ستایش خداوند متعال بر صفات کمالی است و «سبحان‌الله» تنزیه او است از صفات سلبی. بر اساس این، گفتن «سبحان‌الله» در واقع اقرار به این است که خداوند از هر نقص و شریکی در ذات، صفات و افعال منزه و وارسته است و گفتن «الحمدلله» اقرار به این است که ذات و صفات و افعال خداوند متعال، همه کمالات حقیقی را دارد. این رو، هر کسی شایسته آن نیست که تسبیح‌گو و ثناگوی حضرت حق شمرده شود. در واقع، تسبیح‌گوی حقیقی، کسی است که اولاً، از نظر اعتقادی باور داشته باشد که ذات خداوند متعال یکی است: «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ». ثانیاً، معتقد باشد که صفات ذاتی خداوند، عین ذات او است و او صفتی جدا از ذات ندارد؛ زیرا اعتقاد به صفات زاید بر ذات حق‌تعالی مستلزم قبول وجود نوعی شریک برای اوست و صفاتی چون «خالقیت»، «ربوبیت» و «رازقیت» از صفات فعل اوست نه از صفات ذات. ثالثاً، این حقیقت را باور داشته باشد و بپذیرد که علت‌العلل و مسبب‌الاسباب همهٔ پدیده‌های جهان، خداوند سبحان است.

نکته دیگر در این زمینه، این است که چرا در قرآن «تحمید» و «تسبیح» در کنار هم آمده است. برای نمونه می‌فرماید: «وَ تَرَی الْمَلائِکَةَ حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ»؛ و فرشتگان را می‌بینی که حلقه‌زنان بر گرد عرش، پروردگار خود را تسبیح می‌گویند و می‌ستایند. (زمر/ ۷۵)

یا خداوند متعال به پیامبر(ص) دستور می‌دهد: «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِبْکارِ»؛ هر شام و بام، به سپاس، خداوندگارت را تسبیح‌گوی باش. (غافر/ ۵۵)

و نیز می‌فرماید: «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حِینَ تَقُومُ»؛ و آنگاه که بر می‌خیزی، به سپاس، پروردگارت را تسبیح‌گوی. (طور/ ۴۸) یا درباره ذکر «رعد» آمده است: «وَ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ»؛ و رعد، او را به سپاس، تسبیح می‌گوید. (رعد/ ۱۳) همه چیز در جهان آفرینش، در کنار تسبیح حق‌تعالی، او را تحمید نیز می‌کند: «وَ إِنْ مِنْ شَیْءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ»؛ هیچ چیزی نیست، مگر آنکه او را به سپاس، تسبیح می‌گوید؛ امّا شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. (اسراء/ ۴۴)

سرّ همراهی تحمید و تسبیح

«اللّهُمَّ اجعَل... ما أجری عَلی لِسانی مِن لَفظَةِ فُحش... نُطقا بِالحَمدِ لَکَ.» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰) مفهوم حقیقی «تسبیح» روشن می‌شود؛ زیرا تسبیح، تنزیه خداوند متعال در ذات و صفات و افعال، از همه کاستی‌ها و ناشایستگی‌هاست و تحمید، ستایش خداوند متعال است بر واجد بودن همه کمالات در ذات و صفات و افعال. تردیدی نیست که وجود همه کمالات در حضرت حق، به تنزیه او از همه کاستی‌ها باز می‌گردد. بنابراین، تحمید، در واقع، نوع خاصّی از تسبیح است، با این تفاوت که تسبیح، ستودن خداوند به صفات جلال است؛ ولی تحمید، ستودن او به صفات جمال است و همراه شدن تسبیح و تحمید، ستودن خداوند متعال به صفات جلال و جمال در کنار هم است.

به بیان دیگر، تحمید، مُلازم تسبیح است، همان گونه که صفات ثبوتیه حضرت حق، مستلزم صفات سلبیه او هستند و با قرار گرفتن تحمید در کنار تسبیح، تنزیه خداوند متعال از همه

تسبیح، تنزیه خداوند متعال در ذات و صفات و افعال، از همه کاستی‌ها و ناشایستگی‌هاست و تحمید، ستایش خداوند متعال است بر واجد بودن همه کمالات در ذات و صفات و افعال. تردیدی نیست که وجود همه کمالات در حضرت حق، به تنزیه او از همه کاستی‌ها باز می‌گردد

کاستی‌ها با توصیف او به همه کمالات، همراه می‌شود. نکته آخر در این زمینه، اینکه نه تنها تحمید نوع خاصّی از تسبیح است، بلکه تهلیل (لا إله الّا الله) و تکبیر نیز چنین هستند؛ زیرا تهلیل، تنزیه خداوند متعال از شریک است و تکبیر، تنزیه او از توصیف افراد جاهل و از تحدید. لذا هنگامی که شخصی نزد امام صادق(ع) تکبیر گفت، امام(ع) از او پرسید: «اللهُ أَکبَرُ مِن أیِّ شَیءٍ؟» خدا بزرگ‌تر از چه چیز است؟ آن شخص پاسخ داد: از همه چیز. حضرت فرمود: «حَدَّدتَهُ»؛ او را محدود کردی! آن مرد گفت: چگونه بگویم؟ امام(ع) فرمود: «قل: اللهُ أکبَرُ مِن أن یوصَفَ.» بگو: خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود. (شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۹)

بنابراین «تحمید»، «تهلیل» و «تکبیر» در «تسبیح» ریشه دارند و این اذکار، هر چند از نظر مفهوم متفاوتند، ولی وحدت مصداقی دارند و اذکار سه‌گانه «تحمید»، «تهلیل» و «تکبیر» از «تسبیح» قابل تفکیک نیستند. از این رو، به این چهار ذکر در نماز، «تسبیحات اربعه» اطلاق می‌شود و کسی به آنها «تحمیدات یا تکبیرات اربعهٔ» نمی‌گوید.

تبدیل وسوسه‌های شیطانی به یاد خدا

«اللّهُمَّ اجعَل... ما أجری عَلی لِسانی مِن لَفظَةِ فُحش أو هُجر، أو شَتم عِرض، أو شَهادَةِ باطِلٍ، أو اغتیابِ مُؤمِنٍ غائِبٍ، أو سَبِّ حاضِرٍ، و ما أشبَهَ ذلِکَ نُطقاً بِالحَمدِ لَکَ، و إغراقاً فِی الثَّناءِ عَلَیکَ، و ذَهاباً فی تَمجیدِکَ، و شُکراً لِنِعمَتِکَ، وَ اعترافاً بِإحسانِکَ، و إحصاءً لِمِنَنِکَ.» (صحیفهٔ سجادیه، دعای ۲۰)

حضرت سیدالساجدین(ع) در این فراز نورانی ارشاد می‌فرماید که از خداوند منان بخواهیم: خدایا! هر ناسزا یا زشتگویی یا دشنام به آبرو یا شهادت نادرست یا غیبت کردن از مؤمن یا ناسزا گفتن در پیش رویش و مانند اینها که شیطان بر زبان من جاری می‌گرداند، تو آن را به ستایشی از خودت و غرق شدن در ثنایت و بیان مجد و عظمتت و سپاسگزاری از نعمتت و اعتراف به احسانت و شمارش نعمت‌هایت مبدّل گردان. یعنی افزون بر آنکه توفیق می‌دهی که وقت خود را صرف سخنانی نکنم که موجب آلودگی روح و خسارت دنیا و آخرتم شود، به جای آن توفیق بده همواره از طریق ستایش و ثنای تو، به یاد تو باشم و در واقع، جزء انسان‌های با تقوایی باشم که درباره‌شان فرموده‌ای: «إذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّیْطانِ تَذَکَّرُوا فَإذا هُمْ مُبْصِرُونَ»؛ هنگامی که وسوسه‌ای از جانب شیطان به آنها رسد، بی‌درنگ [خدا را] به یاد آورند و آن گاه، بینا شوند. (اعراف/ ۲۰۱)

به نظر می‌رسد، نقطه مشترک عبارت‌های گوناگونی که در پایان این فراز آمده، همان یاد خدا بودن است. مسئله این نیست که شخص، ذکر «الحمد لله» یا «شکراً لله» و امثال آن را بگوید؛ بلکه مهم به یاد خدا بودن است و اینکه هر لحظه بداند در حضور اوست و نافرمانی او را نکند؛ برای نمونه در جایی که فضای فحش و ناسزاگویی فراهم است یا زمینه غیبت و شهادت دروغ مهیا است، به یاد خدا بیفتد و نفسش را کنترل کند. کسی که با زبان ذکر می‌گوید، ولی کردارش با گفتار او هماهنگ نیست، غافل است نه ذاکر. شیخ صدوق از رسول اکرم(ص) نقل کرده که فرمود: «مَن أطاعَ اللهَ فَقَد ذَکَرَ اللهَ، و إن قَلَّت صَلاتُهُ و صِیامُهُ و تِلاوَتُهُ. و مَن عَصَی اللهَ فَقَد نَسِیَ اللهَ، و إن کَثُرَت صَلاتُهُ و صِیامُهُ و تِلاوَتُهُ لِلقُرآنِ.» کسی که از خدا اطاعت کند، در واقع او را یاد کرده است، هر چند نماز و روزه و قرآن خواندنش اندک باشد و کسی که خدا را نافرمانی کند، در واقع، خدا را فراموش کرده است، هر چند نماز و روزه و تلاوت قرآنش بسیار باشد. (معانی‌الأخبار، ص ۳۹۹، ح ۵۶)

در آیینه تاریخ

سیر تاریخی سیل‌ها در کشور

دخالت‌های ویرانگر انسانی

□ **مهدی دنگچی/** در ایران به گواه شواهد موجود و آمارهای ارائه‌شده پس از حدود ده سال خشکسالی، احتمال وقوع سیل در سال‌های آتی شدت گرفته است. اگرچه سیل در زمره سوانح طبیعی دسته‌بندی می‌شود، در ایران بیشتر سیل‌های رخ داده بیش از آنکه منشأ آنها طبیعی باشد، حاصل دخالت‌های ناصواب انسانی است که سیل ۱۳۸۸ در شهر قم تنها نمونه کوچکی از آن است؛ چرا که بستر رودخانه خشکیده قمرود توسط شهرداری به پارکینگ تبدیل شد و در نهایت وقتی بعد از چند سال کاهش بارندگی، باران کمی بیش از حد تصور مسئولان بارید و در رودخانه جاری شد، به جای بستر شن و ماسه‌ای به صدها نفر از مردم و خودروهای پارک شده برخورد کرد و همه را با خود برد. تخریب جنگل‌ها و مراتع، چرای بی‌رویه دام در بالادست سدها و مسدود کردن بیشتر رودخانه‌های کشور با دیواره‌های بتنی نیز از دیگر دلایل تشدید سیل در کشور است. بر اساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست، از ۴۲۱ مورد سیل رخ داده از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۰، نزدیک به ۷۴ درصد آن تنها مربوط به سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ است؛ یعنی در فاصله سال‌های ۶۰ تا ۸۰ میزان سیل ۲۰ برابر شده است؛ در حالی که تغییرات زیادی در بارندگی‌های منطقه جز چند مورد استثنایی وجود نداشته است.

بر اساس داده‌های بانک اطلاعاتی خسارات سیل معاونت آبخیزداری سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور طی چند دهه گذشته، به طور متوسط خسارات ناشی از سیل بالغ بر ۱۰۰۰۰ میلیارد ریال در سال بوده و از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۳ سبب کشته شدن ۱۱ هزار و ۷۳۹ نفر و مفقودالاثر شدن ۲۳۸۱ نفر دیگر شده است.

دو میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار از مزارع کشور در همین بازه زمانی آسیب دیده و یک میلیون و ۵۸۰ هزار رأس دام تلف شده است؛ اما خسارات وارده به کشور از این سال به بعد، پس از گذشت ۱۲ سال هنوز به صورت مدون ارائه نشده است.

سیل میدان تجریش تهران

با اینکه حافظه تاریخی مردم ایران سیل‌های شمال کشور را فاجعه‌بارترین سیل‌های ایران قلمداد می‌کند، سیل میدان تجریش تهران در سال ۱۳۶۶، دومین سیل مخرب کشور از نظر تلفات انسانی نام گرفته است. که در ۴ مرداد ۱۳۶۶ ساعت یک بعدازظهر، بر اثر بارش شدید باران و جاری‌شدن سیلاب در دره‌های دربند و گلابدره، در شمال تهران رخ داد؛ اما آنچه خسارات سیل را تشدید کرد، شکسته شدن سد دیگری بود که روی رودخانه گلابدره ساخته شده بود. ناگهان حجم عظیمی از آب روانه میدان تجریش و خیابان شریعتی و مناطق اطراف شد. شدت رگبار باران به گونه‌ای بود که در مدت ۱۰۷ دقیقه ۲۸ میلیمتر بارش ثبت شد.

در مدت کوتاهی سیلاب عظیمی از رودخانه گلابدره به حرکت درآمد و در مسیر خود سد ساخته‌شده را تخریب کرد و صدها تن گل‌ولای و سنگ را در مسیر رودخانه گلابدره و جعفرآباد به سمت میدان تجریش به حرکت درآورد.

سیل سال ۱۳۶۶ در تهران

سیل در استان گلستان

اگرچه هر ساله کشور شاهد وقوع سیلاب‌های متعددی است، سیل ویرانگر گلستان در ۲۰ مرداد ۱۳۸۰ که منجر به کشته و مفقودالاثر شدن بیش از ۵۰۰ نفر از هموطنان شد، هنوز هم عنوان نخست فجایع سیل کشور را به خود اختصاص داده است. وسعت تخریبی این سیل که به گفته کارشناسان تماماً در اثر تخریب جنگل‌ها و مراتع در بالادست حوضه آبریز گرگان‌رود بود، حدود ۵۰۰۰ کیلومتر را در برگرفت و طبق اعلام سازمان ملل در اوت سال ۲۰۰۱ سیل گلستان در این سال رتبه یک تلفات انسانی سیل در جهان را به خود اختصاص داد. در ۲۰ مرداد ۱۳۸۰ شکسته شدن سد شهید وفایی نیز مزید بر علت شد و حجم عظیمی از آب با سرعتی باورنکردنی جاده گلستان و خودروهای عبوری را گرفت و جنگل‌های بکر داخل پارک ملی گلستان را با خود برد. در اثر این سیل هزاران تن خاک جابه‌جا و مخزن سد گلستان پر شد. لاشه حیات وحش سیل‌زده و ده‌ها هزار دام کشته شده و شیوع بیماری وبا در میان سیل‌زدگان، عمق فاجعه را چندین برابر کرد.

اگرچه سیل گلستان بار دیگر در سال ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ درست در حول و حوش سالگرد سیل نخست تکرار و منجر به کشته شدن بیش از یکصد نفر دیگر شد، با وجود تخریب چندباره جاده گلستان، باز هم این جاده در همان بستر سیل‌خیز رودخانه «دوغ» در داخل پارک ساخته شد تا بار دیگر این پرسش مطرح شود که چرا با وجود احتمال وقوع باران سیل‌آسا و بیش از حد طبیعی، باز هم جاده‌ها در کنار بستر رودخانه کشیده می‌شوند و مجهز به سیل بند نیستند؟

اگرچه سیل در زمره سوانح طبیعی دسته‌بندی می‌شود، در ایران بیشتر سیل‌های رخ داده بیش از آنکه منشأ آنها طبیعی باشد، حاصل دخالت‌های ناصواب انسانی است، سیل ۱۳۸۸ در شهر قم تنها نمونه کوچکی از آن است؛ بستر رودخانه خشکیده قمرود توسط شهرداری به پارکینگ تبدیل شد و در نهایت وقتی بیش از حد تصور مسئولان باران بارید، سیل به راه افتاد و موجب خسارت شد

سیل در سیستان‌وبلوچستان

به دنبال بارندگی‌های شدیدی که از ۳۰ دی ۱۳۹۵ در مناطق جنوبی استان سیستان‌وبلوچستان در ایران آغاز شد، رودخانه‌های فصلی طغیان کردند و سبب بسته شدن ۱۵ راه اصلی و فرعی در این استان شدند. حدود ۳۰۰۰ خانه در مناطق ایرانشهر، سرباز، نیک‌شهر، کنارک و غیره آسیب دیدند. همچنین ۳ روستا به دلیل هم‌جواری با رودخانه کاملاً تخلیه شدند. به طور کلی ۱۶۷۰ چادر امدادی برای سیل‌زدگان برپا شد. طغیان رودخانه کاجو سبب شد تا دسترسی به ۸۰۰۰ تن از ساکنان روستاهای بخش سابورک غیرممکن شود. این بارندگی‌ها و سیلاب‌های شدید ۱ نفر کشته داشت.

سیل در شمال غرب ایران

در روز جمعه ۲۵ فروردین ۱۳۹۶ در منطقه شمال غرب ایران سیلی بزرگ رخ داد. بر اساس اعلام سازمان هواشناسی بارش متوسط در حدود ۴۰ میلی‌متر بوده که طی ۱۵ سال قبل از آن بی‌سابقه گزارش شده بود. تعداد جان‌باختگان این حادثه ۴۸ نفر اعلام شد. بیشترین تلفات و مفقودی‌های این سیل از شهرستان‌های عجب‌شیر و آذرشهر گزارش شده بود.

سیل در شمال و شمال شرق ایران

از روز پنجشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۶ در ۵ استان ایران سیل جاری شد. بارش‌های شدید باران در استان‌های گلستان، گیلان، خراسان رضوی، خراسان شمالی و سمنان موجب جاری شدن سیل شد و بر اثر آن ۱۴ نفر جان خود را از دست دادند. یک نفر در استان خراسان شمالی، چهار نفر در استان گلستان و نه نفر در استان خراسان رضوی. چهار نفر نیز در استان خراسان رضوی مفقود شدند. در خراسان شمالی چهار نفر در یک خودرو بودند و آب خودروی آنها را با خود برد که در این حادثه یک نفر از آنها جان خود را از دست داد.

۱۴ ماه بعد(مهر ۱۳۹۷)

در روز جمعه ۱۳ مهر ۱۳۹۷ بار دیگر بارندگی شدید آغاز شد: این بار در شهرهای استان‌های خراسان شمالی، مازندران، گلستان و گیلان سیل بزرگی جاری گردید. بارش‌های شدید موجب سیل شد که در اثر آن دست‌کم نه نفر جان خود را از دست دادند. بارندگی شدید و آبگرفتگی معابر و طغیان رودخانه‌ها تا سومین روز در گیلان ادامه داشت.

پنج ماه بعد (بهار ۱۳۹۸)

در اواخر اسفند ۱۳۹۷ و بهار سال ۱۳۹۸ یکبار دیگر شهرهای گنبد کاوس، گُمیشان، بندر ترکمن و آق‌قلا که در مسیر رودخانه‌های قره‌سو و گرگان‌رود قرار داشتند، خسارت زیادی دیدند. علاوه بر آن شهرهای شرق مازندران و شهر شیراز در فارس با خسارات شدید مالی مواجه شدند و در مجموع ۳۹ نفر کشته داشتند.

سیل به این استان‌ها ختم نشد؛ بلکه استان لرستان (شهر پلدختر) را درنوردید و در شهرهای مختلف استان خوزستان شاهد پدیده سیل بودیم.

تذکار

به وقت حاجت!

□ **محمدرضا قضایی/** دعا و مناجات مؤمن وسیله‌ای برای ارتباط فقیر مطلق با غنی مطلق است. پناهگاهی که انسان ضعیف را در پناه قدرتی لایتناهی قرار می‌دهد و او را از حیرانی در نجوا با معبود خارج می‌کند. دعا دل‌ها را به نور معرفت و شناخت خدا روشن کرده و جایگاه او را نسبت به خالق خود مشخص می‌کند. دعا نقطه شروع ارتباط عاشقانه است که مسیر پُرپیچ و خم را به مسیری هموار و مستقیم تبدیل می‌کند. ارزش مؤمن به دعاهای او در نزد خداوند است. «قُلْ مَا یَعْبَأُ بِکُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَاؤُکُم»؛ بگو: پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد.» (فرقان/ ۷۷) آرامشی وصف‌ناپذیر است وقتی می‌توانی با خدای خود سخن بگویی.

دعای ماه مبارک رمضان معانی ارزشمندی دارد و درخواست‌هایی را نیز برای دعاکننده در خود جای داده است. اگر به ما بگویند مهم‌ترین درخواست و حاجت خودت را در مهم‌ترین ساعت‌ها و روزهای سال و اوقاتی که درب‌های آسمان باز است برای پذیرش حوایج بیان کنید، مطمئناً هیچ یک از ما نمی‌دانستیم چه حاجتی بخواهیم که مهم‌ترین‌شان باشد و پرسودترین آن. ثانیه ثانیه این ماه مهم است، پس حوایج ما نیز باید از مهم‌ترین باشد، امّا کدام یک مهم‌تر است؟! اهل بیت(ع) ادعیه‌ای برای ماه مبارک به ما رساندند تا بتوانیم از این فرصت استفاده کنیم و مهم‌ترین حوایج را از خدا بخواهیم.

در دعای هر روزه ماه مبارک رمضان دو درخواست خیلی مهم گنجانده شده است. یکی حج است که همه احکام و برنامه‌های اسلامی، اعم از نماز، انفاق، ایثار، هجرت، ترک دنیا و... در آن نهفته است و دیگری آمرزش و غفران الهی است که اگر این نباشد هیچ یک از افعال نیک انسان فایده‌ای ندارد. چون گناه سبب حبط و از بین بردن اعمال نیک می‌شود و غفران الهی عامل قبولی اعمال است. به عبارتی، یکی معطوف به اعمال عبادی و دیگری برای پاکی روح و قلب و زدودن زنگارها که عامل سعادت ماست. اهل بیت(ع) به ما یاد دادند در این فرصت ارزشمند پاکی و بندگی را از خدا بخواهیم. ان‌شاءالله

تاریخ حماسه

به دنبال فتح بزرگ

□ **حسین معینی/** در عملیات خیبر، فرمانده ارتش دیرتر از همه از طرح عملیات با خبر و دلگیر شده بود. بعدها که فرماندهی محور زید به آنها سپرده شد، به آیت‌الله خامنه‌ای نامه نوشتند که در این محور با توجه به وضعیتش، احتمال موفقیت کم است. فرمانده سپاه معتقد بود پیشروی در هور آنقدر برای عراق غافلگیرکننده است که اگر محور جنوبی (طلائیه) هم قوی نباشد، عملیات موفقیت‌آمیز می‌شود. او همچنین یکی از قوی‌ترین لشکرهایش، یعنی لشکر ۱۴ امام حسین(ع) را که متعلق به نیروهای اصفهانی بود به محور جنوبی مأمور کرد.

پشتیبانی نیروهایی که برای جنگیدن به هور می‌رفتند، با قرارگاه نوح بود. نبود خشکی و لزوم سرعت بالا در انتقال نیرو و تجهیزات سبب شد که از هوانیروز کمک خواسته شود. فرمانده هوانیروز ارتش به کنار هور آمد و نیروی هوایی هم پشتیبانی پدافند هوایی را بر عهده گرفت. همچنین هواپیماهای اف ۱۴ مأمور شدند تا به جنگ میگ‌های عراقی بروند.

عملیات خیبر نخستین تجربه مرحوم حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی در فرماندهی جنگ بود. او قبل از آمدنش به جبهه، به امام قول داده بود تا با پیروزی به تهران برگردد تا راهی برای پایان جنگ باشد. حضرت امام هم فقط سکوت کرده بودند. هاشمی‌رفسنجانی در ذهنش به این فکر کرده بود که می‌توانیم با گرفتن یک منطقه از خاک عراق، پای میز مذاکره و پذیرفتن آتش‌بس برویم و به بهانه این منطقه، حقمان را از صدام بگیریم.

هاشمی‌رفسنجانی در خاطراتش می‌نویسد: «آن‌گونه که انتظار داشتم، عنوان ختم جنگ مقبول نیفتاد. معلوم است مسئله مهم برای بسیاری از رزمندگان، ادامه جنگ است و همه چیز هم همین را نشان می‌دهد. شاید به همین جهت امام موافق طرح ختم جنگ نیستند و اگر در قلب‌شان هم قبول داشته باشند، بر زبان نمی‌آورند.»

سراج

ثبات قدم در راه حق-۷

□ **سیدحسین خاتمی‌خوانساری/** یکی از لوازم دین‌داری و گسترش دین در جهان ثبات قدم مسلمانان و مؤمنان است که یک فضیلت اخلاقی و مقدمه پای گذاشتن در راه سلوک و لقای پروردگار است. جامعه دینی هنگامی روی آسایش اخلاقی و امنیت اخلاقی را می‌بیند که پیشتر از آن به ثبات قدم رسیده باشد. در شماره‌های قبل از ثبات قدم و لزوم آن برای مؤمنان گفته شد. همچنین ثروت‌های معنوی و مادی که ثبات قدم دارد، بیان شد. یکی از برکات ثبات قدم آینده روشن است. کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند، همیشه نگران آینده مجاهدت‌شان هستند. خداوند برای اینکه این اضطراب و نگرانی در انسان به وجود نیاید، آینده را روشن توصیف می‌کند و عاقبت را از آنِ مؤمنانی می‌داند که ثبات قدم دارند. چه چیزی دلگرم‌کننده‌تر از اینکه خداوند با مؤمنین، محسنین، متقین و صابرین است؟ کسانی که با ثبات قدم و اعتماد به خدا، وعده‌های دلگرم‌کننده شامل حال‌شان می‌شود. «إِنَّ اللهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقَوا وَالَّذینَ هُم مُحسِنونَ».(نحل/ ۱۲۸)

خداوند زمین و خلایق در آن را متعلق به خود می‌داند و به هر که خودش بخواهد می‌دهد و نیز عاقبت خیر را برای مؤمنان و متقین می‌داند. «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام برای پرهیزگاران است»(اعراف/ ۱۲۸) این واگذاری البته فقط برای مؤمنین است؛ «...عاقبت نیک برای پرهیزگاران است»(قصص/ ۸۳)

خداوند همیشه به مؤمنین وعده یاری داده است. این یاری برای کسانی است که در میدان عمل ثبات قدم دارند و در مقابل دشمن ایستادگی می‌کنند. «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست».(حج/ ۳۹)

وعده‌های خداوند بدون پشتوانه نیست، اگر مؤمنان شرایط را در وجود خود ایجاد کنند، خداوند به آنها کمک می‌کند و ترس و واهمه‌ای از کفار ندارد؛ زیرا ترس از هیبت و قدرت در وجود انسان‌هاست. خداوند خودش شاهد و ناظر اعمال انسان‌ها و آن چیزی است که در قلب‌های‌شان می‌گذرد. همچنین خداوند راهش را مشخص کرده و غلبه و پیروزی را برای دین خود می‌داند، حال نظر مشرکان هرچه می‌خواهد باشد. «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد.»(فتح/ ۲۸)؛ «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.»(توبه/ ۳۳ و صف/ ۹)؛ «...صبر و استقامت کنید، که عاقبت از آن پرهیزگاران است.»(هود/ ۴۹ و طه/ ۱۳۲)؛ «و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند پیروزند؛ حزب و جمعیّت خدا پیروز است.»(مائده/ ۵۶ و حشر/ ۲۲)؛ در مقابل خداوند ضعف‌ها و زبونی‌ها را متعلق به شیطان می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ کَیدَ الشَّیطانِ کانَ ضَعیفًا»(نساء/ ۷۶)؛ و با ایادی شیطان و کفار شدیدالحن سخن می‌گوید و از پیامبر خدا(ص) می‌خواهد هیچ ابهت و هیبتی برای آنها در نظر نگیرد و بدون کوچک‌ترین واهمه‌ای به سمت آنها یورش ببرد و آنها را مطیع خود کند. اگر مسلمانان با پیامبر خدا(ص) همراهی کرده و به دستور خدا عمل می‌کردند، اکنون هیچ کفر و شرکی در زمین نبود. «ای پیامبر! با کافران جهاد کن... و بر آنها سخت بگیر.»(تحریم/ ۹)؛ «با آنها پیکار کنید! تا فتنه باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید، زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.»(بقره/ ۱۹۳).

جام جهان نما

منشور کبیر

□ **محمد گنجی/** در زمان پادشاهی هنری دوم در انگلستان، وقتی حقوق اشراف سرمایه‌دار تهدید شد، آنان نبرد چهل ساله خونینی را علیه حکومت به راه انداختند که سرانجام به امضای قرارداد آتش‌بس در حوالی قلعه وینزر انجامید؛ همان قراردادی که امروز به سند «مگنا کارتا» شناخته می‌شود و غربگرایان آن را آغاز راه «دموکراتیزاسیون» می‌دانند.

این سند در سیر تکوین تاریخی‌اش به «شبه قانون اساسی» در انگلستان بدل شد و فقط منشوری بود برای رسمیت یافتن «سرمایه‌داری» و ضامن «حقوق اشراف فئودال» که نخستین «قید و بندها» را برای تضمین حقوق این طبقه به نظام پادشاهی تشکیل می‌داد.

«پال جانسون»، مورخ شهیر آمریکایی می‌گوید: سند «مگنا کارتا» به حق نخستین قانون از مجموعه قوانین انگلیسی است که می‌توان گفت «آزادی‌های انگلیسی» و در نتیجه «آزادی‌های آمریکایی» از آن نشئت می‌گیرد.

منشور کبیر یا مگنا کارتا (Magna Carta) منشور قانونی انگلیسی است که به طور رسمی در سال ۱۲۱۵ میلادی به تصویب رسید. این منشور به زبان لاتین نوشته شده و به نام لاتین آن شناخته می‌شود. در سال ۱۲۱۵ اشراف انگلستان که از پادشاه به خشم آمده بودند، «جان» پادشاه انگلستان را وادار کردند تا منشور کبیر را در ۱۵ ژوئن ۱۲۱۵ امضا کند. در واقع جان مالیات زیادی از اشراف درخواست کرده بود و این فرمان بیان می‌کرد که حتی پادشاه نیز مشمول قانون می‌شود و باید از آن اطاعت کند.

اصلی‌ترین دلیل تدوین این منشور، اختلاف میان «اینوسنت سوم» یکی از پاپ‌های کلیسای کاتولیک رم و اشراف انگلستان، با پادشاه بر سر میزان و حد قدرت وی بود. منشور آزادی، پادشاه را وادار می‌کرد به تشکیلات قانونی احترام بگذارد و قبول کند که قانون بر اراده شخصی او ارجحیت دارد.

مگنا کارتا، شاه انگلستان را موظف به پذیرفتن حقوق مشخصی برای مردان آزاد تحت حکومتش، احترام به برخی رویه‌های قانونی مشخص و پذیرفتن این موضوع کرد که قدرت او توسط قانون محدود خواهد شد. در این منشور، مقصود از «مردان آزاد»، اقلیتی از بارون‌ها و فئودال‌های سرزمین انگلستان بودند؛ در حالی که مردم عادی، رعایا و سرف‌ها از حیطه حقوقی این منشور خارج بودند.

تا قرن هجده میلادی در میان مورخان چنین تصور می‌شد که منظور از این حقوق، دفاع از آزادی‌های شخصی است. بخشی از این اسطوره‌سازی مرهون استفاده‌های سیاسی بود که مبارزان آزادی‌خواه قرن ۱۷ (انگلستان) و قرن ۱۸ (ایالات متحده) برای پیشبرد پیکار خود علیه پادشاهی انگلستان به این منشور ارجاع می‌دادند. با این حال مورخان عصر ویکتوریا انحصار حقوق منشور بزرگ به بارون‌ها را افشا کردند. علی‌رغم این مسئله، منشور همچنان وجه نمادین خود را حفظ کرده است و در فرهنگ اروپا- آمریکایی از آن به عنوان یکی از دستاوردهای تاریخی علیه استبداد پادشاهی یاد می‌شود.

منشور کبیر به یکی از مهم‌ترین اسنادی بدل شد که در روندی تاریخی به ایجاد حکومت مشروطه در جوامع انگلیسی زبان امروزی انجامید. گفته می‌شود قانون اساسی ایالات متحده آمریکا از مگنا کارتا اثر پذیرفته است.

هدف اشراف انگلیس تحکیم حقوق رایج فئودالی بود و آن منشور هنوز به مثابه رشد جوانه دموکراسی و تکامل آن نبوده و رعایا «انسان آزاد» محسوب نمی‌شدند. در این منشور قید شده است: «هیچ انسان آزاد (منظور صرفاً اشراف فئودال است) نباید دستگیر، زندانی یا از دارایی‌اش محروم یا محکوم، تبعید یا به هر صورتی بی‌خانمان شود... مگر به حکم قانون.»

این منشور البته درطی سال‌های بعد چندین بار بازبینی و بازنویسی شد. برخی پادشاهان به ویژه در هنگامه نیاز به مالیات بیشتر به آن وفادار بودند و برخی آن را نقض می‌کردند. با ضعیف شدن فئودال‌ها و قدرت گرفتن طبقه بورژوازی، این بار مطالبات این طبقه ایشان را به محدود کردن قدرت پادشاه برانگیخت. این مبارزات در نیمه قرن ۱۷ دنبال شد و تدوین اعلامیه حقوق مردم را در سال ۱۶۸۹ در پی داشت.

صبح صادق ۱۰

۹۰ درصد آثار کیفیت ندارند

مصطفی رحماندوست ضمن انتقاد از آثار و عملکرد صنعت نشر در حوزه ایثار و شهادت، گفت: بالای ۹۰ درصد آثار از نظر کیفی مؤثر نیستند، چون سفارشی تولید می‌شوند. کیفیت یعنی کیفیت هنری و هنر چیزی است که از دل برآید و کار دل سخن مستقیم نیست. در یک اثر ادبی باید دل را هدف قرار داد؛ چرا که هنر خردگرا نیست، بلکه معناگرا است.

زندگی

آنلاین‌هایی که همیشه تنها هستند

□ **محبوبه ابراهیمی /** قفل گوشی را باز کرد و برای هزارمین بار، صفحاتش را در شبکه‌های مجازی چک کرد. فارغ از همه اتفاقاتی که اطرافش می‌گذشت و آدم‌هایی که در کنارش نفس می‌کشیدند، دنیایش در صفحه گوشی خلاصه شده بود. با هر بازدید جدید و بالارفتن تعداد لایک، در دلش جشنی برپا می‌شد از این همه پسندیده شدن... این همه محبوبیت و دنبال‌کننده‌هایی که بیشتر می‌شدند...

این حکایت کسانی است که دل در گرو فضای مجازی نهاده‌اند و یک دل نه صد دل شیفته این جادوی اعجاب‌انگیزند؛ آدم‌هایی که اغلب برای فرار از ملالت‌ها و تنهایی‌ها به گوشی‌های موبایل پناه آورده‌اند و در شلوغی دنیای مجازی در تلاش برای پر کردن خلأ تنهایی و بی‌کسی خویش هستند؛ اما آیا این فضا عطش تنهایی‌شان را رفع خواهد کرد یا سرابی است که باید از آن تشنه برگشت؟

بدون شک، دنیای نامحدود اینترنت با همه جاذبه‌های مدرن و چشم‌نواز، به ویژه اینکه قابلیت برقراری ارتباط بین انسان‌ها در همه نقاط جهان را فراهم می‌کند، مدعی کمرنگ کردن تنهایی‌هاست. همین ادعا، مبنای دوستی‌های مدرن و روی خطی است که بسیاری از ما آن را تجربه کردیم و برای مدتی به آن بالیدیم و دلشاد بودیم. شاید لذت نخستین روزهای ورود به این فضا را هرگز از یاد نبریم؛ لذت قدم نهادن در دنیایی مدرن و تجربه دوستی‌های آنلاین و ساعت‌ها چت فارغ از زمان و مکان. این حس غرورآفرین و نشاط‌بخش در کنار جاذبه‌های وبگردی، پرسه‌زدن در شبکه‌ها و نصب بازی‌های متنوع رایانه‌ای بر روی گوشی، بهانه‌های زیبا و فریبنده‌ای برای چشم دوختن به صفحه گوشی هستند که نمی‌توان آنها را انکار کرد. با همین بهانه‌ها، گوشی جایش را در دست‌ها و ذهن‌ها باز کرد و آرام و بی‌صدا، همه را به گوشه‌ای از خانه‌ها و اتاق‌ها کشاند تا غرق دنیای مجازی شوند. کم‌کم دورهمی‌ها به جمع فیزیکی انسان‌هایی تبدیل شد که حتی بر سر سفره، دستی بر قاشق دارند و دست دیگر بر گوشی! و این‌گونه با ورود به فضای مجازی، انسان‌ها از دوستان و اقوام و حتی اعضای خانواده دور و در نتیجه تنها شدند؛ اما همچنان به دورهمی‌ها و شلوغی روی خط اینترنت دلخوش هستند و نسبت به اطرافیان احساس بی‌نیازی می‌کنند.

در دنیای دیجیتال، اما واقعاً فرد برای مدتی تنهایی را حس نمی‌کند. گاهی آنقدر سرش شلوغ می‌شود که نزدیکان و حتی نیازهای همسر و فرزند را فراموش می‌کند و گذشت ساعت را از یاد می‌برد. اینها همه تا مدتی ادامه دارد؛ اما واقعیت این است که با گذشت زمان، تب دلربایی‌های این جادوی چهار ضلعی کم می‌شود و عطش تنهایی دوباره بر دل می‌نشیند. فرد با تجربه لذت‌های مجازی به این باور می‌رسد که لذت دورهمی‌ها و گفت‌وگوهای حضوری با چت‌های مجازی بسیار متفاوت است! استیکرهای بامزه خنده نمی‌توانند حس خنده واقعی را به دلش بنشانند و اشک‌های مصنوعی و شکلک‌وار، گویای سوز دردهای درونی‌اش نیستند! گرمی و حلاوت محبت‌ها و دوستی‌های حقیقی‌اش با دوستی‌های سطحی و ناپایدار آنلاین و روی خط قابل مقایسه و تکرار نیستند! آدم‌ها به نگاه‌های مستقیم، به گرمی نفس‌هایی که حس می‌شوند، به چایی که با هم می‌نوشند، به نشستن در کنار هم و حرف زدن بی‌واسطه و بی‌فاصله دلشادند و اینها را نمی‌توان در قاب گوشی‌ها گنجاند! اینجاست که در حسرت یک همنشینی پر خاطره، مانده از وعده‌های دنیای مجازی و رانده از لذت‌های دنیای حقیقی در برهوت تنهایی سرگردان می‌شود. بخشی از گوشه‌نشینی‌ها، انزوای اجتماعی و حتی خشونت‌ها و پرخاشگری‌ها حاصل همین مانده و رانده شدن و سردرگمی‌هاست. تا آنجا که حتی تحقیقات متعدد در سطح جهان، رابطه مستقیم استفاده‌های مکرر از شبکه‌های مجازی، با حس تنهایی را ثابت کرده است. در داخل کشور نیز پژوهش‌هایی بر روی جامعه‌های آماری مختلف از جوانان و نوجوانان همین رابطه را نشان داده و اینها همه از واقعیتی تلخ حکایت دارند. اینکه برخلاف توقع بشر که با توسعه فناوری‌ها و وسایل ارتباطی، روابط ساده‌تر و فاصله‌ها کمتر شوند، این مهم حاصل نشده و اینترنت و گوشی‌های هوشمند از سویی انسان‌ها را نسبت به ارتباط‌های واقعی بی‌میل و از سوی دیگر از امیدهای مجازی ناامید کرده و یأس و ناامیدی را چاشنی تنهایی‌های فرد می‌کند... حال آنکه زندگی بر مدار ارتباطات سنتی و دیرین، افراد را سالم‌تر و با نشاط‌تر می‌کرد و حس تنهایی کمرنگ‌تر بود.

شاید وقت آن رسیده باشد که عزممان را جزم کنیم و با ترک اعتیادهای مجازی، نوستالوژی شیرین دورهمی‌های واقعی را دوباره احیا کنیم. زندگی بدون گوشی و نت در دنیای مدرن امروزی سخت و محدودیت‌ساز است؛ اما برای گریز از تنهایی‌های روی خط، گاهی لازم است از خط بیرون بزنیم و آنلاین نباشیم... .

مروری بر اثر جدید مسعود ده‌نمکی

«زندانی‌ها» از «اخراجی‌ها» عقب ماند

□ **نسیم اسدپور /** «اخراجی‌ها»، «معراجی‌ها» و این بار «زندانی‌ها»؛ گروهی از یک قشر خاص که مسعود ده‌نمکی به آنها نگاه ویژه‌ای دارد و خوب و بدهای زندگی‌شان را در فیلم‌هایی با همین نام نشان می‌دهد. پسوند «ها» گویای این است که ده‌نمکی دوست دارد از یک گروه صحبت کند. «زندانی‌ها» نام فیلم سینمایی جدید ده نمکی است که موضوع آن درباره کسانی است که به هر دلیل در زندان به سر می‌برند. این فیلم حواشی زیادی نداشت و به نظر می‌رسد، بی‌حاشیه بودن این فیلم به خواسته کارگردانش هم بازمی‌گردد؛ زیرا ده‌نمکی پس از دریافت پروانه ساخت زندانی‌ها در صفحه رسمی اینستاگرام خود نوشت: «زندانی‌ها پروانه ساخت گرفت تا رسماً وارد چرخه تولید شود. برخلاف اخبار منتشر شده، زندانی‌ها فیلمی سیاسی یا تاریخی نیست و موضوع آن اخلاقی، معنوی و اجتماعی است. ان‌شاءالله در یادداشت‌های روزانه جزئیات بیشتری خواهم نوشت. دعا کنید تا می‌شود بتوانیم فیلم را در سکوت و بدون حاشیه به پایان برسانیم.»

اما برخلاف خواسته ده‌نمکی در ابتدا «زندانی‌ها» با حاشیه‌ای همراه شد و آن هم انصراف ده‌نمکی از حضور فیلمش در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر بود. او در صفحه اینستاگرام خود دلیل انصرافش از جشنواره فیلم فجر را قالب و مضمون فیلم مطرح کرد.

پس از آن، برخی رسانه‌ها این گمانه‌ها را مطرح کردند که انصراف ده‌نمکی برای شرکت در جشنواره به دلیل اختلافات وی با جشنواره است؛ اما روابط عمومی فیلم سینمایی «زندانی‌ها» به صورت رسمی اعلام کرد، علت اصلی انصراف فیلم «زندانی‌ها» تنها فضا و مضمون این فیلم بوده و قرار است این فیلم به زودی اکران شود.

اتفاقاً هم خیلی زود چنین شد و فیلم در فهرست اکران قرار گرفت و فیلم زندانی‌ها توانست اکران نوروزی را از آن خود کند و از تاریخ ۲۵ اسفند ماه بر روی پرده سینماها رفت؛ اما فروش نه چندان زیاد آن، فیلم را به رده پنجم در جدول فروش برد که شاید این موضوع چند دلیل داشته باشد که یکی از دلایل آن به داستان فیلم مربوط می‌شود.

داستان حول محور دو دوست که در زندان هستند و یک جوان که سعی در ارشاد و راهنمایی آنان دارد قرار دارد و با ماجرای خروج زندانی‌ها به همراه طاها که دانشجوی الهیات است و برای نوشتن پایان‌نامه خود دو زندانی را با گذاشتن سند آزاد می‌کند، می‌گذرد. این خروج از زندان فرصتی را ایجاد می‌کند تا دو زندانی به دنبال گنجی در کنار امامزاده بروند.

هدایت هاشمی، هومن برق‌نورد، بهنام تشکر، برزو ارجمند، بهاره افشاری، بهنوش بختیاری، اصغر نقی‌زاده و امیر نوری از جمله بازیگران فیلم سینمایی «زندانی‌ها» هستند.

قهرمانی خلق نمی‌شود

داستان برای بسیاری از چراها جواب ندارد و بیننده هر لحظه منتظر اتفاقی است که شاید داستان را جذاب‌تر کند؛ اما این اتفاق هیچ

زندانی‌های ده‌نمکی نتوانست مانند اخراجی‌ها توجه مخاطبان و فیلم‌دوستان را به خود جلب کند، اما این نشانه ضعف نیست و کاملاً عادی است که برخی فیلم‌های یک کارگردان از دیگر فیلم‌هایش قوی‌تر باشند.

جای داستان رخ نمی‌دهد و تنها در پایان داستان است که تا حدی این جذابیت شکل می‌گیرد، داستان ساده است و سادگی‌اش مخاطب را به یاد فیلم‌های قدیمی و معمولی دهه ۷۰ می‌اندازد. از سویی ده‌نمکی نشان داده است در داستان‌هایش یک نفر را قهرمان یا کاراکتر اصلی داستان نمی‌کند و تلاش می‌کند داستانش را در یک جمع یا بهتر بگویم یک گروه جلو ببرد، مانند اخراجی‌ها، گروهی که با دیگر رزمندگان تفاوت دارند؛ اما در نهایت از این جمع که بعد کمدی و طنز داستان را پررنگ کرده‌اند، یک نفر به مقام شهادت می‌رسد. در زندانی‌ها هم با گروهی سه نفره مواجهیم؛ اما واقعیت این است که این سه نفر آن طور که باید و شاید با قدرت ظهور نمی‌کنند و نمی‌توانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند و این هم باز به جذابیت کم داستان باز می‌گردد. بنابراین برخلاف اخراجی‌ها که نام «مجید سوزوکی» ماندگار می‌شود، این بار از خلق شخصیت ماندگار خبری نیست.

بدون دغدغه تماشا کنید

دغدغه دیگر کارگردان بحث انتظار برای فرج امام زمان(ع)است که این محتوا در قالب صحبت‌ها و دیالوگ‌هایی در دل داستان جا داده شده است. خواندن دفترچه یادداشت طاها از سوی خواهر یکی از زندانیان مشخص می‌شود، طاها ۳۹ هفته است که برای ادای عهد و امید به وصال به جمکران می‌رود و تنها یک هفته مانده است تا عهد ۴۰ هفته خود را ادا کند؛ اما به دلیل نجات دو زندانی در زیر آوار سفر به جمکران را رها کرده و از نیمه‌های راه بازمی‌گردد. در سکانس آخر و پلان‌های پایانی فیلم رد پایی را می‌بینیم که نشان می‌دهد اگر برای خدمت به خلق خدا قدم برداری، به وصال نائل خواهی شد و سال‌ها عبادتت با کمک به خلق خدا تکمیل می‌شود.

به این محتوای کاملاً درست، بسیار مستقیم پرداخته شده و شاید اگر داستان به گونه دیگری مطرح می‌شد تا محتوا را به طور مستقیم به مخاطب القا نکند، بهتر بود؛ زیرا در دنیای امروز و جامعه امروزی پرداخت غیرمستقیم به موضوعات خواهان و تأثیر بسیار بیشتری دارد؛ با این حال همین پایان هم به دل مخاطب می‌نشیند.

در هر حال شاید بتوان «زندانی‌های» ده‌نمکی را از نظر این محتوا متمایز از دیگر فیلم‌های تاریخ سینمای ایران حتی فیلم‌های خودش دانست؛ زیرا کمتر فیلمی است که این چنین بتواند با جسارت موضوع انتظار را به تصویر بکشد.

درباره وجه کمدی و طنز «زندانی‌ها» هم باید گفت، فقط با تکه‌پرانی‌های یکی از زندانیان است که این وجه پررنگ‌تر می‌شود، البته هیچ‌گونه ابتذال و بی‌ادبی در شوخی‌ها وجود ندارد و خانواده‌ها برعکس بسیاری از کمدی‌های دیگر هیچ نگرانی بابت بردن فرزندان‌شان به سینما نخواهند داشت.

در پایان باید گفت، زندانی‌های ده‌نمکی نتوانست مانند اخراجی‌ها توجه مخاطبان و فیلم‌دوستان را به خود جلب کند، اما این نشانه ضعف نیست و کاملاً عادی است که برخی فیلم‌های یک کارگردان از دیگر فیلم‌هایش قوی‌تر باشند. به نظر می‌رسد، تا حدی سخت باشد که ده‌نمکی به دوران طلایی اخراجی‌ها برگردد؛ فیلمی سه‌گانه و در گیشه بسیار موفق، به گونه‌ای که اخراجی‌های(۲) توانست با میلیاردها تومان فروش به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران مبدل شود.

کنکاش

نگاهی به روابط همسایگی در زندگی دیروز و امروز

غریبه‌های دیوار به دیوار

□ **شهناز سلطانی /** همسایه در ذهن بسیاری از ما یک تصویر دیروزی است؛ یعنی کوچه‌ای با چند خانه بزرگ و حیاط‌دار، بچه‌هایی که همیشه در حال بازی بودند و همسایه‌هایی که مثل خاله و عمه و دایی و عمو، روی‌شان حساب باز می‌کردیم؛ اما سال‌هاست که در شهرها از این شکل و شمایل همسایه و همسایه‌داری فاصله گرفته‌ایم؛ درست از همان زمانی که این خانه‌های باصفای حیاط و باغچه‌دار به مجتمع‌های مسکونی تبدیل شد و حالا دیگر سال‌هاست نمی‌دانیم با این همه همسایه که فاصله‌شان از دیروزی‌ها هم کمتر است چه کنیم. آیا مثل همان همسایه‌های قدیمی باشیم برای هم یا نه، بی‌سر و صدا از راه‌پله‌ها رفت‌وآمد کنیم تا مبادا کسی خبردار شود و چند کلامی هم‌صحبت.

اگر کودکی‌های‌تان در محله‌هایی قدیمی سپری شده باشد، قطعاً خاطره‌های زیادی از روزهایی دارید که کوچه جایی بود نه برای پارک ماشین که برای بازی و شیطنت کودکانه و بچه‌های همسایه بیشتر از خواهر و برادرهایی که داشتید هم‌بازی شما بودند. همسایه‌ها در غم و شادی هم شریک بودند و هر وقت به کمک‌شان احتیاج بود، زودتر از فامیل سر می‌رسیدند. خلاصه که همسایه و هم‌محلی برای خودش کلی معنا و عزت و احترام داشت.

از وقتی خواسته یا ناخواسته به زندگی به سبک جدید و آپارتمانی‌اش تن دادیم، قضیه از این رو به آن رو شد. از وقتی فاصله فیزیکی خانه‌های‌مان کم شد، روابط همسایگی رنگ باخت؛ تا آنجا که گاهی سال‌ها با همسایه دیوار به دیوارمان که فاصله واحد ما با آنها به یک متر هم نمی‌رسد، چنان غریبه‌ایم که اگر در راه‌پله‌ها هم رودرروی هم قرار بگیریم، شاید همدیگر را نشناسیم و اصلاً این همه غرابت برای‌مان عجیب نیست و راحت هضمش می‌کنیم.

شاید دلایل زیادی برای همسایگی نکردن! در آپارتمان داشته باشیم؛ مثل اینکه خسته از سرکار بر می‌گردیم و نیازی به گذران وقت با همسایه نداریم؛ برخلاف مادرهای ما که در گذشته اغلب خانه‌دار بودند و وقت آزاد بیشتری داشتند و به همین دلیل با همسایه‌ها مراوده می‌کردند و... اما واقعیت این است که امروزه حتی اگر یک زن خانه‌دار باشیم، احساس تنهایی کنیم و به شدت دل‌مان همسایه‌ای هم‌صحبت بخواهد کاری نمی‌کنیم که به همسایه‌مان نزدیک شویم و گپی با هم بزنیم و از تنهایی درآییم.

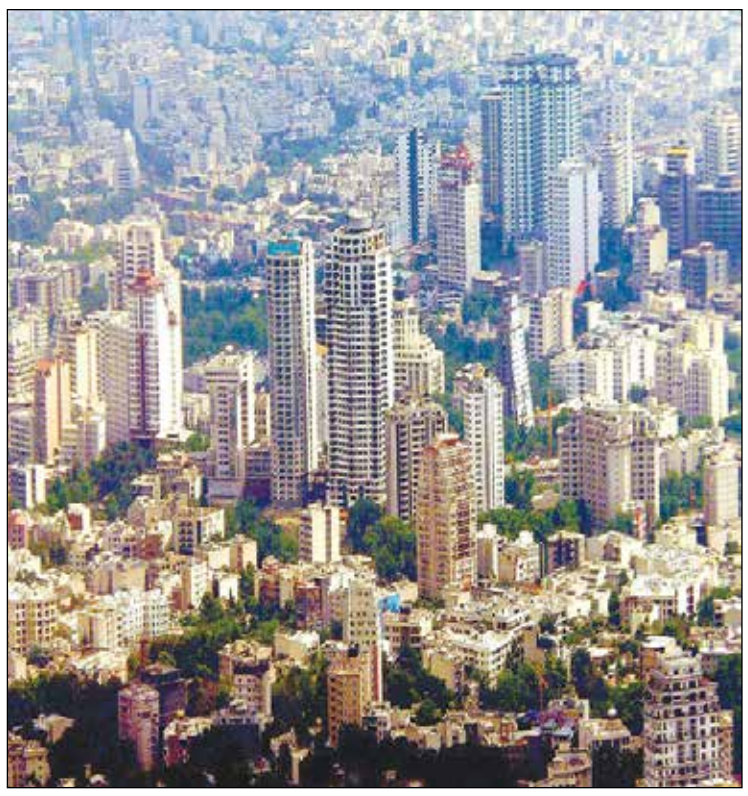

اغلب ما بیشتر از حال و آینده، در گذشته سیر می‌کنیم و مدام از روزهای خوشی که در محله با همسایه‌ها داشتیم یاد می‌کنیم، بی‌آنکه بپذیریم امروز شرایط تغییر کرده و حالا باید خودمان را با شرایط جدید سازگار کرده و حرکتی کنیم. حتماً می‌شود دوباره همسایه‌داری کرد و به یکدیگر مهر ورزید.

تحقیقات جامعه‌شناسانه نشان می‌دهد روابط نزدیک همسایه‌ها در گذشته نه تنها به افزایش امنیت محله کمک می‌کرده که احساس امنیت درونی افراد محله را هم سبب می‌شده است. در شیوه جدیدی از زندگی شهری هم می‌توانیم این حس خوب را بازسازی کنیم.

در زندگی پیچیده ماشینی، اتفاقاً آدم‌ها بیشتر از گذشته به مصاحبت و گفت‌وگو احتیاج دارند تا کمی از سختی‌ها و زمختی‌های این زندگی فاصله بگیرند و ذهن و جان و روح‌شان کمی آرامش بگیرد.

در زندگی پیچیده ماشینی، اتفاقاً آدم‌ها بیشتر از گذشته به مصاحبت و گفت‌وگو احتیاج دارند تا کمی از سختی‌ها و زمختی‌های این زندگی فاصله بگیرند و ذهن و جان و روح‌شان کمی آرامش بگیرد.

کافی است یکی پیش‌قدم باشد؛ گویا بقیه منتظر بوده‌اند تا یک نفر دست به کار شود و آنها هم تبعیت کنند. این یکی شما باشید و قدم اول را بردارید. کافی است ایده‌های‌تان را با دیگران یعنی همسایه‌ها به اشتراک بگذارید. بچه‌ها همیشه بهانه خوبی‌اند! مثلاً ساعتی را برای بازی آنها در حیاط مجتمع تعریف کنید؛ البته با هماهنگی مدیر ساختمان و این پیام را روی تابلو اعلانات آپارتمان‌تان نصب کنید. شک نکنید که کم‌کم آن ساعت برای بچه‌ها و والدین، به ویژه مادران ملکه ذهن می‌شود و حیاط، بچه‌های ساختمان را دور خودش می‌بیند. این ساعت و بازی نه فقط بچه‌ها که بزرگ‌ترها را هم کنار هم جمع می‌کند و بابی تازه برای آشنایی‌های بیشتر می‌گشاید. بعد از آن می‌توان قرارهای جدید گذاشت؛ مثلاً دسته‌جمعی بچه‌ها را به پارک و سینما و یا استخر و شهربازی ببریم. با هم به خرید برویم و عصرانه‌های دورهمی را حتی در خانه‌های‌مان برگزار کنیم. در این صورت می‌فهمیم با کدام یک از همسایه‌ها می‌توانیم ارتباط نزدیک‌تری داشته باشیم و دامنه ارتباط‌مان با آنها را گسترش بدهیم.

گذشت زمان و تعامل بیشتر سبب می‌شود شناخت بیشتری از هم پیدا کنیم و بذر اعتماد را رشد دهیم. آن وقت می‌توانیم مثل همسایه‌های قدیمی که خاطره خوش آنها در ذهن ما حک شده است با هم رفت‌وآمد خانوادگی داشته باشیم، در مواقع نیاز به هم کمک کنیم و احساس کنیم در همین نزدیکی کسی است که مثل خانواده خودمان می‌شود روی او حساب کرد.

به هر حال هر سبک جدیدی از زندگی مختصات خودش را دارد. مهم این است که بتوانیم به بهترین شکل ممکن خودمان را با آن سازگار کرده و از موقعیت جدید به بهترین شکل استفاده کنیم، نه اینکه سبک جدید ما را در خودش هضم و این نارضایتی درونی ما را دچار تشویش و نگرانی کند. همسایه‌داری هم از آن موضوعاتی است که در زندگی آپارتمانی هم می‌شود جایی خوب برای آن باز کرد.

راه نرفته

سن مناسب برای ازدواج چه سنی است؟

لیلا وطنخواه
دکترای مطالعات زنان و خانواده

ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیمات هر جوان در زندگی‌اش است؛ به طوری که اگر در این انتخاب و تصمیم بسیار مهم، درست و منطقی عمل کند آینده روشنی را برای خود رقم خواهد زد.

ضروری است درباره زمان و سن ازدواج دو نکته را در نظر داشت: ۱ـ ازدواج زمان صد در صد معین‌شده و ثابتی برای همه افراد ندارد. ۲ـ سن ازدواج همیشه تابع نیازهای فردی نیست، بلکه از نیازهای اجتماعی و نوعی نیز تأثیر می‌پذیرد.

با توجه به این دو نکته اگر شخصی به واسطه ازدواج نکردن به گناه آلوده می‌شود، باید به منظور حفظ پاکی و عفت، که تنها نشان کرامت انسانی است ازدواج کند.

زمان ازدواج به چند عامل بستگی دارد:

۱ـ برای افرادی که با ازدواج نکردن به گناه آلوده می‌شوند، ازدواج واجب است؛ اما بر اساس این معیار، نمی‌توان زمان و سن خاصی را معین کرد. هر زمان و در هر سنی که آدمی از حفظ گوهر پاکی عاجز شود؛ به گونه‌ای که علی‌رغم تمهید مقدمات و رعایت اصول اخلاقی و احکام فقهی از تیررس شیطان و آلوده شدن مصون نباشد باید ازدواج کند.

۲ـ عامل دوم رسیدن به بلوغ جنسی و رشد فکری و اجتماعی و اخلاقی است؛ یعنی هر چند آدمی بتواند غرایز خود را کنترل کند و خواهش‌های گذرا او را تهدید نکند، زمانی که به رشد فکری و عقلی و اجتماعی و اخلاقی دست یابد، ضروری است برای بقای نسل آدمی و رشد شخصیت خود و تکامل اخلاقی و معنوی خویش ازدواج کند. در اینجا نیز نمی‌توان به صورت قطعی سن معینی را بیان کرد؛ اما معمولاً دختران بین ۲۲ تا ۲۴ سالگی ازدواج می‌کنند که البته کسانی هم زودتر یا دیرتر به این امر می‌پردازند.

۳ـ گاهی اوقات علی‌رغم رسیدن به رشد و بلوغ لازم اشتغال به تحصیل یا کار، موجب تأخیر در ازدواج می‌شود. در این صورت نیز نباید سن ازدواج دختر از ۲۶ تا ۲۷ بگذرد. به هرحال از میان عوامل بیان‌شده عامل نخست جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا در صورت بروز آن دیگر کسی نمی‌تواند بگوید می‌خواهم درس بخوانم و رشد اجتماعی ندارم. در اینجا باید ازدواج کرد؛ زیرا حفظ پاکی از هر گوهری ارزشمندتر است.

اسلام در الگوی مطلوب خود، پایین‌بودن سن ازدواج را اصل می‌داند؛ اما حقیقت این است که سن مشخصی برای ازدواج مقرر نشده است. از سوی دیگر شواهد بسیاری نشان می‌دهد علاوه بر سن، متغیرهای دیگری نیز در تعیین زمان مناسب ازدواج تأثیر گذارند که به تبع آنها، معیار سنی نیز نوسان می‌یابد. در حقیقت به راحتی نمی‌توان گفت مناسب‌ترین سن برای ازدواج هر فرد چه سنی است؛ زیرا علاوه بر بلوغ شرعی (جسمی ـ جنسی)، بلوغ عقلانی، بلوغ اجتماعی و شخصیتی، امکانات اولیه مادی، حمایت اقتصادی و عاطفی والدین و... نیز از جمله مسائلی هستند که زمینه را برای ازدواج افراد فراهم می‌کنند.

طرح پرسش: ۳۳-۹۹-۳۰۰۰

یادداشت

میعاد اهالی کتاب

□ **ندا کرمانشاهی /** دانایی و آگاهی شرط زندگی سالم و کتاب و کتابخوانی، مسیر دانایی و آگاهی است. جامعه ایرانی از دیرباز اهل فکر و فرهنگ بوده و این منش ایرانی، بعد از پذیرش دین اسلام، عمق و شدت بیشتری پیدا کرده است؛ دینی که نخستین پیام آسمانی به پیامبرش با «اقرأ» شروع شده است.

از دیرباز تاکنون، همیشه اهالی کتاب در نحوه فکر و منش و زندگی، یک یا چند سر و گردن از دیگران بالاتر بوده‌اند و در شناخت و درک اتفاقات پیرامون خود و مواجهه هوشمندانه با آنها موفق‌تر عمل کرده‌اند. خلاصه اینکه «کتاب خوب خواندن» و «خوب کتاب خواندن» شرط سلامت و بالندگی فکر و روح آدمی است و اگر از سنین کودکی و نوجوانی در محیط خانواده برای افراد نهادینه شود، در بزرگسالی به راحتی و روشنی به سبک زندگی آنها تبدیل می‌شود که نتیجه آن، شکل‌گیری جامعه‌ای بانشاط، آگاه و پیشرفته خواهد بود.

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، که امسال سی‌ودومین دوره خود را پشت سر گذاشته، فرصتی بود برای ارائه بهترین‌ها و جدیدترین‌ها در حوزه کتاب و البته بهانه‌ای برای یادآوری ضرورت و اهمیت انس گرفتن با کتاب است.

حضور هر ساله و مفصل رهبر فرزانه انقلاب در این نمایشگاه و بازدید باحوصله ایشان از غرفه‌ها، همچنین تورق مهم‌ترین منشورات و گفت‌وشنود با ناشران، که همیشه با بیان نکات تحسین‌برانگیزی از سوی ایشان همراه است، تلنگری برای یادآوری اهمیت کتاب و کتابخوانی و برپایی چنین نمایشگاه‌هایی به شمار می‌آید.

شاید بد نباشد که هر سال کارنامه نمایشگاه کتاب ارزیابی شود و نقاط قوت آن تقویت و نقاط ضعفش اصلاح شود تا به رسالت تعریف‌شده برای این میعاد بزرگ فرهنگی عمل شود.

نمایشگاه کتاب در بستر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، باید فرصتی برای ارائه فاخرترین و سازنده‌ترین آثار در حوزه‌های متعدد و سنین گوناگون باشد. بدون‌شک نمی‌توان به بهانه آزادی اندیشه یا تضارب آرا، کتاب‌هایی کم‌عمق یا بی‌محتوا و گاهی با محتوای مخرب اخلاقی، اجتماعی و بنیادی به خورد مخاطبانی داد که با اعتماد به سلامت و وزانت نمایشگاه کتاب جمهوری اسلامی، قدم در این بوستان سالیانه فرهنگی می‌گذارند.

زحمات برگزارکنندگان نمایشگاه در همه سال‌ها قابل تقدیر بوده و هست و اصلاح برخی کژی‌ها می‌تواند به بالنده‌تر شدن این نهال جوان کمک کند؛ اما شاید آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز است انس با کتاب باشد که بدون شک شاید بتوان با برگزاری نمایشگاه هر ساله بین‌المللی کتاب و حتی نمایشگاه‌های دائمی در سطح شهر تا حدی به این مهم دست یافت؛ اما به طور قطع سهم عمده این مهم، بر عهده وزارت آموزش و پرورش و به ویژه خانواده‌هاست.

به طور قطع مشکلات کنونی اقتصادی، گرانی کتاب و... معضلات فراوان دیگر هم در کاهش سرانه‌های کتاب نقش داشته و خواهند داشت؛ اما قطعاً مهم‌ترین چیزی که سبب رشد یک کشور و از بین بردن همین مشکلات خواهد شد عادت دادن فرزندان به مطالعه کتاب است.

نمایشگاه کتاب مشوق بسیار خوبی برای این موضوع است؛ اما در کنار آن باید به راهکارهای دیگری از جمله پویش‌های گوناگون، کانال‌های مخصوص مطالعه و... مشوق‌های دیگر هم بسیار جدی نگریست. از سوی دیگر دادن تقویت یارانه‌های ویژه به دانشجویان و دانش‌آموزانی که اهل مطالعه هستند، در بالا بردن سرانه مطالعه بسیار مفید است.

در هر حال مسئولان و مدیران این حوزه باید بدانند پیشگیری بهتر از درمان است و جامعه‌ای که خودش را با مطالعه بیمه کند، هزینه‌های کمتری برای ناهنجاری‌های اجتماعی متقبل خواهد شد.

تقویت همدلی و هم‌افزایی بین ارتش و سپاه

فرمانده کل ارتش گفت: امروز ارتش و سپاه با هماهنگی کامل، در شرایط بسیار مطلوبی به سر می‌برند و بنا بر تدبیر فرمانده معظم کل قوا که نباید به وضعیت فعلی راضی بود، بسیار امیدواریم که این همدلی، هم‌افزایی و وحدت بین ارتش و سپاه در دوران فرماندهی سردار سلامی قدرت بیشتری بگیرد تا بتوانیم هرچه سریع‌تر اهداف والای انقلاب اسلامی را محقق کنیم.

سردار بابایی، فرمانده سپاه کربلا مازندران در گفت‌وگو با صبح صادق خبر داد

گروه‌های جهادی برای سیل‌زدگان خانه می‌سازند

□ عمار قلعه‌نویی/ **حادثه سیل در روزهای پایانی سال گذشته و آغازین روزهای سال ۱۳۹۸، خسارت‌های سنگینی به شهرهای مختلف استان مازندران وارد کرد.**

به این بهانه سردار محمدحسین بابایی، فرمانده سپاه کربلای استان مازندران در گفت‌وگو با خبرنگار صبح صادق آخرین وضعیت منطقه را پس از سیل و نحوه و میزان خدمت‌رسانی سپاه و گروه‌های جهادی استان مازندران بررسی کرده است که در ادامه می‌خوانید.

***

*** ابتدا از وقوع سیل در استان مازندارن و آثار و خسارت‌های ناشی از آن بگویید.**

در ۲۷ اسفند ماه سال ۱۳۹۷ در پی بارندگی و برف شدیدی که از سمت سوادکوه به سمت شرق استان مازندران رخ داد، خسارت فراوانی به استان وارد شد.

مرحله دوم در ۱۲ فروردین ماه سال جاری با افزایش و شدت بارندگی‌ها در ارتفاعات سوادکوه خسارت‌هایی به شهرهای منطقه سوادکوه وارد شد و آب سر ریز آن، شهرهای حاشیه رودخانه تلار را درگیر سیل کرد. در مرحله سوم این بارندگی‌ها که باز هم از منطقه سوادکوه آغاز شد، چندین پل و سرپل تخریب شدند.

برابر آمار نهایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۶ هزار و ۵۰۰ خانه در این مدت آسیب دید که ۶۶۰ خانه تخریب کامل شد که بیشتر ساکنان این خانه‌ها از افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره)، بهزیستی یا افراد کم بضاعت بودند.

۱۸۵۰ کیلومتر جاده‌های فرعی استان به صورت نقطه‌ای تخریب شد که از این آمار نیز ۲۰۰ نقطه دچار رانش کوه و موجب قطع جاده شده است.

تلفات بیش از ۸۹ هزار رأس دام و طیور، تخریب ۸ هزار و ۸۱۴ هکتار باغ و زمین کشاورزی، تخریب ۷۶۰ سر دهنه پل که کار انتقال آب رودخانه‌ها را برای باغ و زمین‌های کشاورزی انجام می‌داد، آسیب‌دیدگی ۱۱۴ مسجد، حسینیه و مدرسه، ۴۵۰ واحد دامداری و مرغداری و از بین رفتن ۴ هزار کلونی زنبور عسل در سیل اخیر ثبت شده است.

همچنین ۷۵۲ روستا و بخشی از شهرستان سیمرغ که در مسیر سیل قرار داشتند، دچار خسارت و آسیب شدند.

*** سپاه کربلا از ابتدای وقوع سیل چه خدمات و اقداماتی را ارائه کرده است؟**

به محض اطلاع از وقوع سیل در شهرستان سیمرغ، ستاد عملیاتی سپاه کربلا در میدان مرکزی این شهرستان مستقر شد. مأموریت اول ما نجات جان مردم و مهار آب بود که به کمک سپاه بابلسر و نیروهای محلی، مردمی و بسیجی انجام شد. پس از این مرحله و تخلیه منازل و جابه‌جایی مردم به نقاط امن، تخلیه آب از مناطق آب‌گرفته صورت گرفت. در ارتفاعات که درگیر برف و رانش زمین بودیم، مشکل فوری نداشتیم. بیشتر مناطق درگیر، روستاهای شمالی شهرستان ساری، بخشی از شهر بهنمیر بابلسر و بخش‌هایی از شهرستان سیمرغ و روستاهای تابعه بود. در این مدت ۱۷۳۰ منزل مسکونی و ۱۱۴ مسجد، حسینیه و مدرسه به همت پاسداران، بسیجیان و گروه‌های جهادی و مردمی لایروبی و گل‌روبی شد. پس از آن نیز شست‌وشوی فرش‌ها و منازل مردم انجام گرفت.

۷۰۹ دستگاه انواع ماشین‌آلات مهندسی (لودر، بیل، کمرشکن، تانکر آب، کف‌کش، لجن‌کش، باب‌کت، کامیون و...) از مجموعه مهندسی سپاه و مردمی، که چه به صورت اجاره‌ای و چه به صورت افتخاری آمده بودند، در پاک‌سازی و لایروبی در خدمت مردم این شهرها بودند.

در حاشیه اقدامات اولیه نجات مردم، جابه‌جایی و اسکان موقت و سپس لایروبی و گل‌روبی منازل و اماکن عمومی، چندین تیم بسیج جامعه پزشکی برای امداد به مردم آسیب‌دیده و درمان آنها نیز اعزام شدند. در مجموع ویزیت ۴۶۱۰ بیمار، ۱۷۶ بازدید و سرکشی از خانواده‌ها، ۱۰۸۱ مشاوره و روانشناسی و راه‌اندازی ۵۶ پست امداد در صحنه و همچنین ارائه خدمات دارویی انجام گرفت.

۹۰ گروه جهادی اعلام آمادگی کردند که در بخش ساخت منازل مسکونی کمک‌رسانی کنند که منتظر اعلام بنیاد مسکن برای واگذاری زمین و نقشه‌های ساخت هستیم؛ البته در بخش مرمت منتظر تصمیم‌گیری نیستیم و از ابتدا مرمت‌سازی منازل به ترتیب اولویت و میزان خسارت در حال انجام است

در بخش عمرانی نیز پس از کنترل و فروکش کردن سیلاب تاکنون بیش از ۱۸۳ منزل مسکونی مرمت و بازسازی شده است و خانواده‌ها به منازل برگشته‌اند. ۶۹۲ متر مربع دیوار منازل مسکونی بازسازی شده است. همچنین قراردادی با بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی(ره) برای ساخت خانه‌های افراد تحت پوشش این نهادها به تعداد ۱۹۰ واحد مسکونی منعقد شده است.

از این تعداد با توجه به اینکه تاکنون زمین ۲۱ واحد مسکونی تحویل شده است، مراحل ساخت آغاز شده و در حال حاضر در مرحله پی‌ریزی ساختمان‌ها هستیم.

در ۱۵ روز اول خدمت‌رسانی، بیش از ۱۳ هزار و ۶۷۰ پرس غذای گرم بین مردم طبخ و توزیع شد. توزیع ۸۲۸۶ سبد کالای حمایتی یک هفته‌ای و یک ماهه نیز بین مردم آسیب دیده صورت گرفت.

در بخش دامی ۶۶۳ تن علوفه در میان دامداران به ویژه آنهایی که در ارتفاعات استان ساکن بودند تحویل داده شد. ۱۰۰۵ کیلومتر جاده، لایروبی، تعمیر و بازگشایی شد. ۸۸ کیلومتر لایروبی بستر رودخانه و زیرپل‌ها نیز انجام گرفت.

در بخش سوم خدمت‌رسانی آن چه ما به عنوان سپاه اسکان دادیم، ۷۵۱ خانواده بود که برای آنها ۱۱ هزار و ۲۶۷ تن برنج و آرد برای طبخ غذا و ۲۶ هزار و ۲۴۸ باکس آب معدنی، ۱۶۰۰ تخته پتو و ۱۹ هزار قوطی کنسرو توزیع شد.

*** گروه‌های جهادی بسیج و گروه‌های مردمی و سپاه‌های استانی چه نقشی در امدادرسانی و خدمات‌رسانی به سیل‌زدگان این استان ایفا کردند.**

۲۱ هزار و ۳۷۹ نفر روز از عزیزان بسیج مردمی، طلاب و سایر بخشهای بسیج در قالب گروه‌های جهادی، امدادی و عمرانی مشغول خدمت‌رسانی به مردم عزیز استان شدند.

۹۰ گروه جهادی اعلام آمادگی کردند که در بخش ساخت منازل مسکونی کمک‌رسانی کنند که منتظر اعلام بنیاد مسکن برای واگذاری زمین و نقشه‌های ساخت هستیم؛ البته در بخش مرمت منتظر تصمیم‌گیری نیستیم و از ابتدا مرمت‌سازی منازل به ترتیب اولویت و میزان خسارت در حال انجام است.

برای تکمیل پروسه اسکان و ساخت منازل مسکونی، سپاه کربلای استان، گردان‌های امام حسین(ع)، گروه‌های جهادی و... در انتظار تصمیم‌گیری و تأمین اعتبار هستند تا بلافاصله پس از انجام مراحل قانونی کار ساخت منازل مسکونی آغاز شود.

۴۰۰ واحد مسکونی برای افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی و افراد کم‌بضاعتی که استحقاق کمک دارند بین سپاه‌های شهرستانی استان و پنج استان معین (اردبیل، گیلان، زنجان، سمنان و استان تهران) تقسیم شده است. استان‌های معین در مرحله اول کمک‌های بسیار خوبی به مناطق سیل‌زده استان اعزام کردند و امیدواریم با توجه به جلسات قرارگاه خدمات اجتماعی، که با حضور سردار غیب‌پرور در استان تشکیل شده در این بخش هم یاری‌گر ما باشند.

سپاه قدس استان گیلان، قول ۱۰۰ سری لوازم خانگی (شامل ۷ قلم) اساسی را به ما دادند که تاکنون ۵۰ درصد آن تحویل سپاه استان شده است. همچنین خیران استانی و کشوری نیز تاکنون در تأمین مصالح ساختمانی (آهن‌آلات، ماسه و...) کمک‌رسانی کردند. کارخانه‌های سیمان، سیمان رایگان در اختیار ما گذاشتند و خیران عزیز یزدی چندین تن کاشی برای ما ارسال کردند.

در اقدامی ویژه با توجه به اینکه استان مازندران افتخار دارد نام و یاد ۴۳ شهید مدافع حرم را به دوش می‌کشد و هر ساله در اردیبهشت ماه برای سالگرد شهادت این شهدا مراسمی با عنوان «اردیبهشت مقاومت» برگزار می‌شود، امسال این مراسم در شهرستان سیمرغ برگزار شد و ۴۳ گروه جهادی استان، که هر کدام به نام یکی از این شهدای مدافع حرم مزین شده‌اند، در حرکتی نمادین متولی ساخت چندین واحد مسکونی در مناطق سیل‌زده استان به نام این شهدای گرانقدر خواهند شد.

*** در پایان اگر حرف و سخنی دارید، بفرمایید.**

در پایان از همه مردم عزیز استان مازندران، خیران گرانقدر هم‌استانی و اقصی نقاط کشور و بسیجیان پرافتخار استان مازندران که در این یک ماه پر التهاب در کنار مردم استان مازندران بوده‌اند، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

یادداشت

سپاه، گام دوم و قرآن

□ علیرضا جلالیان/ قرآن کریم نسخه الهی برای زندگی بنی‌آدم در دنیاست. این موضوع را می‌توان به سیستم‌عاملی تشبیه کرد که در واقع کدنویسی آن در دستورالعملی به نام قرآن گنجانده شده است. به بیان دیگر در قرآن آنچه ساختار و سازمان بشر برای زندگی در دنیا نیاز دارد، با همه مبانی آن یعنی توحید و سلسله‌مراتب توحید و عدالت و معاد آمده است. در معارف مهدوی نیز جامعه مهدوی یا به تعبیری آخرالزمانی جامعه‌ای است که در آن قرآن به طور کامل جاری و ساری خواهد بود. البته این کتاب مقدس نه به عنوان متنی زیبا که تنها حفظ و تلاوت شود، بلکه یک سلسله قاعده و قانون برای تطبیق بشر با حقیقت عالم است. در منطق و آرمان انقلاب اسلامی نیز یکی از مراحل مهم و نهایی شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی عمل به قرآن است؛ تمدنی که بر پایه معارف قرآن و بر اساس قواعد و قوانین قرانی یا به عبارتی الهی پایه‌ریزی و اداره شود؛ البته غایت انقلاب اسلامی و پایان آن چیزی که ما به نام انقلاب اسلامی می‌شناسیم، مبتنی بر معارف شیعه، که بر گرفته از قرآن هم است، ظهور منجی عالم و برقراری حاکمیت جهانی اسلام از سوی امام معصوم خواهد بود. تمدن نوین اسلامی نیز در واقع نوعی حرکت به این سمت است؛ اما در این میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به منزله بازوی انقلاب و حافظ و صیانت‌کننده از آن، یکی از ارکان مهم تحقق این تمدن محسوب می‌شود. بنا به فرض بیان شده با توجه به اینکه سپاه پیش‌برنده و پیش‌رونده انقلاب اسلامی است، نخستین جایی که در حوزه انقلاب اسلامی باید قرآنی شود، مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود. بر این اساس، گام دوم برای سپاه گامی قرآنی است و سپاه در این گام برای اینکه پیش‌برنده و پیش‌رونده باشد، باید ساختار، سازمان و تشکیلات و نیروهای خود را بیش از پیش قرآنی کند و روندی را که برای این منظور در پیش گرفته تسریع بخشد. سپاه ملزم است به قرآن عمل کند. بر همین اساس رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی با انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی در کسوت نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه به عنوان پژوهشگر برتر قرآنی و رزمنده پای در رکاب انقلاب گام مهمی به این سو برداشتند. در آستانه گام دوم انقلاب نیز با انتصاب شایسته فرمانده جدید برای سپاه، قدم تکمیلی برای این منظور در آستانه ماه مبارک رمضان برداشته شد؛ انتخاب سردار سلامی به فرماندهی سپاه. یکی از شاخصه‌های سردار سلامی که در سخنرانی‌های خود همواره با قرائت متن عربی آیه، به آیات قرآن استناد می‌کند حفظ قرآن است؛ موضوعی که شهید تهرانی‌مقدم در دوران فرماندهی سردار سلامی بر نیروی هوایی سابق کشف کرد و از قول این شهید از سوی سایر فرماندهان نقل شد. به طور حتم حفظ قرآن و تلاوت و تأمل در آیات آن مقدمه عمل به آن است. بر این اساس به نظر می‌رسد گام دوم سپاه گامی قرآنی است که با رمضان‌المبارک امسال متبرک می‌شود و آغازی قرآنی‌تر را برای سپاه رقم خواهد زد.

نقطه سرخط

اگر سپاه نبود...

می‌گفت توی مدتی که در مناطق سیل‌زده حاضر بودم و در جلسات مدیران منطقه شرکت کردم، فهمیدم واقعاً اگر سپاه نبود کشور هم نبود. گفتم چرا؟ گفت چون مثلاً توی جلسه استانداری یکی از استان‌ها دیدم که استاندار ساعت یازده شب نتونست ۸۰ درصد مدیرانش رو جمع کنه، اما سردار پاکپور توی همون جلسه همه نیروهای سپاه توی منطقه را جمع کرد و مأموریت داد؛ ضمن اینکه با یه صحبت تلفنی کوتاه با فرمانده نیروی زمینی ارتش و استقبال خیلی خوب او، ارتش رو هم پای کار آورد.

گپ‌وگفت

فرمانده قرارگاه عملیاتی شهید هراتی سیستان‌وبلوچستان

اقدام سپاه در مهار سیلاب زبانزد مردم شده است

□ احسان امیری/ **استان سیستان‌وبلوچستان شامل حجم زیادی از نعمات آسمانی باران نبود؛ اما به واسطه سیلاب‌های کشور افغانستان که راهی این دیار می‌شد، این استان هم درگیر سیلاب‌های اخیر شد. در این میان، سپاه پاسداران اصلی‌ترین یگان مستقر در منطقه بود که توانست به خوبی این سیلاب‌ها را مهار کند. به منظور آشنایی بیشتر با وضعیت منطقه و خدمات سپاه پای صحبت‌های سرهنگ پاسدار پرویز آبسالان، فرمانده قرارگاه شهید هراتی نشستیم که در ادامه می‌خوانید؛**

با ورود سیلاب افغانستان به دشت سیستان، با توجه به عدم لایروبی انهار انتقال آب به دریاچه هامون، احتمال وقوع سیل متصور بود؛ بنابراین قرارگاه شهید هراتی سپاه در راستای خدمت به مردم و جلوگیری از آسیب رسیدن به منازل و دام‌ها، در مسیر دریاچه هامون از سمت رودخانه افضل‌آباد، لورگ باغ و پل قرآن، توسط گروه مهندسی قرارگاه قدس دایک‌ها یا سیل‌بندها را احداث کرد.

از ۳۰ فروردین‌ماه، با توجه به افزایش ورودی آب از افغانستان و شکستن سیل‌بند رودخانه نیاتک، روستای جهان‌تیغ در معرض خطر قرار گرفت و علی رغم تلاش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط، انسداد این سیل‌بند به نتیجه نرسید. با توجه به پیشرفت آب به سمت روستاهای مجاور، قرارگاه عملیاتی شهید هراتی از ساعت ۱۲ بامداد وارد عمل شد که پس از ۱۴ ساعت کار شبانه‌روزی این سیل‌بند که به طول ۲۰ متر بود مسدود و از ورود سیلاب به شش روستا جلوگیری شد.

با توجه به تداوم حجم بالای ورودی آب، صبح شنبه ۳۱ فروردین ماه سیل‌بند رودخانه نیاتک از دو قسمت (شهرک صنعتی هیرمند و روستای داشک) شکست و هم‌زمان دو تیم از قرارگاه شهید هراتی در راستای جلوگیری از سیل‌زدگی و خسارت به مردم به مناطق مورد نظر اعزام شدند.

کار روی سیل‌بند روستای داشک که به طول ۳۵ متر بود، از ۶ صبح همان روز شروع شد. در ساعت ۳:۳۰ دقیقه بامداد اول اردیبهشت ماه با وجود فشار آب و عمق سیل‌بند موفق به مسدود کردن آن شدیم که با انسداد آن از سیل‌زدگی هشت روستای مجاور جلوگیری شد؛ اما با توجه به شکست بزرگ‌ترین سیل‌بند در منطقه شهرک صنعتی هیرمند و سیل‌زدگی نه روستا در مسیل و تهدید روستاهای دیگر به دلیل افزایش بیش از حد کنترل آب و عمق زیاد مسیل و دایک شکسته‌شده، کار بسیار دشوار شد.

آنجا بود که سردار پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه، سردار مارانی فرمانده قرارگاه قدس و سردار گشتاسبی فرمانده سپاه سلمان، با رصدهای میدانی و هوایی و جلسات متعدد برای مدیریت بحران در منطقه سیستان و جلوگیری از تجربه تلخ سیل‌های استان‌های دیگر با توجه به قدمت بالا و سازه‌های بدون اسکلت و گلی، همچنین فرسوده بودن قریب به اتفاق منازل روستای مجاور که قطعاً موجبات تلفات و آسیب‌های بیشتر می‌شد، مدیریت مسیل را به عهده گرفتند.

رزمندگان سپاه با ایجاد مسیر انحرافی به طول ۷۰۰ متر در عمق رودخانه و با چهار شبانه‌روز کار مستمر موفق به انسداد این مسیر شدند. با انسداد این مسیر بیش از ۱۲روستا که در مسیر سیلاب قرار داشتند از سیل نجات یافتند و خطر به طور کامل از منطقه سیستان رفع شد و آب در مسیر دریاچه هامون هدایت شد، اقدام قرارگاه شهید هراتی در منطقه امروز به عنوان مجاهدت در میان مردم منطقه مطرح است.

روی‌خط

برای صرفه‌جویی در کاغذ، فیش حقوقی را چاپ نکنید

۰۹۰۱۰۰۰۷۶۱۵/ لطفاً تبدیل عضویت خواهران بسیجی کد ۸۸ را پیگیری کنید.

۰۹۰۱۰۰۰۱۶۹۲/ سال‌ها منتظر خانه‌دار شدن‌مان هستیم. پروژه شهید خرازی هشت سال طول کشیده است!

۰۹۱۰۰۰۰۶۰۷۳/ یه فکری به حال لباس‌های بسیج فعال مرزی کنید. ۲ ساله لباس نگرفتیم و مجبوریم خودمون بریم بخریم. / میثم از سلماس

۰۹۱۱۰۰۰۳۹۵۹/ چرا خواهران پیمانی کد ۵۴ باید یک دوره تو سپاه بمونن؟ چرا در ادارات دیگه بعد از پنج سال رسمی می‌شن؟ ما اومدیم خدمت کنیم، سرباز آقا باشیم.

۰۹۱۱۰۰۰۴۹۴۴/ فروشگاه سپاه مازندران خالیه و خیلی ضعیفه. دو ساله دنبال کالای ایرانی هستیم. خبری نیست/ یزدانی از میاندرود

۰۹۱۲۰۰۰۸۵۳۱/ لطفاً نوای ماهانه را جمع کنند، هیچ کارایی‌ای ندارد.

۰۹۱۲۰۰۰۷۲۵۷/ لطفاً درباره اعمال نکردن ارشدیت‌های تحصیلی که با مجوزهای مربوطه بوده اطلاع‌رسانی شود.

۰۹۱۲۰۰۰۵۸۹۱/ با افزایش شدید تورم و افزایش ناچیز حقوق بازنشستگان در سال جاری و عدم توانایی، آنها در تأمین امرار معاش زندگی شرمنده خانواده‌ای‌شان می‌شوند،

۰۹۱۴۰۰۰۵۳۴۳/ قرار بود تا برج ۶ سال ۱۳۹۷ وام مسکن بسیجیان کد ۸۹ بالای ۶ سال خدمت پرداخت بشه؛ ولی هنوز چشم انتظاریم.

۰۹۱۴۰۰۰۷۳۴۱/ حالا که سال عوض شده و غذاهای ارائه‌شده با کارت یکسان‌سازی قیمت‌شان دو برابر شده، لااقل سهم یارانه را هم دو برابر می‌کردند.

۰۹۱۴۰۰۰۹۱۳۴/ متأسفانه در شهرهای آذربایجان غربی، هر وقت فروشگاه اتکا کالای طرح حکمت اعلام می‌کند برای شاغلانی که در مرز خدمت می‌کنند، امکان دریافت این کالاها به دلیل حضور نداشتن در مرخصی وجود ندارد و زمانی که به مرخصی می‌روند، فروشگاه کالاها را تمام کرده است.

۰۹۱۴۰۰۰۴۳۲۳/ چرا مدت زیادی است خبری از وام مسکن نیست؛ با اینکه ماهیانه مبلغ ۱۰۰ هزارتومان از حقوق کسر می‌کنند.

۰۹۱۶۰۰۰۹۸۳۶/ برای مدیریت اردوگاه سیل‌زدگان و جلوگیری از سوءاستفاده از امکانات طرح دارم.

۰۹۱۷۰۰۰۷۳۳۴/ علت نپذیرفتن مدارک دانشگاهی اعم از پیام نور، علمی‌ـ کاربردی و آزاد اسلامی برای ارتقا و تبدیل عضویت چیست؟

صبح صادق: این موضوع دوبار از معاونت نیروی انسانی پیگیری شد؛ اما متأسفانه هنوز پاسخی دریافت نشده است!

۰۹۱۸۰۰۰۹۲۷۶/ امتیاز سهام پروژه مسکن شمیم رحمت متأسفانه با توجه به شرایط ضعیف اقتصادی کارکنان که قادر به ثبت‌نام نیستند در محدوده چیتگر و به قیمت ناچیزی به دلالان فروخته می‌شود. جای افسوس دارد. دلال زالوصفت این امتیاز را یک میلیون تومان می‌خرد.

۰۹۱۹۰۰۰۳۱۵۷/ درباره پروژه شهید خرازی و مبلغ هزینه ثبت‌نام‌کنندگان و زمان تحویل همه واحدها امکانات و... اطلاع‌رسانی فرمایید.

۰۹۱۹۰۰۰۱۴۹۰/ ده سال از شروع ساخت مسکن(پروژه شهید خرازی) برای کارکنان سپاه تهران بزرگ گذشت ولی از تحویل خبری نیست.

۰۹۱۹۰۰۰۷۸۲۵/ لطفاً درباره تعیین تکلیف وضعیت پاسداران پیمانی درجه‌داری کد ۵۳ با سابقه بیش از ۷ سال خدمت پیگیر باشید/ هنرمند از سقز

۰۹۳۶۰۰۰۱۵۶۳/ چرا پروژه‌های مسکن در شیراز به پایان رسیده؛ اما بعد از چند سال سند آماده نمی‌شود/ مجتمع خاتم‌الانبیاء صدرا شیراز

۰۹۱۲۰۰۰۶۷۱۲/ یکی از اقدامات خوب حذف پاکت‌های فیش حقوقی بود. با توجه به گرانی کاغذ می‌توان شیوه چاپ و توزیع را هم تغییر داد و مانند سازمان‌های دولتی و... در صورت نیاز هر فرد بتواند فیش حقوقی خود را از طریق شبکه داخلی چاپ کند.

دیده‌بان

همایش نیروی انسانی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه برگزار شد

نشست یک روزه مسئولان نیروی انسانی رده‌های نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه با هدف بررسی برنامه‌های سال ۱۳۹۸ برگزار شد.

به گزارش صبح صادق، در این همایش که با هدف تشریح آخرین سیاست‌ها، راهبردها و ابلاغیات، بیان کارخواسته‌های حوزه نیروی انسانی و بررسی چالش‌ها و مسائل حوزه نیروی انسانی بر پا شده بود، سردار کریمی، معاون نیروی انسانی سپاه اولویت‌ها و سیاست‌های نیروی انسانی سپاه را بیان کرد. در ادامه سردار قریشی، معاون هماهنگ‌کننده نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، ضمن قدردانی از تلاش‌های مسئولان نیروی انسانی نمایندگی مطالبات و خواسته‌های خود از نیروی انسانی را برشمرد. سرهنگ پاسدار حسن نقی‌زاده، رئیس اداره ارزشیابی و شایستگی‌های پاسداری نیروی انسانی سپاه و جانشین معاون نیروی انسانی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه نیز به اقدامات عملیاتی در حوزه نیروی انسانی اشاره کرد. بنابر همین گزارش، در ادامه این همایش مسئول اداره کارگزینی نیروی انسانی سپاه به تشریح حقوق و مزایای کارکنان پرداخت و مسئولان و مدیران نیروی انسانی نمایندگی درباره برنامه‌های سال ۱۳۹۸ نظرات خود را بیان کردند.

اهدای ۱۷۵ سری جهیزیه به نوعروسان ایلامی

به مناسبت اعیاد شعبانیه، ۱۷۵ سری جهیزیه از سوی رهبر معظم انقلاب و توسط قرارگاه مرکزی محرومیت‌زدایی سپاه به زوج‌های جوان ایلامی اهدا شد.

به گزارش صبح صادق، سردار حزنی، مشاور فرمانده کل سپاه و دبیر قرارگاه مرکزی محرومیت‌زدایی سپاه، در آیین اهدای جهیزیه‌ها با ارائه گزارشی از فعالیت‌های قرارگاه مرکزی محرومیت‌زدایی سپاه در کشور و استان ایلام، زوج‌های حاضر را به رعایت سبک زندگی اسلامی که از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب است دعوت کرد و گفت: «با الگوگیری از زندگی حضرت فاطمه زهرا(س) و امیرالمؤمنین علی(ع) می‌توان خانه‌ای مصفا به نور الهی داشته و به آرامش گمشده بشر امروز دست یافت.» دبیر قرارگاه مرکزی محرومیت‌زدایی سپاه در پایان سخنان خود، ضمن دعوت دختران و پسران و خانواده‌ها به آسان گرفتن ازدواج، از همه خیران و متصدیان انجام این امر خیر در کشور تقدیر و تشکر کرد.

افتتاح مجموعه ورزشی شهید مدافع حرم، دژبان کل سپاه

مجموعه ورزشی شهید مدافع حرم، امیر لطفی دژبان کل سپاه با حضور خانواده این شهید در مجموعه فرماندهی دژبان کل سپاه به بهره‌برداری رسید.

به گزارش صبح صادق، سردار حاتم عبادی فرمانده دژبان کل سپاه در این مراسم با بیان اینکه شهید امیر لطفی از دوران خدمت سربازی در مجموعه دژبان کل فعالیت داشت، افزود: «وی پس از پایان خدمت وظیفه به صورت نیروی رسمی جذب دژبان کل شد و در این مجموعه در حوزه تربیت بدنی فعالیت‌های زیادی داشت و به سبب اخلاق نیکو ، خیلی از نیروهای وظیفه را به سمت خود جذب می‌کرد و همه را به ورزش دعوت می‌نمود.» وی افزود: «این مجموعه یک سست کامل ورزشگاهی است که تمام نیازهای مکانی ورزش‌های مورد نیاز و سازمانی مجموعه دژبان کل سپاه به خصوص برای نیروهای وظیفه جوان را تأمین می‌کند.» شایان ذکر است که در این برنامه از خانواده شهید مدافع حرم امیر لطفی تقدیر شد.

خدمات مشتریان بانک انصار به سیل‌زدگان

قرارگاه حمایت‌های اجتماعی و محرومیت‌زدایی بانک انصار با جمع‌آوری میلیاردها ریال وجه نقد، بهره‌گیری از منابع اختصاص‌یافته در بودجه سالیانه خود و از محل کمک‌های کارکنان و مشتریان بانک، اقلام مورد نیاز سیل‌زدگان را تهیه و تأمین کرد و با هماهنگی سازمان‌های ذی‌ربط به مناطق سیل‌زده فرستاد.

به گزارش صبح صادق، بانک انصار حدود ۱۰ میلیارد ریال کمک‌های مردمی را جذب کرده و علاوه بر آن برای خرید، ارسال و تقسیم ۶ نیسان آب معدنی، ۲ نیسان کنسروجات و سایر اقلام شامل مواد خوراکی، پوشاک، توزیع روزانه بیش از ۲۰۰۰ غذای گرم و دیگر مایحتاج سیل زدگان اقدام کرده است. گفتنی است این قرارگاه در گزارش سالیانه، ضمن ارائه آمار فعالیت‌های سال گذشته خود از خدمات‌دهی به مناطق کم برخوردار شامل ساخت مدارس و مراکز بهداشت، کمک به زندانیان معسر، بسته‌های معیشتی ویژه نیازمندان، کمک به نهادهای علمی و ده‌ها اقدام در حوزه‌های مختلف، از کمک به زلزله‌زدگان و سیل‌زدگان و استمرار فعالیت‌های صورت‌گرفته سخن گفته است.

پیگیری

–پیامک‌های مربوط به معاون بهداشت و درمان سپاه درباره نبود درمانگاه در شهرک شهید احسانی کرج، ولی‌عصر سمنان، فاز ۴ شهر پردیس، شهرک سردار جنگل گیلان، مشکل کمیسیون پزشکی نیروی زمینی و نیز جذب پرستار بازنشسته در درمانگاه سپاه زنجان برای سردار عبداللهی ارسال شد و منتظر پاسخ هستیم.

–پیامک‌های مربوط به سردار صفری، مشاور ایثارگران فرمانده کل سپاه خدمت‌شان ارسال شد. منتظر تماس دفتر ایشان باشید.

– مشکلات مربوط به پروژه شهید خرازی و پروژه‌های مسکونی دیگر را به زودی از معاونت مسکن بنیاد تعاون پیگیری خواهیم کرد.

نکته: از آنجا که پیگیری مسائل اداری مربوط به معاونت نیروی انسانی و بنیاد تعاون سپاه کمی زمان‌بر است، همچنان پیگیر مشکلات پیامک‌شده مربوط به این معاونت و بنیاد تعاون در حوزه‌های مختلف هستیم.

سامانه پیامک صبح صادق ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

صبح صادق

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۸
اول رمضان ۱۴۴۰
سال نوزدهم شماره ۸۹۵
۱۲ صفحه

تلفن: ۱۱۰-۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱)
صندوق پستی: ۱۷۴۴۵/۱۴۴
سایت اختصاصی: ssweekly.ir سروش: @ssweekly
ارتباط مستقیم با سردبیر: sardabir@ssweekly.ir
ارسال مطالب: info@ssweekly.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳ نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

Mon. 6 MAY 2019 www.ssweekly.ir

صبحانه

گمان نیک

همه ما آدم‌هایی را دیده‌ایم که می‌گویند در زندگی یک روی خوش ندیدیم! خیلی‌ها در زندگی می‌خواهند به آسایش و لذت برسند تا خوشحالی را تجربه کنند؛ غافل از اینکه خوشحالی، آسایش و لذت را به دنبال دارد. اگر خودمان به زندگی روی خوش نشان دادیم و حال خوبی داشتیم، زندگی هم به ما روی خوش نشان می‌دهد؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «من نزد گمان بنده مؤمن خویشم.»

صادقانه

جان‌تان را فدای دین‌تان کنید

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: هر گاه بلایی فرا رسد، مال خود را فدای جان‌تان سازید و هر گاه مسئله‌ای دین‌تان را تهدید کرد، جان خود را فدای دین‌تان نمایید. این را بدانید که آن کس هلاک شده که دینش از دست برود و آن کس غارت شده به شمار می‌آید که دینش ربوده شده است. هان پس از به دست آوردن بهشت فقری نیست و پس از دوزخ، توانگری نیست.

تحف‌العقول، ج ۲، ص ۲۱۶

پژواک

اصطلاحات مجازی_۸

کِلَود_ ۲

محمدصالح نادری
کارشناس فناوری اطلاعات

در شماره قبل مفهوم کِلَود را بیان کردیم و یکی از مهم‌ترین خدمات آن را شرح دادیم. برای ادامه بحث سه مدل خدماتی کلود را توضیح می‌دهیم.

Saas: این مدل با نام «نرم‌افزار به عنوان یک خدمت» شناخته می‌شود. در این مدل، ارائه‌دهندگان خدمات ابری به شما خدمات نرم‌افزاری می‌دهند؛ برای نمونه کاربری به نرم‌افزاری خاص نیاز دارد که به دلایل مختلف مانند گران بودن، نداشتن فضای کافی برای نصب، موردی بودن نیاز به استفاده از آن نرم‌افزار، کافی نبودن سخت‌افزار کاربر برای اجرا کردن آن نرم‌افزار و... نمی‌تواند آن را روی سیستم خود نصب کند ، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات Saas به آن کاربر همان نرم‌افزار را در بستر اینترنت ارائه می‌کنند و وی با پرداخت حق عضویت اصولاً بسیار ناچیز، از آن نرم‌افزار استفاده می‌کند و هزینه خرید آن را تقبل نمی‌کند. در گذشته که ابرها اینقدر فراگیر نبودند، کاربران برای استفاده از نرم‌افزار به مکان‌هایی مانند کافی‌نت مراجعه و مثلاً نیم ساعت از واژه‌پرداز ورد استفاده می‌کردند! البته شاید این شرایط به دلیل وجود نرم‌افزارهای کِرَک‌شده ارزان‌قیمت در ایران برای ما زیاد قابل تجزیه و تحلیل نباشد؛ اما خوب است بدانید که اگر قوانین حقوق مؤلف در ایران مانند دیگر کشورها رعایت می‌شد، برای خرید نرم‌افزاری مانند مجموعه آفیس باید سالانه ۱/۵ میلیون تومان هزینه می‌کردید! این رقم برای نرم‌افزاری مانند مجموعه ادوبی شامل فتوشاپ و... سالانه نزدیک به ۷/۵ میلیون تومان می‌شود! بنابراین استفاده از خدمات Saas در قالب کلود بسیار به صرفه خواهد بود.

Paas: این مدل با نام «بستر به عنوان یک خدمت» شناخته می‌شود. در این حالت شما تنها خدمات نرم‌افزاری دریافت نمی‌کنید، بلکه حتی سیستم‌عامل هم به صورت ابری ارائه می‌شود؛ یعنی کاربر با یک اتصال شبکه‌ای ساده می‌تواند به سیستم عامل خود که روی ابرهاست متصل شود و کارهایش را انجام دهد. Paas مدلی است که ابرها برای سهولت کاربران در هنگام تغییر نیازهای‌شان ارائه می‌کنند. فرض کنید شما رایانه ویندوزی دارید و می‌خواهید از برنامه‌ای خاص که مختص سیستم‌عامل دیگری است استفاده کنید. در این حالت می‌توانید از خدمات Paas استفاده کنید. شرکت گوگل سیستم‌عاملی کاملاً اینترنتی به نام Chrome OS دارد که خدمات آن از بستر اینترنت قابل استفاده است. این سیستم‌عامل بر رایانه‌های شخصی به نام کروم‌بوک نصب می‌شود و کاربران از طریق آن می‌توانند به سادگی به فایل‌ها، برنامه‌ها و... دسترسی داشته باشند. کروم‌بوک‌ها از نظر سخت‌افزاری زیاد پیچیده نیستند؛ زیرا تقریباً تمام پردازش‌ها روی سرورهای گوگل انجام می‌شود. سیستم‌عامل اینترنتی دیگر Microsoft Azure است که برای کاربران متخصص، خدمات گوناگونی ارائه می‌کند.

Iaas: این مدل با نام «زیرساخت به عنوان یک خدمت» شناخته می‌شود. در این حالت کاربر بر اساس نیاز خود، تشخیص می‌دهد باید مجموعه‌ای از سخت‌افزارها را به طور کامل در اختیار داشته باشد و مدیریت کند؛ مانند اینکه رایانه‌ای خریده‌اید و اختیار دارید با آن هر کاری انجام دهید؛ با این تفاوت که با استفاده از Iaas نمی‌دانید این رایانه کجاست! خدمات کلود در قالب Iaas این امکان را می‌دهد که شما هیچ وقت نگران خرابی سخت‌افزار، از دست دادن داده‌ها و... نباشید. حتی اگر نیازهای سخت‌افزاری شما تغییر کند، لازم نیست رایانه خود را عوض کنید و دردسر انتقال اطلاعات و... را داشته باشید؛ زیرا با استفاده از Iaas در کوتاه‌ترین زمان ممکن بدون اینکه متوجه تغییر شوید، می‌توانید نیازهای سخت‌افزاری را به روز کنید. در این مدل، کنترلی کامل روی سخت‌افزار ابری در اختیار قرار داده شده داریم. این خدمت کلود بیشتر در سایت‌ها استفاده می‌شود تا کیفیت خدمات‌شان بالاتر برود.

Xaas: این مدل چیز جدیدی نیست! به مجموعه خدمات ارائه‌شده در مدل‌های گفته‌شده می‌گویند: «هر چیزی به عنوان خدمت». در واقع تمام نیازهای کاربر و هر چیزی که بتواند تصور کند، با Xass (مجموع خدمات Saas، Paas و Iaas) رفع می‌شود و این با کمک مفهوم کلود امکان‌پذیر است. در آینده شما با تبلتی بسیار ابتدایی از نظر سخت‌افزاری و تنها یک ارتباط اینترنتی می‌توانید توان پردازشی گران‌ترین رایانه‌های شخصی را در اختیار داشته باشید که این بخشی از آینده دنیای فناوری است.

حرف تو حرف

واکنش‌های خارجی و داخلی به هجوم ملخ‌ها!

پس از جاری شدن سیل در بیشتر نقاط ایران این بار هجوم ملخ‌ها به بعضی از مناطق ایران خبرساز شد. دلسوزان داخلی و دماغ‌سوزان خارجی واکنش‌هایی به این موضوع مهم داشتند.

نتانیاهو در حالی که ران ملخی را در دست داشت و بعضاً تیغ‌هایش در دستش فرو می‌رفت و به کتش گیر می‌کرد، گفت: «اَه لعنتی.. ما مشکل ملخ ایران را حل می‌کنیم. ما آماده‌ایم تکنولوژی تولید تردترین چیپس ملخ را به ایران بدهیم.» البته چند وقت پیش نتانیاهو می‌خواست مشکل کم‌آبی ایران را حل کند که در فاصله بسیار کوتاهی ابرها بدجور غیرتی شدند و به چشم درخت به زمین نگاه کردند و طوری باریدند که هم اکنون می‌توانیم با سطل آب از نتانیاهو و طرحش پذیرایی کنیم. احتمالاً با این پیشنهاد نتانیاهو هم، سپاه ابرهه برای نابودی ملخ‌ها اقدام کنند.

یک سلبریتی هم که اخیراً به جای شوت کردن توپ به دروازه، به کائنات نگاه می‌کند و تازه دستمان آمد چرا انقد گل می‌خوریم، با ابراز تأسف از این همه سادگی مردم گفت: «انقدر مرگ بر آل‌سعود گفتیم که آخرش ملخ‌ها به خودمان برگشتند.» اگر این سلبریتی را نقداً کارشناس حساب کنیم، با توجه به کینه شتری بن‌سلمان از ایران بعید نیست شبانه با آن هیکل درشتش که طول و عرض عربستان را در برمی‌گیرد ملخ‌ها را به سمت ایران کیش کرده و در عربستان را بسته باشد. به هر حال این ملخ‌ها از عربستان به سمت ایران وارد شده و به تناسب مرگ بر آل‌سعودی که مردم ایران می‌گویند، هی به خودمان برمی‌گردد. همین سلبریتی اگر بیشتر توضیح می‌داد، می‌گفت «با مرگ بر ترامپ این بار با فراوانی محصول هویج روبه‌رو خواهیم شد.» که ادامه نداد...

رئیس ستاد مدیریت بحران، با هجوم ملخ‌ها به میان مردم رفته و گفته، «مردم از خوردن ملخ خوشحال هستند و درخت‌ها و زمین‌هایی که محصول ملخ آورده‌اند صحنه‌های زیبایی را ایجاد کرده و در سطح شهر شاهد پیکرهای زیبایی از ملخ هستیم که می‌توان با صادرات آن به چین میلیون‌ها دلار ارز وارد کشور کرد.

سمیه قربانی

قبیله عشق

به خاطر عقب‌نشینی اشک می‌ریخت

در حمله گروهک تروریستی داعش، او مجبور به ترک موقعیت قبلی شد که به اسم موقعیت حضرت زهرا(س) تحویلش شده بود. این عقب‌نشینی برایش بسیار ناخوشایند بود؛ به حدی که برای از دست دادن آن موقعیت در لحظات قبل از شهادتش که در کنار هم بودیم اشک می‌ریخت.

به نقل از همرزم شهید مدافع حرم محمدحسین حمزه

محمدحسین ۱۵ اسفند ۱۳۶۵ چشم به جهان گشود. در همان نوزادی به بیماری سختی مبتلا و سه بار جراحی شد. وی در شرایطی به دنیا آمد که دو دایی شهید و یک عموی اسیر در دست بعثیان، خاطراتش را رقم می‌زد. پدرش پاسدار، رزمنده و جانباز و مادرش، خواهر دو شهید بود که همین امر سبب شد با فرهنگ ایثار و شهادت رشد کند. مراحل تحصیل را تا دیپلم به پایان رساند، سپس لباس سبزقامتان پرافتخار سپاه را پوشید. وی علاقه شدیدی به مسائل نظامی داشت. آخرین مدل سلاح‌های سبک و سنگین دنیا را از اینترنت جست‌وجو می‌کرد و با مهندسی معکوس، با پیچیدگی آنها آشنا می‌شد و در صورت ضرورت در بسیج و برای تداوم آموزش سپاه تدریس می‌کرد. در میدان‌های متعدد و مراسمات و یادبودها حاضر بود؛ در یادواره شهدا، عضو فعال و مبتکر، در یادمان‌های دفاع مقدس، در مراسم اعتکاف در ساخت و ساز مسجد و حسینیه و... خلاصه هرجا خلأیی احساس می‌کرد آنجا را با حضورش پر می‌نمود؛ چه مسائل نظامی، چه فرهنگی یا اجتماعی و عبادی و خانوادگی. در سال ۱۳۸۶ با خانواده‌ای مذهبی و پاسدار از نسل سادات شهرستان طالقان، روستای اورازان ازدواج کرد. حاصل این ازدواج دو فرزند به نام‌های محمدمحسن و زینب و یک مسافر در راه بود که دیگر چهره پدر را نمی‌دید. او دو بار برای مأموریت به استان سیستان‌وبلوچستان رفت و دو بار هم به سوریه اعزام شد. بار اول در سال ۱۳۹۴ به مدت سه ماه در سوریه حضور داشت. برای بار دوم هم داوطلبانه عازم منطقه حلب سوریه شد و مسئولیت فرماندهی گروهان را در خط پدافندی به عهده گرفت. سرانجام در ساعت ۸:۳۰ صبح پنج‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۵ بر اثر اصابت گلوله ۱۰۶ دشمن پرواز کرد.

تقویم انقلاب

اشغال سفارت ایران

سیدمهدی حسینی
کارشناس تاریخ

در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی روز ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ یک حرکت تروریستی در سفارت ایران در لندن به ثبت رسیده است. درست چند روز پس از شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در صحرای طبس، سفارت ایران به اشغال گروهی مهاجم درآمد، این‌گونه که ناگهان شش فرد مسلح عرب‌زبان به سفارت ایران در لندن حمله‌ور می‌شوند و ۲۶ نفر از اعضای کارکنان سفارت را به گروگان می‌گیرند. این اقدام تروریستی طبق برنامه‌ای تنظیم شده از طریق رژیم بعث عراق و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی انگلیس طراحی شده بود. رژیم بعث عراق مدعی بود، خواستار آزادی ۹۱ نفر از اعضای گروهک تجزیه‌طلب خوزستان یا به عبارت صحیح‌تر افراد جاسوس صدام است که در ایران دستگیر و زندانی شده بودند؛ اما بعدها مشخص شد اعضای این گروهک تروریستی از طریق سفارت بریتانیا در بغداد روادید ورود به این کشور را دریافت کرده بودند. لندن هم به فاصله کوتاه همه دیپلمات‌های خود را از تهران فراخوانده بود، یعنی پیش‌بینی عواقب کاری را که برنامه‌ریزی شده بود، کرده بودند؛ بر همین اساس، هنگام هجوم تروریست‌ها به سفارت ایران در لندن و گروگان‌گیری آنها، پلیس دیپلمات انگلیس هیچ‌گونه اقدامی در مقابله با آنها انجام نداد و حتی «مارگارت تاچر»، نخست‌وزیر وقت انگلیس نیز نسبت به این حادثه بی‌تفاوتی از خود نشان داد؛ این در حالی است که تروریست‌ها پس از چند روز همچنان روند خشونت‌گرایی و تهدید علیه گروگان‌ها را افزایش دادند تا جایی که عباس لواسانی را که یکی از گروگان‌های گرفتار بود، به شهادت رساندند و به نوعی نشان دادند خواسته‌شان مصمم هستند.

پس از پنج روز دولت تاچر واکنش نشان داد و نیروهای ویژه‌ای موسوم به «اس.ای.اس» (S.A.S) را سامان‌دهی کرد تا در زمینه آزادسازی گروگان‌ها اقدام کند. در همین راستا، نیروهای ویژه عملیاتی اس.ای.اس در قالب طرح عملیاتی به نام نیمروز در ۱۱ دقیقه، پنج نفر از تروریست‌ها را به قتل رساندند و گروگان‌ها را آزاد کردند.

در این آزادسازی، «علی‌اکبر صمدزاده» که دانشجوی دکتری کامپیوتر بود، به شهادت می‌رسد و کاردار ایران مجروح می‌شود؛ در بین تروریست‌ها هم یک نفر سالم دستگیر می‌شود. پس از دستگیری وی ایران خواستار استرداد این تروریست از دولت انگلیس شد که آنها از تحویل آن امتناع کردند.

گفتنی است، هنگام محاکمه این عنصر تروریست نه تنها ایران دعوت نشد؛ بلکه حتی نماینده‌ای از سفارت ایران هم برای حضور در آن جلسه دعوت نشد و اقدام صوری و فرمایشی زمان آشکارتر شد که اجازه ندادند خانواده شهدا و مجروحان و نماینده سیاسی ایران در این جلسات حاضر شوند.

با توجه به اینکه این حادثه درست ۱۸۰ روز پس از تسخیر لانه جاسوسی در ایران اتفاق افتاد، به خوبی نشان می‌دهد که این اقدام با هدایت آمریکا و همکاری انگلیس به منظور ضربه زدن به ایران و آزادی گروگان‌های آمریکایی در تهران طراحی شده بود و رژیم بعث عراق نیز با جریان آمریکایی‌ها همسویی داشت.

متأسفانه، پس از ۳۹ سال از این حادثه وزارت خارجه در این زمینه اقدام شایسته‌ای انجام نداده است.

کتیبه سبز

عبدالمجید فرائی
شاعر

با ما نیست...

هر که در مسلک دلدار نشد، با ما نیست
به غم یار گرفتار نشد، با ما نیست
هر که در خانه دل شعله جاوید نداشت
در ره یار سر دار نشد، با ما نیست
هر که خواهان رضای دل معشوق نبود
با دل صادق ما یار نشد، با ما نیست
آدمیت به تکلم، به دو پا رفتن نیست
صورتک آدم از احرار نشد، با ما نیست
ز غم خلق خداوند دلش خالی شد
دردشان دیده و بیمار نشد، با ما نیست
دید جور و ستم ظالم بدکار و خبیث
دلش از درد تلنبار نشد، با ما نیست
خویش بر خواب زد و دیده فروبست بگو
چشم بربست، خبردار نشد، با ما نیست
هر که دارو به دل زخم ضعیفان ننهاد
آزمایش شد و غم‌خوار نشد، با ما نیست
به زمین‌خورده تکبر نفروشد آدم
دید افتاده، پرستار نشد، با ما نیست
هر ستمدیده که یاری طلبد از دگران
دلش از غصه و غم، زار نشد، با ما نیست
عمر در خواب گران طی شد و بیدار نشد
هر که دل‌زنده و هشیار نشد، با ما نیست
قلمی داشت، بگو: پاس بدارد که قلم
سینه در سینه کفار نشد، با ما نیست
هر چه جوشیده ز دل، حامی پنهان دارد
هر کسی شاعر بیدار نشد، با ما نیست
با «فرائی» سخن دل تو بگو، می‌شنود
هر که دلداده دلدار نشد، با ما نیست

امیدم هست

تو پادشاهی و من مستمند دربارم
مگر تو رحم کنی بر دو چشم خونبارم
مرا اگر به جهنم بیفکنی ای دوست
هنوز نعره برآرم که دوستت دارم
ردای عفو برازنده بزرگی توست
وگر نه من به عذاب تو هم سزاوارم
امید من به خطاپوشی تو آنقدر است
که در شمار نیاید گناه بسیارم
تو را به فضل تو می‌خوانم و امیدم هست
اگر به قدر تمام جهان خطاکارم

سجاد سامانی / شاعر

تلخند

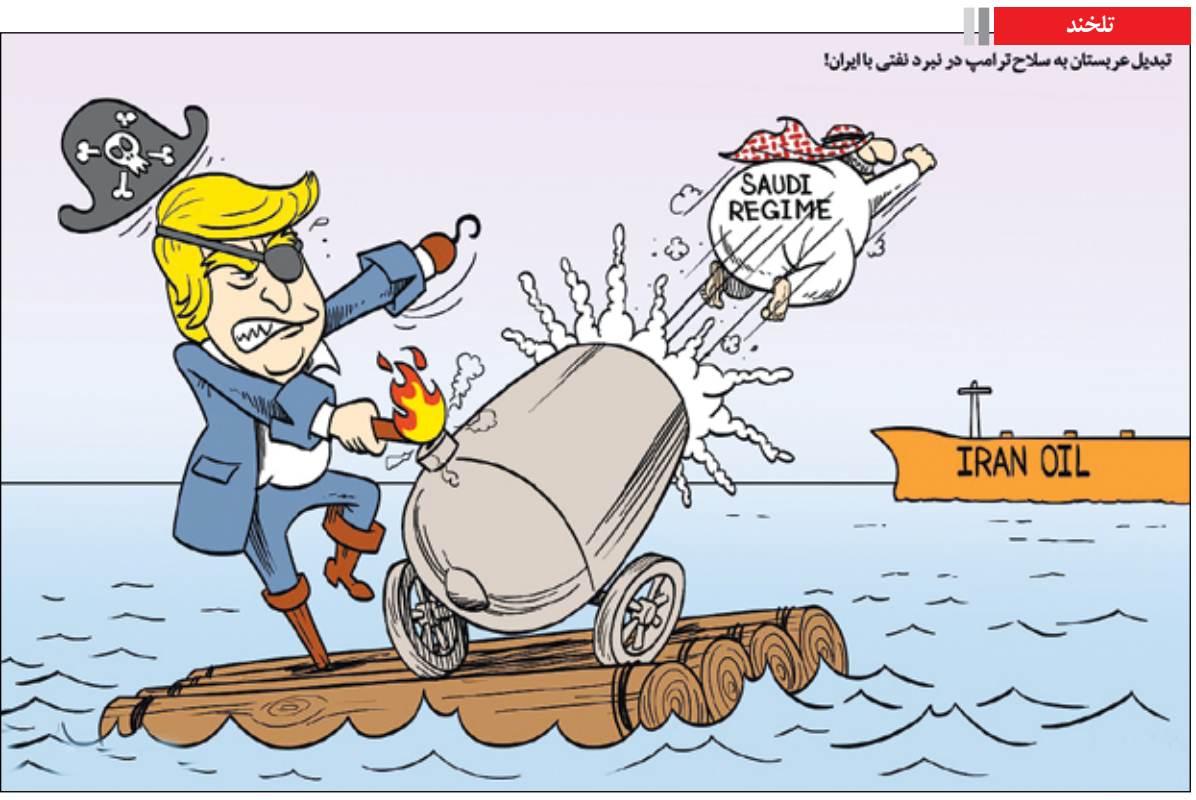

نکته گرام

صالحی(وزیر ارشاد): ترور طلبه همدانی زنگ خطر آغاز خشونت‌های عریان است. نفرت‌سازان، پشت صحنه این بازی کثیفند. بنگریم که در همین گفت‌وگوهای حقیقی و مجازی، چقدر بازار خشونت کلامی پر رونق است! گلوله‌ها با باروت کلمات ساخته می‌شوند.

برنی سندرز: پمپئو باید گمراه کردن مردم آمریکا درباره جنگ یمن را متوقف کند. در واقع نقش ایران در این موضوع بسیار کم است و ادامه حمایت آمریکا از فاجعه‌ای با رهبری سعودی‌ها، امنیت ملی ما را تضعیف می‌کند.

شهاب اسفندیاری: رئیس اخبار بی‌بی‌سی در نامه‌ای به همه کارکنان خبر بی‌بی‌سی یادآوری کرد که حق ندارند نظرات شخصی خودشان را درباره مسائل سیاسی و موضوعات اختلاف‌برانگیز در شبکه‌های اجتماعی مطرح کنند؛ وگرنه با آنها «برخورد متناسب» صورت می‌گیرد. بی‌بی‌سی فارسی جهت اطلاع!

عباسعلی کدخدایی: قدمت عنوان خلیج‌فارس در تاریخ، که به شهادت تاریخ‌نگاران غیر ایرانی در اسناد و مدارک گوناگون تأیید شده است، امری نیست که با تحمیل عنوان مجعول تغییر یابد. علاوه بر آنکه منفعتی برای مدعیان زیاده‌خواه آن نیز در بر نخواهد داشت.

وحید یامین‌پور: عباس عبدی گفته قاتل واقعی طلبه همدانی جریان اصولگراست؛ چون از فرهنگ الوات حمایت کرده! اوباشی که سطل و اتوبوس و بانک آتش زدند و در عاشورا کارناوال شادی راه انداختند و کتیبه سوزاندند که «امت خداجو» بودند! چرا مسئله‌ای را که حل شدنش به همگرایی ملی نیاز دارد جناحی و سیاسی می‌کنید!

نکته و نظر

صبر انقلابی

نکته: دکتر چمران آرپی‌جی می‌خواست، نمی‌دادند. می‌گفتند دستور از بنی‌صدر لازم است. تلفن کرده بود به مسئول توپخانه. آنجا هم همان آش و همان کاسه. طرف پای تلفن نمی‌دید دکتر از عصبانیت قرمز شده. فقط می‌شنید که «من از کجا بنی‌صدر رو گیر بیارم مجوز بگیرم؟» رو کرد به من و گفت «برو آنجا آرپی‌جی بگیر. ندادند به زور بگیر. برو عزیز جان.» یکی بار هم گفتم: «دکتر، شما هرچی دستور می‌دی، هرچی سفارش می‌کنی، جلوی شما می‌گن چشم. بعد هم انگار نه انگار. هنوز تسویه ما رو نداده. ستاد رفته زیر سؤال. می‌گن شما سلاح گم کردین...» هر چقدر که من عصبانی بودم، او آرام بود. گفت: «عزیز جان، دلخور نباش. زمانه نابسامانیه. مگه نمی‌گفتن چمران تل زعتر رو لو داده؟ حالا بذار بگن حسین مقدم هم سلاح گم کرده. دلخور نشو عزیز.»

نظر: زمانه بی‌سامانی است. هنوز هم نیروهای انقلاب دغدغه حل مشکلات مردم را دارند؛ اما مسئولان دولتی در برخی موارد همراهی نمی‌کنند. از یک سو تهمت می‌خورند و از طرف دیگر هم نمی‌توانند ببینند در روز روشن به انقلاب و مردم جفا می‌شود. همین چند روز پیش، وزیر نفت دوباره سخن از کاسبان تحریم به میان آورد؛ در حالی که آمریکا با تاکتیک تحریم، به دنبال کشاندن نظام پای میز مذاکره است و کاسبی است. نیروهای انقلابی برای حل مشکلات و این ناهماهنگی‌ها، باید با صبر و بی‌توجهی به حاشیه‌سازی‌ها زمینه ظفر را هموار کنند. در سیل اخیر، این روحیه به خوبی آشکار بود و توجه نداشتند که مدیر ارشد اجرایی در هنگامه بحران در شمال، مشغول تفریح در سواحل جنوبی بود و خودشان آتش به اختیار، مشکلات مردم را حل کردند.

حسن ختام

پرواز تا رمضان

ای همیشه مهربان

چه زود زمستان وجودم را بهاری کرده‌ای و چه زود بال شکسته‌ام را بی‌آنکه بفهمم احیا کرده‌ای؛ با ولادت‌تان عهدی دوباره بسته‌ام و اکنون شما با مهربانی همیشگی‌تان دستم را گرفته‌اید و آرام آرام از شهر شعبان به بالای قله رمضان مبارک رسانده‌اید و از من می‌خواهید پرواز کنم و بال‌هایم را با تواضع و خشوع به درگاه خداوند بنشانم.

ای تنها آموزگار عشق

آموخته‌ام دراین ماه عاشق‌های به ستوه‌آمده از گناه و خسته از بازی‌های دنیا باید همچون مرغان دلباخته عطار، هفت شهر عشق را بدون هیچ دل‌بستگی پشت سر بگذارند؛ چرا که دل‌بستگی عین سرپیچی است و سرپیچی و روگردانی جایی در شاگردی شما ندارد.

ای زنده‌کننده جان

می‌دانم در این ماه عزیز نسیم تنفس‌تان همچون دم مسیحایی در چهره این شهر سرازیر می‌شود و کبوتر دل‌مان را زنده می‌کند و کلمه به کلمه مناجات و دعاهای سحرگاهی شما بال‌های پریدن و رسیدن به عرش را در ما به پرواز درمی‌آورد.

ای آرامش‌بخش دل

کمک‌مان کن تا در این رمضان معظم طاعت فروتنان نصیب‌مان شده و سینه‌مان برای انابه همچون بازگشت خاضعان باز شود...

یار مهربان

تیم ترور «باخ»

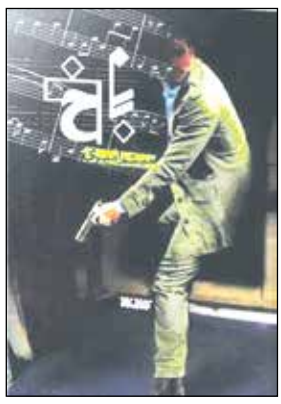

رمان «باخ» دومین نوشته «میثم امیری» است که انتشارات کتابستان معرفت منتشر کرده است. باخ داستان یک تیم ترور است؛ تیمی چهار نفره از دو نسل متفاوت؛ نسلی که در جنگ حاضر بوده و نسلی دیگر که تنها از جنگ شنیده است. حال آنها با هم همراه می‌شوند تا عملیات کنند. آیا موفق می‌شوند؟

همین سوژه جالب رمان، خواننده را به خود جذب می‌کند. داستان این عملیات را یکی از اعضای این تیم روایت می‌کند. او در زندان گرفتار شده است و تصمیم می‌گیرد تا رویدادها را شرح دهد. روزنوشت‌های این فرد کتاب باخ را تشکیل داده است؛ از روزی که آنها با نقشه دو رزمنده دیروزی آشنا می‌شوند تا زمانی که در کانون اتفاقات قرار می‌گیرند و می‌خواهند در تیم ترور نقش‌آفرین باشند. این تیم ترور در میانه ماجرا با افسری اطلاعاتی مواجه می‌شود که سد راه‌شان است.

در بخشی از این داستان می‌خوانیم: «بعد، از حاجی جدا شدم. گفتم خداحافظ مرد بی‌ادعا. خداحافظ عقاب صحرا. بای‌بای ماکارف. خیلی خوش گذشت. من رفتم پی دنیا. تو باش و آن آخرتت.

ـ خب؟

ـ ریش را زدم. رفتم توی سوپرمارکت. ایرج بود با یکی دو خارجی. هم را نمی‌شناختیم. نگو اینها کیس هستند. گفتم مهمانیت را جوری می‌گردانم که حال کنی. خودتم بیا. گفتم سواری عالی می‌آورم. ویلای عالی. اطعمه. اشربه. همه چیز. بگذار لذت ببرند از ایران. گفت: تو کی هستی؟ گفتم: تورلیدر حاذق. مثل بتن آرمه بود لامذهب. گفت: خوبه. روزی چند؟ گفتم: پول برای من افت کلاس دارد. اصلاً از پول بدم می‌آید. می‌خواهیم حال کنیم...

بعد به فکر فرو رفت. انگار چیزی یادش آمده باشد. روح‌الله گفت: ادامه‌اش؟ فردا صبح آمد و یکی محکم خواباند توی گوشم. گفت: برو گمشو. فرمانده جنگی تو! خجالت نمی‌کشی؟ گفتم: به تو چه ربطی دارد؟ گفت: برو گمشو. دفاعت از مملکت را پیش من بی‌اعتبار نکن.»